

آداب اسلامی

گروه ترجمه و تألیف:

سایت نوار اسلام

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

مقدمه.....	۲۱
آداب راه.....	۲۵
فروهستن چشم‌ها:.....	۲۵
دور کردن موانع از سر راه:.....	۲۶
رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی و حق تقدم ماشین‌ها:.....	۲۶
جواب سلام:.....	۲۷
امر به معروف و نهی از منکر:.....	۲۷
میان‌ه روی و فروتنی در راه رفتن:.....	۲۷
حرکت در پیاده‌رو:.....	۲۸
تلاش در پاکیزه نگاه داشتن راه‌ها:.....	۲۸
رعایت ادب در حین راه رفتن به‌مراه بزرگتر:.....	۲۸
در حین راه رفتن چیزی نمی‌خورد:.....	۲۸
بلند ننمودن صدا در گذرگاه‌ها:.....	۲۸
آداب خورد و نوش.....	۲۹
خوردن حلال:.....	۲۹
اعتدال و میان‌ه روی:.....	۳۰
شستن دست‌ها قبل از غذا:.....	۳۰
بردن نام خداوند در ابتدای غذا خوردن:.....	۳۱

- از غذا ایراد نگیرید: ۳۱
- نیت در غذا خوردن: ۳۱
- اندیشیدن در نعمات پروردگار منعم و رزاق: ۳۱
- خوردن از مقابل خود: ۳۲
- گردآمدن موقع صرف غذا: ۳۲
- خودداری از استعمال ظروف طلا و جواهر: ۳۲
- طرز نشستن موقع خوردن غذا: ۳۳
- خوردن غذا در کوچه و خیابان: ۳۳
- چگونه بنوشیم: ۳۳
- شکر و حمد خداوند در پایان غذا: ۳۴
- صرفه جویی در غذا: ۳۴
- پس مانده‌ی غذا: ۳۴
- خوردن غذای غیر مسلمانان: ۳۵
- آداب علم** ۳۷
- اخلاص: ۳۹
- فراگرفتن علم مفید: ۴۰
- وقت گذاشتن و پایبندی بر فراگرفتن علم: ۴۰
- پاک ساختن درون خویش از اخلاق ناپسند: ۴۱
- تحصیل علم در خردسالی: ۴۱
- کار و کسب مانع تحصیل علم نیست: ۴۲
- صبر و تحمل: ۴۲
- پله به پله رفتن برای فراگیری علم: ۴۳
- تخصص: ۴۳

۴۳	حفظ همراه با فهم و تدبر:
۴۴	یادداشت برداری:
۴۴	مطالعه و تکرار و تمرین:
۴۴	زمانبندی برای یادگیری:
۴۵	نبودن حیا در علم:
۴۵	تلاش برای کسب علم:
۴۶	عمل به علم:
۴۷	احترام گذاشتن به معلم:
۴۷	سکوت و گوش دادن:
۴۷	نگاه داشتن ادب در مجلس علم:
۴۸	مواردی که برای تحصیل علم و مطالعه سودمند هستند:
۴۹	ادب در رابطه با خداوند
۵۰	بندگی پاک و بی‌ریای خداوند:
۵۰	چشم داشتن به خداوند:
۵۰	یاری خواستن از خداوند:
۵۱	گرامیداشت شعائر اسلام:
۵۱	خشم گرفتن در صورت پاس نداشتن حرمت‌ها و نوامیس خداوندی:
۵۲	توکل بر خداوند:
۵۲	خرسندی و رضایت به قضای الهی:
۵۳	قسم خوردن به خداوند:
۵۳	شکر و سپاس خداوند:
۵۳	توبه و بازگشت به سوی خداوند:
۵۵	آداب اعیاد

- ۵۵..... شب زنده داری و ذکر:
- ۵۶..... غسل گرفتن و استعمال عطر و پوشیدن زیباترین لباس‌ها:
- ۵۶..... خوردن چیزی قبل از رفتن برای نماز عید فطر:
- ۵۶..... رفتن به مصلى در اول وقت:
- ۵۷..... نماز در هوای آزاد:
- ۵۷..... خروج زنان و کودکان:
- ۵۷..... به تأخیر انداختن نماز عید فطر و تعجیل نمودن برای برگزاری نماز عید قربان:
- ۵۸..... نگفتن اذان و اقامه برای نماز عیدین:
- ۵۸..... نبودن هیچ نمازی قبل یا بعد از نماز عید:
- ۵۸..... نشستن بعد از نماز برای شنیدن خطبه:
- ۵۸..... تبریک و دست دادن:
- ۵۹..... بازگشت از راهی متفاوت:
- ۵۹..... صله‌ی ارحام:
- ۶۰..... دلسوزی و توجه به فقرا و یتیمان:
- ۶۰..... بازی و سرگرمی مباح:
- ۶۰..... جایز نبودن روزه در روزهای عید:
- ۶۱..... گفتن تکبیر در روزهای عید:
- ۶۱..... از انواع تکبیر:
- ۶۳..... آداب سلام و احوالپرسی**
- ۶۴..... پایبندی به سلام و درود اسلامی:
- ۶۵..... سلام بر همه‌ی مسلمانان:
- ۶۵..... سلام کردن با صدای بلند:
- ۶۵..... اول سلام کنید:

۶۶.....	جواب سلام:
۶۶.....	تکرار نمودن سلام:
۶۶.....	دست دادن در هنگام سلام کردن:
۶۷.....	سلام کردن به زنان:
۶۷.....	سلام کردن بر کودکان:
۶۷.....	بعضی جاها نباید سلام کرد:
۶۷.....	سلام نمودن بر یک گروه و جماعت:
۶۸.....	سلام کردن در خانه‌ی خالی:
۶۸.....	سلام هنگام ترک کردن مکانی و برگشتن:
۶۹.....	آداب جنازه.....
۶۹.....	تلقین شهادتین به فرد در حال احتضار:
۷۰.....	پوشاندن و فرو بستن چشمان او:
۷۰.....	صبر و حمد و سپاس خداوند و گفتن «إنا لله وإنا إليه راجعون»:
۷۱.....	شتاب در کفن و دفن میت:
۷۲.....	خواندن نماز میت:
۷۲.....	پیاده بردن جنازه و شتاب در این کار:
۷۲.....	خودداری از نوحه گری و بر سر و صورت خود زدن:
۷۲.....	به اجرا درآوردن وصیت:
۷۲.....	دعا برای میت:
۷۳.....	نماز بر میت در غیابش:
۷۳.....	فرستادن غذا برای خانواده‌ی میت:
۷۳.....	پرداخت بدهی و دیون به جای میت:
۷۴.....	عزا و سوگواری:

- ۷۴.....اجتناب از خبردادن به مرگ فرد به شیوهی جاهلیت: ۷۴
- ۷۴.....گرفتن عبرت و پند آموزی: ۷۴
- ۷۷..... آداب دعوت ۷۷**
- ۷۸.....اخلاص در نیت: ۷۸
- ۷۸.....دعوت با حکمت و موعظه‌ی نیک: ۷۸
- ۷۸.....فهم و درک عالی از دین: ۷۸
- ۷۸.....سر مشق نیک: ۷۸
- ۷۹.....دوری جستن از مسایل اختلافی: ۷۹
- ۸۰.....با چیزهای مهم‌تر شروع کند: ۸۰
- ۸۰.....با نرم‌رفتاری و مداراجویی: ۸۰
- ۸۱.....ذکاوت و هوشیاری: ۸۱
- ۸۱.....شناخت شخصیت فرد دعوت شونده: ۸۱
- ۸۱.....خطاب قرار دادن مردم در سطح درک و فهم آنان: ۸۱
- ۸۲.....ابتدا با اهل خانواده و نزدیکان شروع کند: ۸۲
- ۸۲.....امیدواری: ۸۲
- ۸۳..... آداب دعاء ۸۳**
- ۸۴.....انتخاب وقت دعاء: ۸۴
- ۸۵.....رو کردن بسوی قبله: ۸۵
- ۸۶.....بلند کردن دست‌ها: ۸۶
- ۸۷.....پافشاری و اصرار در دعا و تکرار سه باره‌ی آن: ۸۷
- ۸۸.....دعا با صدای آرام و کوتاه: ۸۸
- ۸۸.....دعاء با آنچه در قرآن و سنت آمده است: ۸۸
- ۸۹.....خود را وادار به بکار بردن عبارات موزون و مسجع در دعا نکنید: ۸۹

۸۹.....	ابتدا دعاء برای خویش و سپس برای دیگران:
۹۰.....	دعاء نکردن بر خویش و خانواده و یا اموال و فرزندان:
۹۰.....	دعاء پشت سر برادرت:
۹۰.....	دعاء برای کسی که با شما نیکی کرده است:
۹۰.....	طلب دعاء از انسان‌های صالح:
۹۱.....	دعاء برای گناه و بریدن خویشاوندی نباشد:
۹۱.....	ذکر خداوند، اطاعت از اوامر او و انجام عمل صالح:
۹۱.....	کوشش در کسب به رزق و روزی حلال:
۹۳.....	آداب ذکر.....
۹۶.....	ذکر در خانه‌ی خدا:
۹۶.....	پایبندی به برترین ذکر:
۹۶.....	پاکی و طهارت:
۹۷.....	آرامش و خضوع:
۹۷.....	رو به قبله داشتن:
۹۷.....	ذکر خداوند در هر وقت:
۹۷.....	ذکر پروردگار به هنگام خوشی و ناخوشی:
۹۸.....	پرهیز از ذکر خداوند در مکان‌های ناپاک و نجس:
۹۸.....	از جمله ذکرهایی که مسلمان باید بر آن پایبند باشد:
۹۹.....	دعای ورود به بازار:
۹۹.....	به وقت خواب:
۹۹.....	به هنگام داخل شدن به دستشویی با پای چپ وارد شود و بگوید:
۹۹.....	به وقت وضوء بگوید:
۱۰۰.....	وقتی که لباس تازه می‌پوشد:

- ۱۰۰..... به هنگام رفتن به مسجد:
- ۱۰۰..... وقتی که داخل و یا از مسجد خارج می شود:
- ۱۰۱..... به وقت غذا خوردن:
- ۱۰۳..... آداب ورزش**
- ۱۰۴..... از جمله آداب ورزش جسمانی:
- ۱۰۴..... در نظر داشتن نیت:
- ۱۰۴..... مراعات سن و سال:
- ۱۰۴..... اجتناب از حرام:
- ۱۰۵..... تنظیم وقت:
- ۱۰۵..... انتخاب مکان مناسب:
- ۱۰۵..... دوری از اختلاط:
- ۱۰۵..... توجه و اهمیت دادن به همبازی ها:
- ۱۰۵..... دوری از تعصب و هواداری:
- ۱۰۵..... پوشاندن عورت:
- ۱۰۶..... فرد را از عبادت باز ندارد:
- ۱۰۶..... دور نشدن از تحصیل علم:
- ۱۰۶..... پایداری و مداومت:
- ۱۰۶..... اخلاق نیکو:
- ۱۰۶..... تناسب رشته‌ی ورزشی با جنسیت افراد:
- ۱۰۹..... آداب دید و بازدید**
- ۱۰۹..... دیدار مبارکباد و تهنیت:
- ۱۱۰..... ابراز سرور و شادمانی:
- ۱۱۰..... دست دادن و معانقه:

- ۱۱۰.....آماده ساختن هدیه‌ای در حد توان:
- ۱۱۱.....گفتن جملات مبارک باد و تهنیت:
- ۱۱۱.....برای تبریک ازدواج:
- ۱۱۱.....برای تبریک پوشیدن لباس نو:
- ۱۱۱.....برای تبریک اعیاد:
- ۱۱۱.....دیدار تعزیه و همدردی:
- ۱۱۳.....مشارکت:
- ۱۱۳.....فرصت سه روزه:
- ۱۱۳.....تهیه‌ی غذا:
- ۱۱۴.....تعزیه‌ی زنان:
- ۱۱۴.....نشستن برای عزا:
- ۱۱۴.....در سوگ و ماتم چه می‌گویند:
- ۱۱۵.....پرهیز از اسراف در تدارک مراسم تشییع جنازه:
- ۱۱۵.....عیادت بیماران:
- ۱۱۶.....اخلاص و پاکی نیت:
- ۱۱۶.....انتخاب وقت مناسب:
- ۱۱۶.....دعای شفا برای بیمار:
- ۱۱۶.....عیادت مختصر:
- ۱۱۹.....آداب سفر.**
- ۱۲۰.....سفر فواید بسیاری دارد که امام شافعی به زیبایی آن‌ها را چنین برمی‌شمارد:
- ۱۲۰.....از جمله آداب سفر:
- ۱۲۰.....نیت صحیح و نیکو:
- ۱۲۱.....مسافرت برای چیزی باشد که موجب خوشنودی خداوند باشد:

- ۱۲۱..... مشورت و استخاره قبل از خروج به قصد مسافرت:
- ۱۲۱..... پرداخت بدهی و برگرداندن امانت‌ها:
- ۱۲۲..... وصیت برای خانواده:
- ۱۲۲..... انتخاب همسفر:
- ۱۲۳..... فراهم ساختن توشه‌ی سفر:
- ۱۲۳..... پنج شنبه‌ها برای مسافرت بهتر می‌باشد:
- ۱۲۳..... رفتن به سفر در اولین ساعات روز:
- ۱۲۳..... نماز قبل از سفر:
- ۱۲۳..... خداحافظی از خانواده و دوستان:
- ۱۲۴..... دعای خانواده و دوستان برای شخص مسافر:
- ۱۲۴..... طلب دعا از مسافر:
- ۱۲۴..... دعای هنگام عزیمت:
- ۱۲۵..... یک نفر را از میان خود به عنوان راهبر انتخاب نمایند:
- ۱۲۵..... دعای هنگام سوار شدن بر مرکب:
- ۱۲۶..... رعایت احساسات مسافران ناتوان و ضعیف:
- ۱۲۶..... برخورد درست با وسیله‌ی سفر:
- ۱۲۶..... مراعات آداب نشستن بر مرکب:
- ۱۲۸..... تفکر و پندگیری:
- ۱۲۸..... مراعات عادات و رسوم اهالی شهری که بدان پا می‌گذارد:
- ۱۲۸..... استفاده از رخصت‌های داده شده در جریان سفر:
- ۱۲۸..... - شکسته خواندن نمازهای چهار رکعتی:
- ۱۲۹..... شتاب در بازگشت:
- ۱۳۱..... **آداب کار و عمل**

۱۳۳.....	داشتن نیت:
۱۳۳.....	عدم تأخیر در کار:
۱۳۳.....	سحر خیزی:
۱۳۳.....	جدیت در کار:
۱۳۴.....	دقت و درستی در کار:
۱۳۴.....	تواضع:
۱۳۵.....	کار و عمل دنیا نباید ما را از عبادت و اطاعت پروردگار بازدارد:
۱۳۵.....	دوری از حرام:
۱۳۵.....	امانت‌داری:
۱۳۷.....	آداب لباس.....
۱۳۹.....	عدم فخر فروشی به آن:
۱۳۹.....	میانه‌روی:
۱۳۹.....	پوشش مناسب فرد:
۱۴۰.....	مردان از پوشیدن لباس ابریشم و زیور آلات طلا خودداری نمایند:
۱۴۰.....	زیبایی و تناسب لباس:
۱۴۰.....	بخشیدن لباس‌ها:
۱۴۰.....	پوشیدن لباس‌های سفید رنگ:
۱۴۱.....	تشکر و سپاس از خداوند به خاطر لباس تازه:
۱۴۱.....	نخست از سمت راست برتن نمودن لباس:
۱۴۲.....	ذکرهای هنگام درآوردن لباس:
۱۴۲.....	هنگام بیرون آوردن لباس:
۱۴۲.....	نظافت پوشاک:
۱۴۲.....	عطر و خوشبویی:

- پوشش زنان:..... ۱۴۲
- پوشیدن لباس‌ها در روزهای جمعه و عیدین:..... ۱۴۲
- آداب شوخی و مزاح ۱۴۵**
- راستگویی در شوخی و مزاح:..... ۱۴۶
- اعتدال در شوخی:..... ۱۴۶
- بدور ماندن از مسخره کردن دیگران:..... ۱۴۶
- نیت خوب در شوخی:..... ۱۴۷
- انتخاب وقت و مکان مناسب:..... ۱۴۷
- شوخی در ازدواج و طلاق و رجوع جایز نیست:..... ۱۴۷
- شوخی با سلاح:..... ۱۴۷
- شوخی در مورد مسائل دینی:..... ۱۴۸
- آداب مساجد ۱۴۹**
- طهارت و پاکی:..... ۱۵۰
- زیاد رفتن به مسجد:..... ۱۵۱
- خواندن دعاء هنگام حرکت بسوی آن:..... ۱۵۱
- آرامش و شتاب نمودن در موقع حرکت به سوی مسجد:..... ۱۵۱
- ورود با پای راست و خواندن دعاء:..... ۱۵۲
- دو رکعت نماز تحیة المسجد:..... ۱۵۲
- خارج نشدن از مسجد بعد بانگ اذان:..... ۱۵۲
- پایبندی به ذکر و یاد خداوند:..... ۱۵۲
- خودداری از گذشتن از مقابل نماز گزاران:..... ۱۵۳
- آباد ساختن مساجد:..... ۱۵۳

۱۵۴.....	خودداری از بلند کردن صدا و جنگ و دعوا در مسجد:
۱۵۴.....	کوشا بودن در نظافت و پاک نگاه داشتن مسجد:
۱۵۴.....	دعاء هنگام خروج از مسجد:
۱۵۵.....	درنگ نمودن افراد جنب و حائض در آن:
۱۵۵.....	عدم ساختن مساجد بر روی قبور:
۱۵۵.....	میانه روی در بناء مساجد و عدم زینت دادن و آراستن آن:
۱۵۵.....	بناء مساجد تنها به نیت کسب رضایت خداوند:
۱۵۶.....	در مسجد خرید و فروش نمی شود:
۱۵۶.....	اعتکاف در مسجد:
۱۵۶.....	خوابیدن در مسجد:
۱۵۶.....	مرتب بودن صفهای نماز:
۱۵۷.....	آداب مسجد الحرام:
۱۵۷.....	آداب مسجد نبوی:
۱۵۸.....	آداب مسجد در روز جمعه:
۱۵۸.....	غسل و آراستگی و خوشبویی:
۱۵۸.....	رفتن به مسجد در اول وقت:
۱۵۹.....	از میان سر و گردن مردم راه را بسوی صفهای جلوتر نگشودن:
۱۵۹.....	سکوت در هنگام خطبه:
۱۶۱.....	آداب نصیحت
۱۶۲.....	آداب مربوط به فرد نصیحت کننده:
۱۶۲.....	اخلاص:
۱۶۲.....	توجه به حکمت و موعظه و نیکو و ملایم:
۱۶۲.....	عدم کتمان نصیحت:

- ۱۶۳..... نصیحت بطور پنهان صورت گیرد:
- ۱۶۴..... امانت در نصیحت:
- ۱۶۴..... آداب فرد نصیحت شده:
- ۱۶۴..... عدم اصرار بر چیزهای بیهوده:
- ۱۶۴..... گرفتن نصیحت از مسلمان آگاه:
- ۱۶۵..... تشکر از فرد ناصح:
- ۱۶۷..... آداب خواب**
- ۱۶۷..... زود خوابیدن:
- ۱۶۷..... خوابیدن با وضوء:
- ۱۶۸..... خوابیدن در مکان پاک:
- ۱۶۸..... خوابیدن در جای امن:
- ۱۶۸..... دعاء هنگام خواب:
- ۱۶۹..... خوابیدن بر پهلوئی راست:
- ۱۶۹..... محاسبه‌ی نفس:
- ۱۶۹..... پایبندی به آداب خواب و رؤیا:
- ۱۷۰..... شب خیزی:
- ۱۷۰..... اهمیت دادن به نماز صبح:
- ۱۷۰..... دعای موقع برخاستن از خواب:
- ۱۷۰..... کاستن از ساعات خواب:
- ۱۷۱..... آداب زیارت قبور**
- ۱۷۲..... به خاطر آوردن نیت:
- ۱۷۲..... هنگام ورود به قبرستان ابتدا سلام نماید:
- ۱۷۲..... ننشستن و راه نرفتن بر روی قبرها:

۱۷۳.....	تبرک نگرفتن از قبور:
۱۷۳.....	روا نبودن خنده و بازی در قبرستان:
۱۷۳.....	تمجید از درگذشتگان و بیان نیکی‌ها آنان:
۱۷۴.....	درست نبودن خواندن نماز در قبرستان یا نماز خواندن رو به قبرها:
۱۷۴.....	سلام کردن هنگام ترک آن جا و گرفتن پند و موعظه از آن:
۱۷۵.....	آداب قضاء حاجت.....
۱۷۵.....	قضاء حاجت در مکان مخصوص:
۱۷۶.....	وارد شدن به دستشویی با پای چپ و خروج از آن با پای راست:
۱۷۶.....	دعای قبل از داخل شدن به دستشویی:
۱۷۶.....	همراه نداشتن چیزی که در آن نام خدا باشد:
۱۷۶.....	صحبت نکردن در اثنای قضای حاجت:
۱۷۶.....	عجله در خروج بعد از قضای حاجت:
۱۷۷.....	عدم اسراف در آب:
۱۷۷.....	استفاده از دست چپ:
۱۷۷.....	رو یا پشت ننمودن به قبله:
۱۷۷.....	نهان شدن:
۱۷۸.....	استنجاء:
۱۷۸.....	استجمار:
۱۷۸.....	ادرار ننمودن در مسیر باد:
۱۷۸.....	بول نکردن در آب راکد:
۱۷۹.....	ادرار ننمودن در سوراخ‌ها:
۱۷۹.....	نشستن موقع ادرار:
۱۷۹.....	شستن دست‌ها و پاکیزه داشتن آن‌ها:

- ۱۷۹..... دعاء هنگام خروج:.....
- ۱۷۹..... وضوء:.....
- ۱۸۱ آداب رفتار با حیوانات**
- ۱۸۲..... شکر خداوند به خاطر این نعمت:.....
- ۱۸۲..... مهربانی با حیوانات:.....
- ۱۸۳..... بار بیش از طاقت بر آنان سوار نکنند:.....
- ۱۸۳..... آزار و شکنجه ندادن حیوانات:.....
- ۱۸۴..... حیوان را نشانه‌ی تیراندازی قرار ندهید:.....
- ۱۸۴..... جدا نساختن پرندگان کوچک و مادرشان از همدیگر:.....
- ۱۸۵..... نرم رفتاری با حیوان در هنگام ذبح:.....
- ۱۸۵..... مثله نمودن حیوانات:.....
- ۱۸۶..... جز به ضرورت حیوانی کشته نشود:.....
- ۱۸۶..... معالجه‌ی حیوان موقعی که بیمار باشد:.....
- ۱۸۷ ادب در رابطه با والدین**
- ۱۸۸..... تأکید پیامبر صلی الله علیه وسلم بر نیکی با والدین:.....
- ۱۸۹..... دوست داشتن و با شفقت بودن با آنها:.....
- ۱۸۹..... اطاعت از آنان:.....
- ۱۹۰..... سرپرستی آنان:.....
- ۱۹۰..... نیکی کردن به آنها:.....
- ۱۹۱..... مراعات احساسات آنان:.....
- ۱۹۱..... آنان را به اسمشان صدا مکن:.....
- ۱۹۱..... هنگام برپا بودن آنان ننشیند، و در راه رفتن از آنان پیش نیفتد:.....
- ۱۹۱..... اجازه داشتن از آنها برای رفتن به جهاد:.....

- ۱۹۲..... همسر و فرزندان را بر آن‌ها برتری ندهد:
- ۱۹۳..... دعاء برای آنان در زمان حیات و پس از مردن ایشان:
- ۱۹۴..... احسان و نیکی با دوستان پدر و مادر پس از وفاتشان:
- ۱۹۵..... آداب مجالس**
- ۱۹۵..... همنشینی و مجالست با صالحان:
- ۱۹۷..... سلام کردن و نشستن هر جا که جا شد:
- ۱۹۸..... درست و میانه نشستن:
- ۱۹۸..... خودداری از نشستن در کوچه و بازار:
- ۱۹۸..... دوری از اماکن شبهه ناک:
- ۱۹۹..... رعایت ادب در گفتگو:
- ۲۰۰..... در گوشی دو نفر در حضور نفر سوم:
- ۲۰۰..... جای باز کردن برای کسی که وارد می‌شود:
- ۲۰۰..... برنخاستن برای کسی که وارد می‌شود به قصد تکریم فرد:
- ۲۰۱..... رعایت ادب در عطسه نمودن یا سرفه کردن و یا انداختن آب دهان:
- ۲۰۱..... سلام نمودن در هنگام ترک مجلس:
- ۲۰۲..... دعای کفاره‌ی مجلس:
- ۲۰۲..... امانت مجلس:
- ۲۰۲..... پرهیز از داستان سرائی در شب و بعد از نماز عشاء:
- ۲۰۵..... آداب مهمانی**
- ۲۰۵..... ۱- پذیرفتن دعوت:
- ۲۰۶..... ۲- مهمان نوازی واجب است:
- ۲۰۷..... ۳- مستحب بودن خوشامد گویی به مهمان:
- ۲۰۷..... ۴- چنانچه کسی که دعوت نشده همراه مهمان راه بیافتد، مهمان به او چه بگوید؟

-
- ۵- تشریفات برای مهمان:..... ۲۰۸
- ۶- وارد شدن به خانه با کسب اجازه و بازگشتن به منزل خویش پس از فراغت از
صرف غذا:..... ۲۰۹
- ۷- مقدم داشتن شخص بزرگ تر بر کوچک تر و مقدم داشتن شخص سمت راست:
..... ۲۱۰
- ۸- دعایی که مهمان پس از فراغت از خوردن غذا برای صاحبخانه می خواند:..... ۲۱۱
- ۹- مستحب بودن بدرقه‌ی مهمان تا در خانه:..... ۲۱۲

مقدمه

ادب در لغت به معنای «دانش، فرهنگ، معرفت، روش پسندیده، خوی خوش» آمده است و جمع آن «آداب» می‌باشد.

ادب‌هایی که هر مسلمان باید به آن تاسی کند از رفتار پیامبر صلی الله علیه وسلم نشأت می‌گیرد.

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه وسلم دارای بهترین اخلاق بودند. حق تعالی در قرآن عزیز می‌فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ٤﴾ «(ای محمد!) به درستی که تو بر خلق عظیم آفریده شده‌ای»

مصطفی را هزار معجزه بود که به مردم همی نمود مقیم

بهترین هزار معجزه‌اش ادب نیک بود و خلق عظیم

رسول الله صلی الله علیه و سلم، جامع صفات نیک بود و هر کس که خواهان سعادت ابدی است باید که در رفتار خود به وی اقتدا کند، صلوات الله و سلامه علیه.

الله تعالی در قرآن کریم درباره رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ١٧﴾

پس باید که در اخلاق نیکو به حضرت مصطفی صلی الله علیه وسلم اقتدا کنیم، زیرا در اخلاق حمیده به جایی رسیده بود که عایشه صدیقه رضی الله عنها در شأنش گفت: «کان خلقه القرآن» (اخلاق پیامبر قرآن بود).

ادب پایه‌ی تمام محاسن اخلاقی و سبب نیل به سعادت ابدی است.

ادب دانستن چیزهایی است که به وسیله آن از انواع خطاها احتراز به عمل می‌آید.

ابو حفص رحمه الله می‌گوید: حسن ادب در ظاهر، ملاک حسن ادب در باطن است.

شیخ الاسلام گوید: ادب تهذیب ظاهر و باطن است.

و گفته شده است که ادب محصول صفای دل و حضور قلب است.

مجموعه آداب اسلامی، مأخوذ از قرآن، سنت و سیره نبوی صلی الله علیه وسلم است. مسلمان موظف به رعایت آداب است چرا که ظاهر از باطن و باطن را از ظاهر خیر می‌دهد.

با توجه به اینکه سعادت ابدی مسلمانان در رعایت این آداب است، گروه ترجمه و تألیف «سایت نوار اسلام» مجموعه‌ی آداب اسلامی را گردآوری و به طرزی شیوا و عامه فهم به فارسی ترجمه کرده‌اند، که مطالب آن عبارتند از:

[آداب راه](#)

[آداب خورد و نوش](#)

[آداب علم](#)

[ادب در رابطه با خداوند](#)

[آداب اعیاد](#)

[آداب سلام و احوالپرسی](#)

[آداب جنازه](#)

[آداب دعوت](#)

[آداب دعاء](#)

[آداب ذکر](#)

[آداب ورزش](#)

[آداب دید و بازدید](#)

[آداب سفر](#)

[آداب کار و عمل](#)

[آداب لباس](#)

[آداب شوخی و مزاح](#)

[آداب مساجد](#)

[آداب نصیحت](#)

[آداب خواب](#)

[آداب زیارت قبور](#)

[آداب قضاء حاجت](#)

[آداب رفتار با حیوانات](#)

[ادب در رابطه با والدین](#)

[آداب مجالس](#)

[آداب مهمانی](#)

از خداوند متعال مسئلت داریم که همه را توفیق عمل به این آداب را عطا فرماید.

وصلی الله علی خیر خلقه محمد، وعلی آله وصحبه، وبارک وسلم.

سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب راه

یک روز پیامبر صلی الله علیه وسلم به اصحابش فرمود: (إياكم والجلوس على الطرقات) فقالوا: ما لنا بد، إنما هي مجالسنا نتحدث فيها. قال صلى الله عليه وسلم: (فإذا أبيتم إلا المجالس؛ فأعطوا الطريق حقها). قالوا: وما حق الطريق؟ قال صلى الله عليه وسلم: (غض البصر، وكف الأذى، ورد السلام، وأمر بالمعروف، ونهي عن المنكر) [متفق عليه] یعنی: «از نشستن در راهها بپرهیزید.

گفتند: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم ما چاره‌ی از این نشستن‌های مان نداریم که در آن صحبت می‌کنیم.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: پس هرگاه ناگزیر از نشستن شده‌اید، حق راه را بدهید.

گفتند: حق راه چیست، یا رسول الله صلی الله علیه وسلم؟
فرمود: پوشیدن چشم، خود داری از اذیت و آزار و جواب دادن سلام و امر به کارهای پسندیده و نهی از کارهای بد.»

راه‌ها برای راحتی همگان بوده و ملک عمومی است. چنانچه هرکس راه را جزوی از خانه‌اش می‌دانست، از آن بیشتر محافظت می‌نمود.
درباره‌ی راه‌ها (معابر) نیز آدابی وجود دارند که لازم است توسط مسلمانان مراعات گردند، از جمله:

فروختن چشم‌ها:

فرد مسلمان برای بجای آوردن امر و فرمان باری تعالی چشم از حرام فرو می‌گیرد.

خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿۳۰﴾ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ ﴿۳۱﴾ [النور: ۳۰-۳۱] یعنی: «به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است. و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند.»

دور کردن موانع از سر راه:

فرد مسلم موانعی مانند سنگ یا ریسمان و شیشه یا دیگر چیزها را از سر راه کنار می‌برد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم در این مورد می‌فرماید: (... وتميط الأذى عن الطريق صدقة) [متفق علیه] یعنی: «... و دور کردن اشیاء موزی (سنگ و خار و خاشاک و غیره) از راه صدقه است.»

از قضاء حاجت بر سر راه خودداری می‌کند تا باعث ناراحتی کسی نگردد. از بازی و شوخی ناپسند و مسخره کردن دیگران در کوچه و خیابان‌ها پرهیز می‌نماید. راه را بر رهگذران تنگ ننموده و بلکه سعی در گشاد کردن گذرگاه برای عابران دارد. چنانچه عصا یا چتر یا هر چیز دیگری را که ممکن است به دیگران آسیب برساند با خود حمل کند، باید که مراقب آن بوده و نگذارد به کسی صدمه بزند. دستانش را در راه به تندی و با شدت در مکان‌های شلوغ تکان ندهد. در مسیر پل یا راه‌های باریک، به عنوان مثال، به دیگران فشار وارد نیاورد.

رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی و حق تقدم ماشین‌ها:

رانندگان ماشین باید قوانین عبور و مرور را مراعات نموده و پلیس راهنمایی رانندگی را مورد احترام قرار دهند و به علائم راهنمایی دقت نموده و آن‌ها را رعایت کنند. از بوق ماشین زیاد استفاده نمایند تا باعث اذیت بیماران نگردند. سرعت مجاز را در راه‌ها مراعات نمایند.

جواب سلام:

فرد مسلمان در مسیر خویش به طرف مقابل خود سلام می‌کند و سلام دیگران را نیز به شیوه ای بهتر پاسخ می‌دهد.

امر به معروف و نهی از منکر:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (من رأی منکم منکرًا فلیغیره بیده، فإن لم یستطع فبلسانه، فإن لم یستطع فبقلبه، وذلك أضعف الإیمان) [متفق علیه] یعنی: «هرگاه کسی از شما کار بدی را دید باید آن را بدست خویش تغییر دهد، اگر نتوانست بزبان خود آن را منع کند و اگر نتوانست بدل خود از آن بد ببرد و این ضعیف ترین مرحله‌ی ایمان است.»

انسان مسلمان به کمک کسانی که نمی‌توانند راه را طی نموده و توان حرکت ندارند می‌شتابد و دستش را می‌گیرد. چنانچه اتومبیل یا هر وسیله نقلیه‌ای در اختیار داشته باشد، دیگران را نیز سوار می‌نماید. کسانی را که راه گم کرده‌اند راهنمایی می‌کند و در صدد رفع مشاجره و دعواهایی که توان رفع آن‌ها را دارد برمی‌آید و میان شان آشتی برقرار می‌سازد.

میانه روی و فروتنی در راه رفتن:

فرد مسلم در راه رفتن میانه روی اختیار نموده و نه می‌شتابد و نه کند می‌رود، نه با کبر و نه با فخر فروشی راه می‌رود. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ﴾ [لقمان: ۱۹] یعنی: «و در راه رفتن خود میانه‌رو باش!» وقال تعالی: ﴿وَلَا تَمَشْ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۗ إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا﴾ [الإسراء: ۳۷] یعنی: «و در [روی] زمین به نخوت گام برمدار چرا که هرگز زمین را نمی‌توانی شکافت و در بلندی به کوه‌ها نمی‌توانی رسید.»

حرکت در پیاده‌رو:

فرد مسلمان از موقعی که پیاده می‌باشد از پیاده رو عبور نموده و خود را در معرض خطر تصادف با ماشین و موتورها در خیابان قرار نمی‌دهد. در هنگام عبور از عرض خیابان با دقت و آهستگی عمل نموده و از امن بودن خیابان برای عبور مطمئن می‌شود.

تلاش در پاکیزه نگاه داشتن راه‌ها:

باید از انداختن زباله در راه‌ها خودداری نموده و چه زیباست اگر همه با هم در پاک کردن کوچه و خیابان‌ها همکاری نماییم.

رعایت ادب در حین راه رفتن به‌مراه بزرگتر:

نباید از آنان پیش افتاده و هنگام صحبت کردن باید به آن‌ها به خوبی گوش دهید. سعی کند همیشه در سمت چپ او قرار گیرد تا همواره در خروج و ورود به هر جا اولویت با آن‌ها باشد.

در حین راه رفتن چیزی نمی‌خورد:

خوردن خوراکی در راه خلاف جوانمردی است.

بلند ننمودن صدا در گذرگاه‌ها:

برای جلوگیری از آزار و اذیت دیگران و نیز درز ننمودن اسرار بهتر است از صحبت کردن با صدای بلند در معابر خودداری شود. باید از شوخی نابجا با دوستان در معابر نیز پرهیز نمود.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب خورد و نوش

عمر بن ابی سلمه -رضی الله عنه- پسریچه‌ای بود و نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم پرورده می‌شد. یک روز نشسته و با پیامبر صلی الله علیه وسلم غذا می‌خورد، او از مقابل خودش نمی‌خورد و آداب غذا خوردن را رعایت نمی‌کرد. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (یا غلام سَمَّ الله، وُكُلْ بيمينك، وُكُلْ مما يليك) یعنی: «ای پسر! اسم خدا را یاد کن و بدست راست خود بخور و از نزدیک خود بخور.» [متفق علیه]

مردی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم بر سفره‌ی غذا نشسته بود و با دست چپ غذا می‌خورد. پیامبر صلی الله علیه وسلم او را از این کار نهی نموده و فرمود: (كل بيمينك) یعنی: «با دست راست بخور.» آن مرد کبر ورزید و گفت: نمی‌توانم. گرچه می‌توانست با دست راست بخورد و جز کبر او را چیزی به گفتن این سخن وادار نکرد. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (لا استطعت) یعنی: «نتوانی.» و دستش خشک گردید و آن مرد به خاطر مخالفت با امر رسول خدا صلی الله علیه وسلم دیگر نتوانست دست راست خود را به دهان خویش بالا کند. [مسلم]

انسان مسلمان در زندگی خویش را بی‌نیاز از خورد و نوش نمی‌داند، ولی به آن به عنوان هدف و منظور اصلی کوشش و تلاش زندگی‌اش نمی‌نگرد، بلکه آن را وسیله‌ای برای حفظ حیات خویش و خوشنودی پروردگارش می‌داند.

برخی آداب که شایسته است هر مسلمانی در هنگام خورد و نوش بدان‌ها آراسته گردد را در زیر می‌آوریم:

خوردن حلال:

هر مسلمانی باید تلاش کند تا از حرام بپرهیزد و تنها چیزی را که حلال است بخورد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَأَشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۲] یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از نعمتهای پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید و اگر تنها او را می‌پرستید خدا را شکر کنید.» و از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرموده‌اند: (طلب الحلال واجب علی کل مسلم). یعنی: «بر هر مسلمانی واجب است که در طلب رزق حلال باشد.» [طبرانی] فلذا انسان مسلمان از غذا و آشامیدنی حرام مانند گوشت خوک، خون، گوشت مردار، شراب و... دوری کرده و از خوردنی‌های پاکیزه‌ای که خداوند آفریده است بهره می‌گیرد.

اعتدال و میانه روی:

در بهره‌گیری از وسایل و اسباب دنیایی و لذت‌های آن باید میانه روی پیش گرفت. خداوند متعال در قرآن کریم به اعتدال و میانه روی امر نموده و می‌فرماید: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ [الأعراف: ۳۱] یعنی: «بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد.» و پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (ما ملأ آدمي وعاء شراً من بطنه، بحسب ابن آدم أكلات يقمن صلبه، فإن كان لا محالة فثلث لطعامه وثلث لشرابه وثلث لنفسه) یعنی: «هیچ آدمی ظرفی پر نکرد که بدتر از شکم باشد، برای آدمی بسنده است چند لقمه‌ای که قامت او را استوار نگه دارد. چنانچه چاره‌ای نباشد، باید یک سوم آن را برای غذا یک سوم آن برای آب و یک سوم هم برای نفسش باشد.» [ترمذی]

شستن دست‌ها قبل از غذا:

انسان مسلمان به پاکیزگی اهمیت بسزایی داده و قبل از خوردن غذا و پس از آن دستانش را می‌شوید؛ چرا که دین او دین نظافت و پاکیزگی است.

بردن نام خداوند در ابتدای غذا خوردن:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده است: (إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَذْكَرْ اسْمَ اللَّهِ - تَعَالَى - فَإِنْ نَسِيَ أَنْ يَذْكَرَ اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى فِي أَوَّلِهِ، فَلْيَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ أَوَّلَهُ وَآخِرَهُ) یعنی: «هرگاه یکی از شما نان می‌خورد باید نام خدا را یاد کند و اگر فراموش کرد که نام خدا را در اول آن یاد کند، باید بگوید: بنام خدا در آغاز و پایانش.» [ابوداود و ترمذی] و روایت شده که آن حضرت صلی الله علیه وسلم مردی را در حال خوردن غذا دیدند که نام خدا را، تا وقتی یک لقمه بیشتر از غذا نمانده بود، نبرد، وقتی که آخرین لقمه را به سمت دهانش می‌برد، گفت: «به نام خدا در آغاز و در پایان». پیامبر صلی الله علیه وسلم خندیده و فرمود: (مَا زَالَ الشَّيْطَانُ يَأْكُلُ مَعَهُ، فَلَمَّا ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ اسْتَقَاءَ مَا فِي بَطْنِهِ.) یعنی: «شیطان پی در پی با او می‌خورد و چون بسم الله گفت، او آنچه را خورده بود، از دهانش بیرون انداخت.» [ابوداود و نسائی].

از غذا ایراد نگیرید:

فرد مسلمان از غذا ایراد نمی‌گیرد و به تبعیت از پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم عمل می‌نماید که هرگز از غذا عیب نمی‌گرفت و اگر غذایی را دوست داشت می‌خورد و گرنه از خوردنش صرف نظر می‌نمود.

نیت در غذا خوردن:

تمام اعمال انسان مسلمان حول محور طاعت و بندگی خداوند متعال و با نیت نیک و صحیح می‌گردد. وقتی غذا می‌خورد برای به جای آوردن امر خداوند سبحان و نیرومند ساختن بدن خویش و ادامه‌ی حیاتش غذا می‌خورد تا بتواند نقش خود را در زندگی به خوبی ایفا نموده و به عبادت و بندگی خداوند بپردازد.

اندیشیدن در نعمات پروردگار منعم و رزاق:

باید به خوبی رنگ و بوی و طعم‌های متفاوت و انواع جورواجور غذاها دقت نمود که از دل زمین برمی‌آیند و دانست و اقرار نمود که پروردگار ما چه پاک و منزّه است، خدایی که این نعمات را رویانیده و برای ما انسان‌ها آماده ساخته است.

خوردن از مقابل خود:

شایسته است که فرد از غذای مقابل خود بخورد و نه از وسط ظرف. پیامبر صلی الله علیه وسلم به عمر بن ابی سلمه سفارش کرد تا از مقابل خود بخورد و فرمود: (إذا أكل أحدكم طعاماً فلا يأكل من أعلى الصحيفة، ولكن ليأكل من أسفلها، فإن البركة تنزل من أعلاها) یعنی: «وقتی غذا می‌خورید از بالای بشقاب نخورید بلکه از پایین آن بخورید. چون برکت از بالای آن نازل می‌شود.» [ابوداود و ترمذی].

گرد آمدن موقع صرف غذا:

مستحب است که موقع صرف غذا جمع شوند، چون برکت بر حاضران سفره نازل می‌شود. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (طعام الواحد يكفي الاثنين، وطعام الاثنين يكفي الأربعة، وطعام الأربعة يكفي الثمانية) یعنی: «طعام یک نفر برای دو نفر و طعام دو نفر برای چهار نفر و طعام چهار نفر برای هشت نفر کفایت می‌کند.» [مسلم] عده‌ای از اصحاب نزد پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم آمده و از آن شکایت داشتند که می‌خورند ولی سیر نمی‌شوند. آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: (فاجتمعوا على طعامكم، واذكروا اسم الله يبارك لكم فيه) یعنی: «پس برای نان خوردن تان یکجا شوید و بسم الله بگوئید، برای شما در طعام تان برکت گذاشته می‌شود.» [ابوداود]

خودداری از استعمال ظروف طلا و جواهر:

برای مسلمانان جایز نیست که از ظروف و وسایل غذاخوری جنس طلا و جواهر استفاده کنند. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إن الذي يأكل أو يشرب في آنية

الذهب والفضة إنما يجزجرُ في بطنه نار جهنم.) یعنی: «کسی که در ظرف طلا یا نقره بخورد یا بنوشد، همانا در شکم خویش آتش جهنم را فرو می‌کشد.» [مسلم]

فرد مسلمان برای غذا خوردن بیشتر از دست یا دیگر وسایل سر سفره استفاده می‌نماید.

طرز نشستن موقع خوردن غذا:

مستحب است که مسلمانان هنگام غذا خوردن، اگر روی زمین غذا می‌خورند، یکی از پاها را پهن نموده و دیگری را قائم دارد. اشکالی ندارد که بر روی میز غذا خورده شود. ولی صرف غذا در حال تکیه دادن مکروه است. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (لا آکل متکئاً) یعنی: «در حال تکیه چیزی نمی‌خورم.» [بخاری]

خوردن غذا در کوچه و خیابان:

فرد مسلمان، در حالی که از کوچه و خیابان عبور می‌کند، از خوردن و نوشیدن خودداری می‌نماید چون اینکار مخالف آداب غذا و آداب راه می‌باشد.

چگونه بنوشیم:

وقتی که فرد مسلمان بخواهد آب یا چیز دیگری - از نوشیدنی‌های حلال - بنوشد، باید آن را در سه مرتبه بنوشد و بیرون از ظرف نفس خود را بیرون دهد و نوشیدن آن را با نام خدا آغاز نموده و با حمد و سپاس از او به پایان ببرد و در نوشیدنی‌اش ندمد. روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگز در نوشیدنی‌اش نمی‌دمید. [ابن ماجه]

همچنین روایت شده که آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: (لا تشربوا واحداً كشرب البعير، ولكن اشربوا مثنى وثلاث، وسُمُوا إذا شربتم، واحمدوا إذا أنتم رفعتم) یعنی: «مانند آشامیدن شتر یکباره نیاشامید و لیکن در دو و سه مرحله بیاشامید و چون بیاشامید، بسم الله گوئید و چون آن را آشامیدید، الحمد لله بگوئید.» [ترمذی]

شکر و حمد خداوند در پایان غذا:

وقتی خوردن غذا به اتمام می‌رسد، مسلمان خداوند سبحان را حمد و سپاس می‌گوید. رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (من أكل طعاماً فقال: الحمد لله الذي أطعمني هذا ورزقنيه من غير حول مني ولا قوة. غفر له ما تقدم من ذنبه) یعنی: «کسی که غذا بخورد و بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هَذَا...» ثنا باد خدایی را که این طعام را بدون قوت و توانائی ام به من خورانده و روزی داده است، گناه گذشته‌اش آمرزیده می‌شود.» [ابوداود و ترمذی و نسائی و احمد]

پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی سفره را برمی‌داشتند می‌فرمود: (الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه غير مكفي ولا مُستغني عنه ربنا.) یعنی: «ستایش برای خداوند است، ستایش بسیار زیاد، و پاکیزه و با برکت. پروردگارا برخاستن ما از روی این سفره به این دلیل نیست که آن را کافی تصور کردیم یا نسبت به آن‌ها بی‌اعتنا و بی‌نیاز هستیم.» [بخاری]

همچنین آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: (إن الله ليرضى عن العبد أن يأكل الأكلة فيحمده عليها ويشرب الشربة فيحمده عليها) یعنی: «خداوند از بنده ای راضی می‌شود که چون لقمه‌ای بخورد و حق تعالی را بر آن ثنا گوید و چون آب بیاشامد، حق تعالی را بر آن ثنا گوید.» [مسلم و نسائی و ترمذی]

صرفه جویی در غذا:

مسلمان در خوردن و نوش صرفه جویی نموده و آن اندازه می‌خورد که کفاف او را بنماید تا مجبور نباشد مقدار زیادی از باقیمانده‌ی غذایی را در سطل زباله بریزد. حال آنکه می‌داند مسلمانان بسیاری در سراسر جهان زندگی می‌کنند که از داشتن یک لقمه نان و جرعه ای آب محروم می‌باشند.

پس مانده‌ی غذا:

اسلام دین نظافت و پاکیزگی است. مسلمان انسانی پاکیزه است و زباله‌هایش را در خیابان نمی‌ریزد و در عوض برایش مهم است که آن را در سطل مخصوص زباله بریزد. ریختن زباله در کوچه و خیابان به افزایش حشرات می‌انجامد و در نتیجه‌ی آن بیماری‌های همه گیر شایع می‌گردد. نیکوتر آنست که به قدر کفایت غذا تهیه نموده و در صورتیکه بداند مقدار غذا بیشتر از نیاز می‌باشد آن را به همسایگانش بدهد.

خوردن غذای غیر مسلمانان:

خداوند متعال خوردن غذای اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) را روا داشته و می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ﴾ [المائدة: ۵] یعنی: «امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال و طعام شما برای آنان حلال است.» مشروط به آنکه در آن چیز حرامی، مانند گوشت خوک یا شراب، وجود نداشته باشد، که در آن صورت دیگر خوردن آن خوراکی جایز نمی‌باشد.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب علم

ابورفاعه - رضی الله عنه - نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و آن حضرت صلی الله علیه وسلم در حال ایراد خطبه بود، گفت: یا رسول الله، غریبه ای آمده و از دین اسلام می پرسد و چیزی از آن نمی داند. رسول خدا صلی الله علیه وسلم نگاهی به او انداخت، و آنگاه از خطبه باز ایستاد و روی به ابورفاعه نموده و مسائل دینش را به او آموخت، تا آنکه آن مرد مطلب را خوب فراگرفته و آن را فهمید. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم به خطبه اش بازگشت.

بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم، ابن عباس -رضی الله عنه- شروع کرد به سؤال نمودن از صحابه رضی الله عنهم در مورد اقوال پیامبر صلی الله علیه وسلم. هرکس حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم را می دانست، سراغش می رفت. اگر آن فرد، موقع نیم روز، در حال خواب می بود، بر در وی می نشست و منتظر می می ماند تا از خواب برخیزد. در این بین باد بیابان او را غبارآلود می نمود. صحابی مذکور به خاطر ابن عباس رضی الله عنه بیرون می آمد، به او می گفت: یا پسر عموی رسول الله صلی الله علیه وسلم، چه چیزی باعث شده که به این جا بیایی؟ دنبال من می فرستادی من خود می آمدم. و او پاسخ می داد: نه، من سزاوارترم که پیش تو بیایم تا حدیث را از تو بپرسم. [حاکم]

علم در اسلام دارای منزلتی بسیار بزرگ می باشد. نخستین آیه ی قرآن کریم که نازل گشت دعوت به فراگرفتن و تعلم بود: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝۱﴾ [العلق: ۱] یعنی: «بخوان به نام پروردگارت که آفرید.» همچنین خداوند متعال به ابزار نوشتن که همان قلم

است قسم یاد نموده و می فرماید: ﴿يَنْ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ [القلم: ۱] یعنی: «نون. سوگند به قلم و آنچه می نویسند.»

سنت نبوی گهربار نیز بر جایگاه والای علم و دانش صحنه می گذارد. کما آنکه تلاش برای کسب دانش را به بهشت برین متصل دانسته و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: (من سلك طريقاً يلتمس فيه علماً سهل الله له به طريقاً إلى الجنة) یعنی: «(بخاری و ابوداود و ترمذی)

وما يزال ثواب العلم يصل إلى صاحبه حتى بعد وفاته من غير انقطاع، قال صلى الله عليه وسلم: (إذا مات الإنسان انقطع عمله إلا من ثلاثة. إلا من صدقة جارية، أو علم ينتفع به، أو ولي صالح يدعو له) یعنی: «چون انسان بمیرد، عمل او قطع می شود، جز در سه چیز:

صدقه‌ای که جاری و ادامه دار باشد.

یا عملی که از آن سود برند.

یا فرزند صالحی که برای او دعا کند.» [مسلم]

فرشتگان با بال‌هایشان طالب علم را احاطه می کنند. صفوان بن عسال مرادی -رضی الله عنه- می گوید: نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده و ایشان در مسجد بر گلیم قرمز رنگش تکیه زده بود. به او عرض کردم: آمده ام تا علم فراگیرم. آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: (مرحباً بطالب العلم، إن طالب العلم تحفه الملائكة بأجنتها) یعنی: «مرحبا و خوش آمد به طالب علم، طالب علم را فرشتگان با بال‌هایشان احاطه می کنند.» [احمد و طبرانی]

علم به دو نوع فرض عین و فرض کفایه تقسیم می شود. مسائلی هست که درست نیست یک مسلمان از آن بی‌خبر باشد و واجب است که هر مسلمانی این مسائل را درباره‌ی پروردگار، دین و پیامبرش صلی الله علیه وسلم بداند. همچنین بر هر مسلمانی

فرض کفایه است که به تخصص در دانش‌هایی مانند صنعت، کشاورزی و پزشکی و... از دیگر شاخه‌های زندگی دست یابد.

دانش طریق انسان مسلمان به سوی معرفت شایسته‌ی خداوند است. در نتیجه دانشمندان بیش از هرکس دیگری خشیت و ترس از خداوند متعال را دارند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ [فاطر: ۲۸] یعنی: «...از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می‌ترسند...»

جستجوی علم و دانش دارای آدابی است که بر هر طالب علمی لازم است که بدان پایبند باشد، از جمله:

اخلاص:

جوینده‌ی دانش باید که نیت خویش را برای خداوند متعال پاک و خالص گرداند. انسان نباید به قصد خودنمایی و نفوذ یا مجادله با ابلهان بدنبال کسب علم برود. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إنما الأعمال بالنیات، وإنما لكل امرئ ما نوى) یعنی: «همانا ثواب اعمال به نیت بستگی دارد و هر کس نتیجه‌ی نیت خود را درمیابد.» [متفق علیه]

پیامبر صلی الله علیه وسلم از نخستین کسانی که روز قیامت در آتش دوزخ افکنده می‌شوند چنین خبر می‌دهد: (رجل تعلم العلم وعلمه وقرأ القرآن، فأُتی به فعرّفه (الله) نعمه فعرّفها، قال: فما عملت فیها؟ قال: تعلمتُ العلم وعلمته، وقرأتُ فیک القرآن. قال الله له: کذبت، ولكنک تعلمت لیقال: عالم. وقرأت القرآن لیقال: هو قارئ. فقد قیل. ثم أمر به فسُحب علی وجهه حتی أُلقي فی النار) یعنی: «و مردیست که علم آموخته و تعلیمش داده و قرآن خوانده و او آورده می‌شود و نعمت‌هایش را به او می‌شناساند و او هم می‌شناسد و می‌فرماید: در برابر آن چه کردی؟»

می گوید: علم آموختم و آن را تعلیم دادم و برای رضایت تو قرآن خواندم. خداوند می فرماید: دروغ گفتی، لیکن علم آموختی تا گفته شود که عالمی و قرآن خواندی تا گفته شود، قاری هستی، (و چنان هم) گفته شد. سپس در مورد وی دستور داده می شود و او برویش کشانده شده و به دوزخ انداخته می شود.» [مسلم]

فراگرفتن علم مفید:

رسول الله صلی الله علیه وسلم در دعاهایش می فرماید: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَعَمَلٍ لَا يَرْفَعُ، وَدَعَاءٍ لَا يَسْمَعُ) یعنی: «پروردگارا! من از علمی که نفع نمی رساند، و عملی که مقبول واقع نمی شود، و دعائی که قبول نمی گردد، به تو پناه می جویم.» [احمد و ابن حبان و حاکم]

به گفته‌ی شاعر:

مَا أَكْثَرَ الْعِلْمَ وَمَا أَوْسَعَهُ مِنْ ذَا الَّذِي يَقْدِرُ أَنْ يَجْمَعَهُ
إِنْ كُنْتَ لَا بَدْلَ لَهُ طَالِبًا مُحَاوِلًا، فَالْتَمَسْ أَنْفَعَهُ

معنی شعر:

«چه بیکران دریای دانش است و چه ژرف بحر علم کسی هست که تواند این بی کرانه را همه گرد آورد؟ چون طالبی و نیست چاره‌ای جز کسب علم ای عزیز، پس در جستجوی دانشی ره گیر و رو کو بهترین سودت دهد.»

وقت گذاشتن و پایبندی بر فراگرفتن علم:

پیشینیان گفته‌اند: «العلم لا يعطيك بعضه حتى تعطيه كُلك». یعنی: «بخشی از دانش را نمی توان گرفت تا کل خویش را ندهی.» سلف صالح برای دانش وقت گذاشته و خود را برای آن وقف می نمودند. طالب علم پیوسته بدنبال کسب علم است چون دانش بسیار و عمر کوتاه است.

گویند: «اطلبوا العلم من المهد إلى اللحد (الموت)». یعنی: «ز گهواره تا گور دانش بجوی!»

به قول شاعر:

كُلَّمَا أَدَّبَنِي الدَّهْرُ أَرَانِي نَقْصَ عَقْلِي وَكُلَّمَا أَزْدَدْتُ عِلْمًا زَادَنِي عِلْمًا بِجَهْلِي

معنی شعر:

«هر بار که این زمانه مرا چیزی آموخت، نقصان عقلم را به من نشان داد و هر بار که دانشم افزوده گشت، افزود آگاهیم را بر جهل خویشتم.»

پاک ساختن درون خویش از اخلاق ناپسند:

علم نافع و سودمند نوری است از جانب خداوند که آن را در قلب بندگان پارسای خویش می‌افکند نه در قلب‌های بدسرشتان و زشت کرداران. بنابراین بر انسان مسلمانی طالب علم و دانش واجب است که از حسادت، ریاکاری، خودبینی و دیگر اخلاق ناپسند دور باشد.

تحصیل علم در خردسالی:

از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرموده است: (أَيُّمَا نَاشِئٍ نَشَأَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ وَالْعِبَادَةِ حَتَّى يَكْبُرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوَابَ اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ صَدِّيقًا) یعنی: «هر کودکی که در طلب علم و عبادت رشد کرده و بزرگ شود، خداوند به او ثواب هفتاد و دو صدیق را می‌دهد.» [طبرانی]

گفته‌اند که: «طلب العلم في الصغر كالنقش على الحجر». یعنی: «فراگرفتن دانش در کودکی همچون نقشی است که بر سنگ حک شود.» اشخاص مسن نباید از فراگیری دانش خجالت بکشند. نقل می‌کنند که قبیصه بن مخارق -رضی الله عنه- نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد. پیامبر صلی الله علیه وسلم از او پرسید: (ما جاء بك؟) یعنی: «چه باعث شده که بیایی؟» گفت: «سن من بالا رفته و استخوان‌هایم نرم شده‌اند و آمده‌ام تا

چیزی را به من بیاموزی که خداوند بدان مرا منفعت دهد». پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (ما مررت بجبر ولا شجر ولا مدبرٍ إلا استغفرَ لك يا قبيصة، إذا صليت الصبح، فقل ثلاثاً: سبحان الله العظيم وبحمده، تُعَافِي من العمي والجذام والفالج (نوع من الشلل). يا قبيصة، قل: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِمَّا عِنْدَكَ، وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَتِكَ) یعنی: «بر هیچ سنگ و درخت و کلوخی نگذشتی مگر آنکه برای تو ای قبیصه طلب آمرزش نمایند. وقتی نماز صبح را خواندی سه بار بگو: «سبحان الله العظيم وبحمده» از گزند نابینایی و جذام و فلج شدن بدور باشی. و ای قبیصه بگو: «اللهم إني...» یعنی: «بارالها! من از آنچه نزد تو است می‌خواهم، بر من از لطف خود ببخشای و از رحمت خود بر من بگستر و برکت را بر من فرو فرست». [احمد]

کار و کسب مانع تحصیل علم نیست:

بسیاری از صحابه رضوان الله علیهم کار می‌کردند و وقتی از سر کار بازمی‌گشتند بقیه‌ی روزشان را به کوشش در فراگیری علم می‌گذراندند و شب‌ها را برای فراگرفتن علوم قرآن و حدیث بیدار می‌ماندند.

از ابوسعید -رضی الله عنه- روایت شده که تعریف می‌کند: «به نبرد می‌پرداختیم و یکی دو نفر را برای حدیث و فرمایش پیامبر صلی الله علیه وسلم بجا می‌نهادیم. وقتی از جنگ بازمی‌گشتیم احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را برای ما بازگو می‌نمودند و ما نیز آن‌ها را بازگو نموده و می‌گفتیم: صلی الله علیه وسلم فرمود. [ابن عساکر] بنابراین می‌توان طلب علم و کار و کسب و بهره‌گرفتن از داده‌های خداوند را با هم یکجا گردآورد.

صبر و تحمل:

انسان مسلمان خود را به صفت صبر و شکیبایی بر دشواری فراگیری علم آراسته می‌نماید. صبر توشه‌ی مؤمنان است که آنان را در برخورد با تمام رنج و دردهای زندگی

یاری می‌دهد. گفته‌اند که: «من لم يتحمَّلْ دُلَّ التعلُّم ساعة بقي في ذل الجهل إلى قيام الساعة». یعنی: «آنکه ساعتی ذلت تحصیل علم را تاب نیاورد تا قیامت باقی عمرش را در خواری نادانی خواهد ماند.»

پله به پله رفتن برای فراگیری علم:

فرد طالب علم باید قبل از تعمق در علوم آموزش را از اولویت‌ها و مقدمات آن علوم شروع نماید که دانستن آن اولویت‌ها و مقدمات به راهنمایی‌های معلمان بازمی‌گردد. به این ترتیب انسان مسلمان سعی در یادگیری دیگر علوم داشته و می‌کوشد که هیچکدام را وانگذارد.

یحیی بن خالد به پسرش چنین می‌گوید: سعی کن به هر نوع دانشی پرداخته و از آن چیزی بیاموزی. چون انسان با چیزی که نمی‌داند دشمن است و من دوست ندارم که با بخشی از علم دشمن باشم.

تخصص:

هرگاه که فرد خواست تا در علم خاصی تخصص پیدا کند، باید از میان علوم والاترین، سودمندترین آن‌ها و چیزی را که بیشتر از بقیه با علاقه و استعدادش سازگار می‌باشد را برگزیند.

گویند: «اگر خواهی که دانشمند گردی از یک چیز هرچه هست بدان و چنانچه خواستی فرهیخته شوی از هرچیز چیزی را بیاموز.»

حفظ همراه با فهم و تدبر:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (نَصَّرَ اللهُ امْرَأَةً سَمِعَتْ مِنَّا حَدِيثًا فَحَفِظَتْهُ حَتَّى يَبْلُغَهُ غَيْرَهُ، فَرَبَّ حَامِلٍ فَفَقِهَ إِلَىٰ مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ، وَرَبَّ حَامِلٍ فَفَقِهَ لَيْسَ بِفَقِيهِ) یعنی: «شاد دارد خداوند شخصی را که از ما چیزی را شنیده و آن را چنانچه شنیده تبلیغ کند. چه

بسا دانش را برای کسی ببرد که از وی داناتر باشد و چه بسا که حاملان فقه که خودشان آن را در نمی یابند.» [ترمذی]

در این حدیث به اهمیت حفظ نمودن علم اشاره شده است. همچنین امام شافعی می فرماید:

عِلْمِي مَعِي حَيْثُمَا يَمَّمْتُ يَتَّبِعُنِي قَلْبِي وَعَاءٌ لَه لَا بَطْنَنَ صُنْدُوقِ
 إِنَّ كُنْتُ فِي الْبَيْتِ كَانَ الْعِلْمُ فِيهِ مَعِي أَوْ كُنْتُ فِي السُّوقِ كَانَ الْعِلْمُ فِي السُّوقِ

معنی شعر:

«دانشم همراه من است قصد هر کجا که کنم، قلب من ظرفی است برایش و شکم خالیست، چون در خانه ام دانشم با من همانجاست، یا چون به بازارم دانش من نیز در آنجاست»

یادداشت برداری:

گفته اند: «دانش منوط به نوشتن است.» و گویند: «علم چون شکاری است و نوشتن بند آن است.» بنابراین باید دانش را با بند نگاه داریم تا فراموشمان نشود و آنچه را می نویسیم را برگزینیم. همچنین گفته شده که: «نزد عالم سه کس می نشیند: کسی که هر چه می شنود فرامی گیرد، شخصی که نمی نویسد و تنها گوش می سپارد و آنکه برمی گزیند و او بهتر از بقیه است.»

مطالعه و تکرار و تمرین:

معاذ بن جبل -رضی الله عنه- می گوید: دانش بیاموزید که فراگیری آن خشیت خداوند، طلب آن عبادت، مطالعه‌ی آن تسبیح، جستجوی آن جهاد، آموزش آن به کسانی که نمی دانند صدقه و بخشش آن به اهلش باعث نزدیکی است.

زمانبندی برای یادگیری:

مسلمان در تمام امور زندگیش با نظم و زمانبندی وارد عمل می‌شود، به زمانبندی و اختصاص دادن وقت و انرژی مناسب برای کسب علم و آگاهی اهمیت ویژه‌ای قائل می‌باشد.

نبودن حیا در علم:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۴۳] یعنی: «پس اگر نمی‌دانید از پژوهندگان کتاب‌های (آسمانی) جویا شوید.» حضرت عایشه -رضی الله عنها- فرموده است: بهترین زنان، زنان انصار هستند که شرم و حیا آنان را از آموختن دین بازنمی‌دارد. انسان مسلمان آنچه را می‌خواهد بداند می‌پرسد و شرم و حیا او را از پرسش کردن بازنمی‌دارد. دانش گنجینه ایست که کلیدش پرسید است.

تلاش برای کسب علم:

جابر بن عبد الله -رضی الله عنهما- می‌گوید: حدیثی را که مردی از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده بود به من رساندند. شتری خریدم تا به قصد دیدنش مسافرت کنم. یک ماه در راه بودم تا به شام رسیدم و توانستم او، یعنی عبد الله بن انیس -رضی الله عنه- را پیدا کنم. به دربان گفتم: به او بگو که جابر بر در است. گفت: ابن عبد الله؟ گفتم: آری. آنگاه او بیرون آمد در حالی که با شتاب جامه‌اش را به خود می‌پیچید و مرا در آغوش گرفت و من نیز او را در آغوش گرفتم. سپس گفتم: حدیثی در مورد قصاص از تو به من رسیده که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده‌ای، ترسیدم قبل از آنکه آن را از تو بشنوم تو بمیری یا من بمیرم. آنگاه عبد الله بن انیس حدیث را برایش بازگفت. [احمد و طبرانی]

از عبید الله بن عدی روایت شده که می‌گوید: حدیثی که نزد علی بود به من رسید و ترسیدم که اگر او فوت کند نتوانم از کس دیگری آن را بشنوم. راه افتاده و در عراق به نزد او رفتم. [خطیب]

ابن مسعود می‌گوید: چنانچه بدانم کسی که با شتر می‌توانم به او برسیم از آنچه بر محمد صلی الله علیه وسلم فرورستاده شده داناتر است، بسویش می‌شتافتم تا علمی به علم خویش بیافزایم. [ابن عساکر]

شعبی می‌گوید: چنانچه مردی از دورترین نقطه‌ی شام به دورترین نقطه‌ی یمن سفر نماید تا یک کلمه حکمت را بشنود، گمان ندارم که سفرش بی‌بهره بوده است.

عمل به علم:

خداوند سبحان کسانی را که به علم خویش عمل نمی‌کنند را نکوهش کرده و آنان را به درازگوشانی که بارکتاب بر پشت دارند تشبیه می‌نماید و چیزی از آن‌ها سر در نمی‌آورد. خداوند باری تعالی می‌فرماید: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا﴾ [الجمعة: ۵] یعنی: «مثل کسانی که [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلف گردیدند] آنگاه آن را به کار نبستند همچون مثل خری است که کتابهایی را بر پشت می‌کشد.»

باز خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [البقرة: ۴۴] یعنی: «آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید آیا [هیچ] نمی‌اندیشید.» مسلمان به یقین می‌داند که او خود مسئول چیزهایی است که در زندگی پیش می‌فرستد. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (لا تزولُ قدما عبد يوم القيامة حتى يسأل عن عمره فیم أفناه، وعن علمه فیم فعل، وعن ماله من أين اكتسبه وفیم أنفقه، وعن جسمه فیم أبلاه) یعنی: «در روز قیامت تا لحظه‌ای گام‌های بنده می‌خکوب است که از عمرش

پرسیده شود آن را در کدام راه فنا نموده و از علمش که در آن چه کرده و از مالش که از کدام راه آن را بدست آورده و به کدام راه صرفش نموده و از جسمش که آن را در کدام راه پیر کرده است.» [ترمذی]

احترام گذاشتن به معلم:

معلم بر دانش آموزانش احترام ویژه‌ای دارد.

احمد شوقی، شاعر عرب، چنین سروده است:

قُمْ لِلْمُعَلِّمِ وَقْفَهُ التَّبْحِيحَا كَادَ الْمَعْلَمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولَا
أَرَأَيْتَ أَفْضَلَ أَوْ أَجَلَ مِنَ الَّذِي يَنْبِي وَيَنْشِيءُ أَنْفُسًا وَعُقُولَا

معنی شعر:

«برخیز از برای معلم و تا توانی گرامیش دار، که کم مانده معلمی را بدانند همسنگ پیامبری، سراغ داری کسی را برتر و گرامی تر از آنکس، که می‌سازد و می‌پروراند اندیشه و جان را؟»

سکوت و گوش دادن:

حسن بن علی به پسرش چنین می‌گوید: ای پسرکم! هرگاه در مجلس علما حاضر گشتی، بکوش تا در گوش سپردن علاقه بیشتری نشان دهی تا سخن گفتن و همانطور که نیکویی خاموشی را می‌آموزی نیک گوش دادن را نیز بیاموز. باید که پرشت برای فهمیدن و دریافتن باشد و نه برای جدل و ناتوان ساختن طرف.

نگاه داشتن ادب در مجلس علم:

مسلمان با ادب و وقار در حضور معلمش می‌نشیند و از حواس پرتی و اشاره و خنده‌ی بیجا می‌پرهیزد و می‌کوشد تا با ظاهری نیکو و رعایت نظافت در جلسه شرکت جوید. از صحبت یا سؤال بدون کسب اجازه خودداری کرده و همکلاسی‌هایش را

مسخره و تحقیر نکرده، می‌داند آن‌ها برادران وی در فراگیری درس بوده و با آنان با مهربانی و احترام برخورد می‌کند.

مواردی که برای تحصیل علم و مطالعه سودمند هستند:

مکان فراگیری و مطالعه نور مناسب داشته و از سروصدا خالی باشد. باید از مطالعه بر بستر خواب اجتناب نماید چون باعث چرت زدن وی خواهد شد. کتاب و دیگر وسایلش را مرتب و منظم نماید. وقت استراحت کافی به خود بدهد و زمان مناسبی را برای مطالعه انتخاب کند و سعی کند برای همه‌ی درس‌ها زمان مطالعه‌ی کافی در نظر بگیرد.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

ادب در رابطه با خداوند

یک روز عبدالله بن عمر رضی الله عنهما به همراه تعدادی از یارانش در بیابانی نزدیک مدینه راه می‌پیمودند. در یک جایی نشسته و مشغول خوردن غذا شدند. نوجوانی که گله ای گوسفند را شیبانی می‌نمود به آنان نزدیک شده و سلام کرد. ابن عمر رضی الله عنه او را به خوردن غذا دعوت نموده و گفت: بیا ای چوپان! بیا و چیزی از این سفره بگیر. چوپان گفت: من روزه‌ام.

ابن عمر رضی الله عنه با تعجب پرسید: در روزی اینچنین بسیار گرم روزه هستی و در این کوه‌ها گوسفندان را می‌چرانی؟ آنگاه برای آنکه میزان تقوا و راستی او را بیازماید پرسید: حال که چنین است یکی از گوسفندان را به ما می‌فروشی. قیمتش را به تو می‌پردازیم و از گوشتش هم به تو می‌دهیم تا آن را برای افطار بخوری؟ پسرک گفت: گله مال من نیست. گوسفندان اربابم هستند.

ابن عمر گفت: به او بگو که گرگ آن را درید. چوپان خشمگین شد و از او دور گردید و انگشتش را به آسمان بلند کرده و می‌گفت: پس خدا کجاست؟! پس خدا کجاست؟! پس خدا کجاست!؟

ابن عمر همینطور حرف آن چوپان را تکرار می‌کرد: (پس خدا کجاست!؟) و می‌گریست. وقتی به مدینه رسیدند، کسی را به سوی صاحب آن چوپان فرستاد و گوسفندان و چوپان را از او خرید و او را آزاد کرد. بدینگونه انسان مؤمن پیوسته چشم به سوی خداوند داشته و سوی نافرمانی نمی‌رود، مرتکب گناه نمی‌گردد؛ چراکه می‌داند خداوند با اوست، او را می‌شنود و می‌بیند.

در اینجا برخی آداب که فرد مسلمان باید در ارتباط با خداوند سبحانه و تعالی مراعات نماید، بیان می‌شود:

به او شرک نرزد: انسان مسلمان خداوند سبحانه و تعالی را می‌پرستد و کسی را با او شریک نمی‌داند. خداوند سبحان خود آفریدگار سزاوار پرستش است بی‌آنکه شریکی و انبازی داشته باشد. خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾ [النساء: ۳۶] یعنی: «خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید...».

بندگی پاک و بی‌ریای خداوند:

اخلاص و پاکی نیت شرط اساسی پذیرفته شدن اعمال می‌باشد. خداداند سبحانه و تعالی عملی را نمی‌پذیرد مگر آنچه پاک و بی‌آلایش بخاطر او و بدور از جلوه‌گری و ریا باشد. آنجا که می‌فرماید: ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الکهف: ۱۱۰] به این معنی که: «... پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.»

چشم داشتن به خداوند:

چنانچه خداوند سبحان بر تمام آفریدگانش آگاه است. ما را می‌بیند و می‌شنود و از آنچه در درونمان می‌گذرد داناست. در نتیجه انسان مسلمان به پرستش پروردگاش در آشکار و نهان علاقمند است و از عرچه نهی نموده باشد دوری می‌گزیند. از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد احسان پرسیدند، فرمود: (أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ) - [متفق علیه] - معنی حدیث شریف: «که خداوند را چنان پرستش کنی که او را می‌بینی، چه اگر تو او را نمی‌بینی، او می‌بیند.»

یاری خواستن از خداوند:

فرد مسلمان تنها از خداوند یاری می‌طلبد، و اطمینان دارد که خداوند بر عطا و منع هر چیز تواناست. بنابراین از او حاجت نیاز یاری و موفقیت خویش را به درگاه او می‌برد. در قرآن کریم آمده است: ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۶﴾﴾ [آل عمران: ۲۶] معنی آیه: «بگو بار خدایا تویی که فرمانفرمایی هر آن کس را که خواهی فرمانروایی بخشی و از هر که خواهی فرمانروایی را باز ستانی و هر که را خواهی عزت بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی همه خوبی‌ها به دست توست و تو بر هر چیز توانایی». آنحضرت صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعْنَتْ فَاسْتَعْنِ بِاللَّهِ» [ترمذی]. معنی حدیث: «هرگاه خواسته‌ای داشتی از خداوند بخواه! و هرگاه کمک جستی آن را از خداوند بجوی!».

محبت و دوست داشتن خداوند: مسلمان پروردگارش را دوست داشته و نافرمانی او را نمی‌کند. باری تعالی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ [البقرة: ۱۶۵] یعنی: «ولی کسانی که ایمان آورده‌اند بیشترین محبت را به خدا دارند».

گرامیداشت شعائر اسلام:

مسلمان اوامر خداوند را بزرگ شمرده و در اجرای آن می‌کوشند. اینگونه پیمان خداوند خویش را گرامی داشته و از آن سرپیچی ننموده و در بجا آوردن عبادات سستی و تنبلی به خود راه نمی‌دهند. لیکن شعائر خداوند را بزرگ می‌دارند؛ چون نیک می‌دانند که اینکار علامت پاکی و پرهیزگاری قلب‌هایشان است. خدای سبحان می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴿۳۲﴾﴾ [الحج: ۳۲] معنی آیه: «این است [فرائض خدا] و هر کس شعایر خدا را بزرگ دارد در حقیقت آن [حاکمی] از پاکی دل‌هاست».

خشم گرفتن در صورت پاس نداشتن حرمت‌ها و نوامیس خداوندی:

وقتی یک مسلمان کسی را می‌بیند که مرتکب گناه گشته یا بر معصیتی اصرار می‌ورزد، به خاطر خداوند به خشم آمده و می‌کوشد تا آن معصیت یا موضوع ناپسند را تغییر داده و اصلاح نماید. یکی از بزرگترین گناهانی که مایه‌ی نابودی انسان بوده و باعث خشم خداوند می‌گردد، ناسزا گویی به دین خدا، کتاب او و یا به پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌باشد. فرد مسلمان از آن‌ها به خشم آمده و از انجام آن نهی کرده و فرد را از عذاب خداوند عزوجل بیم می‌دهد.

توکل بر خداوند:

انسان مسلمان در تمام کارهایش بر خداوند توکل می‌نماید. خداوند متعال خود می‌فرماید: ﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ﴾ [الفرقان: ۵۸] و يقول تعالی: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ [الطلاق: ۳] یعنی: «... و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است خدا فرمانش را به انجام‌رساننده است به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است».

پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه وسلم در این رابطه می‌فرماید: (لو أنكم توكلون على الله حق توكله، لرزقتم كما يرزق الطير تغدو خمصاصا (جائعة) وتعود بطائنا (شبعي)) - [ترمذی] معنی حدیث: «چنانچه شما آنگونه که باید بر خداوند توکل کنید».

خرسندی و رضایت به قضای الهی:

مسلمان به قضای الهی راضی است؛ و این از نشانه‌های ایمان او به خداوند می‌باشد. چنین انسانی بر پیش آمدها صبر پیشه کرده و مانند برخی افراد نمی‌گوید: خدایا، این چه بود که بر سرم آوردی؟

آری، او به تقدیر الهی اعتراض نمی‌کند و بلکه چیزی را به زبان می‌آورد که پروردگارش را خرسند سازد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالظَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّادِرِينَ ﴿١٥٥﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾﴾ [البقرة: ۱۵۵-۱۵۷] یعنی: «و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش مالی و جانها و محسوسات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را. [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می‌گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم. بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد] و راه‌یافتگان [هم] خود ایشانند».

قسم خوردن به خداوند:

فرد مسلمان هرگز به غیر خداوند سوگند نمی‌خورد و سوگند دروغین نیز بر او نمی‌خورد. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (إِنَّ اللَّهَ يَنْهَاكُمْ أَنْ تُحْلَفُوا بِآبَائِكُمْ، مَنْ كَانَ حَالِفًا فَلْيَحْلِفْ بِاللَّهِ أَوْ لِيصْمِتْ) [متفق علیه] یعنی: «خداوند شما را منع می‌کند از اینکه به پدران تان سوگند بخورید، پس کسی که بایستی سوگند یاد کند باید به خداوند سوگند خورد، یا خاموش شود».

شکر و سپاس خداوند:

خداوند سبحان نعمت‌های فراوانی را بر ما ارزانی داشته است که قابل شمارش و حساب نیستند. در نتیجه مؤمن پیوسته باید با جسم و جان خویش سپاسگزار خداوند باشد. خداوند در سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی: ۷ می‌فرماید: ﴿لَيْنِ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَيْنِ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾﴾ [ابراهیم: ۷] یعنی: «... که اگر واقعا سپاسگزاری کنید [نعمت] شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی نمایید قطعاً عذاب من سخت خواهد بود».

توبه و بازگشت به سوی خداوند:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ [التحریم: ۸]
 «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به درگاه خدا توبه‌ای راستین کنید امید است که پروردگارتان بدیهایتان را از شما بزداید و شما را به باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است درآورد».

در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۳۱] معنی آیه: «... ای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید».

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (يَأَيُّهَا النَّاسُ تَوَبُوا إِلَى اللَّهِ، فَإِنِّي أَتُوبُ فِي الْيَوْمِ إِلَيْهِ مِائَةَ مَرَّةٍ) [مسلم] «مردم! به سوی توبه کنید، که من روزانه یکصد بار بسویش توبه می‌نمایم».

ادب انسان مسلمان در برابر پروردگارش اینگونه است که به خاطر نعمت‌هایش سپاس گزارده و از او شرم می‌دارد. در بازگشت به سویش صادق است، بر او کاملاً توکل نموده، به رحمت او دل بسته، از عذابش می‌هراسد، به قضا و حکمش راضی بوده، بر بلا و آزمایش او بردباری نموده، جز او را نخوانده و زبانش از ذکر او باز نمی‌ایستد، جز به او سوگند نخورده و از غیر خداوند یاری نمی‌طلبد، همواره خداوند را حاضر و ناظر دانسته و در آشکار و نهان پاک و بی‌ریا به عبادت پروردگارش می‌پردازد.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب اعیاد

در یکی از روزهای عید، حضرت ابو بکر صدیق -رضی الله عنه- به منزل دخترش، حضرت عایشه -رضی الله عنها- رفت. آنجا دو کنیز از کنیزکان انصار در حال ترانه خواندن شعرهای انصار در جنگ «یوم بعاث» (از جنگ‌های میان اوس و خزرج قبل از اسلام) بودند. حضرت ابوبکر رضی الله عنه گفت: مزامیر (آوازهای) شیطان، آن هم در خانه‌ی رسول الله؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (یا ابا بکر، إن لكل قوم عیداً، وهذا عیدنا) یعنی: «ای ابوبکر، هر قومی برای خودش عیدی دارد. امروز هم روز عید ما است.» [بخاری]

خداوند -تبارک و تعالی- دو عید را برای مسلمانان تعیین فرموده است: عید فطر و عید قربان. این دو پس از دو فریضه از فرایض اسلام می‌آیند، عید فطر پس از فریضه‌ی روزه ماه رمضان و عید قربان پس از اداء فریضه‌ی حج فرامی‌رسد. جشن‌های اسلامی بیانگر شادمانی و سرور و خوشبختی مسلمانان از توفیقی که خداوند به آنان ارزانی داشته است و به آنان کمک کرده تا طاعت او را به جا بیاورند، می‌باشد. خداوند باری تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾ [یونس: ۵۸] یعنی: «بگو به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند و این از هر چه گرد می‌آورند بهتر است.»

از جمله آدابی که در ایام عید رعایت می‌کنیم:

شب زنده داری و ذکر:

شب عید از شب‌های مبارکی است که در آن خیر و پاداش و ثواب اعمال چند برابر می‌شود. در نتیجه مسلمان باید بر ذکر و زنده نگاه داشتن شب و نماز در آن بسیار کوشا باشد تا به رضا و خوشنودی خداوند نایل آید.

غسل گرفتن و استعمال عطر و پوشیدن زیباترین لباس‌ها:

پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم موقع خارج شدن برای نماز عید زیباترین لباس‌هایش را می‌پوشید. از حضرت حسن بن علی -رضی الله عنهما- روایت شده که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما می‌فرمود تا در روزهای عید بهترین لباسی را که سراغ داشتیم بپوشیم و خود ایشان صلی الله علیه وسلم نیز زیباترین لباس‌هایش را می‌پوشید. [حاکم].

خوردن چیزی قبل از رفتن برای نماز عید فطر:

سنت آن است که قبل از رفتن برای نماز عید فطر چند خرما به عدد فرد خورده و در عید قربان بهتر است خوردن صبحانه را به بعد از بازگشت از نماز عید موکول نماید و آنوقت در صورتی که قربانی کرده است از گوشت قربانی میل کند. از بریده -رضی الله عنه- نقل است که می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم روز عید فطر تا چیزی نمی‌خورد خارج نمی‌شد و روز عید قربان تا نماز عید را نمی‌خواند چیزی میل نمی‌نمود. [ترمذی]. از حضرت انس بن مالک -رضی الله عنه- روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم قبل از خارج شدن بسوی مصلی در روز فطر تعدادی خرما میل می‌فرمود. [ترمذی].

رفتن به مصلی در اول وقت:

روز عید صبح زود از خواب بیدار شده و نماز صبح را خوانده و آنگاه به سمت مصلی راه می‌افتند. یک روز عید پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: {إن أول ما نبأ به

في يومنا هذا أن نصلي، ثم نرجع فننحر (أي نذبح الأضحية) { یعنی: «اولین کاری که در این روز انجام می‌دهیم آن است که نماز بخوانیم و آنگه قربانی کنیم.» [بخاری].

نماز در هوای آزاد:

سنت است که نماز عید در مکانی باز و فراخ برگزار گردد مگر آنکه عذری مانند باران و غیره درکار باشد. پیامبر صلی الله علیه وسلم برای برگزاری نماز عید بیرون و به مکانی باز (مصلی) تشریف می‌برد. آن حضرت صلی الله علیه وسلم نماز عید را مگر یک دفعه که باران می‌بارید در مسجد نگزارده‌اند. ابوهریره -رضی الله عنه- تعریف می‌کند که: در زمان رسول خدا صلی الله علیه وسلم مردم در روز عید با باران مواجه شدند و آن حضرت صلی الله علیه وسلم در مسجد برای آنان نماز را برگزار فرمود. [ابن ماجه].

خروج زنان و کودکان:

مستحب است که زنان و کودکان نیز در روزهای عید برای نماز خارج شده و به مصلی بروند. از ام عطیه‌ی انصاری -رضی الله عنها- روایت می‌شود که گفت: (أُمرنا أن نُخْرَج العواتق (البنات الأبيكار) وذوات الخدور، ويعتزل الحیض المصلی) یعنی: «دوشیزگان و خانم‌ها به خارج شدن برای نماز عید و زنان حائض به ماندن در خانه امر می‌شدیم.» [بخاری].

به تأخیر انداختن نماز عید فطر و تعجیل نمودن برای برگزاری نماز عید قربان:

برای اینکه قبل از نماز عید فطر زکات به دست فقرا رسیده و به خانواده‌هایشان کمک شود و در نماز عید قربان عجله می‌شود تا مردم بتوانند قربانی‌هایشان را انجام دهند. پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز عید فطر را حدود بیست دقیقه پس از برآمدن آفتاب خوانده و نماز عید قربان را حدوداً ده دقیقه پس از برآمدن آفتاب می‌گزاردند.

نگفتن اذان و اقامه برای نماز عیدین:

از جابر بن سمره -رضی الله عنه- نقل شده که می‌گوید: «همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز عیدین را نه یک بار و نه دوبار بدون اذان و اقامه برپا نمودیم». [ترمذی].

نبودن هیچ نمازی قبل یا بعد از نماز عید:

قبل یا بعد از نماز عید نماز سنتی وجود ندارد. پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحابش نه قبل و نه پس از آنکه برای نماز عید به مصلی می‌رفتند نمازی نمی‌خواندند. ابن عباس -رضی الله عنه- می‌گوید: (خرج رسول الله صلی الله علیه وسلم یوم عید، فصلی رکعتین لم یصلّ قبلهما ولا بعدهما) یعنی: «رسول خدا صلی الله علیه وسلم روز عید خارج شده و دو رکعت نماز می‌گزارد و پیش یا پس از آن نمازی نمی‌خواند.» [متفق علیه].

نشستن بعد از نماز برای شنیدن خطبه:

پیامبر صلی الله علیه وسلم روز عید فطر و قربان خارج گشته و به مصلی رفته و ابتدا نماز را برپاداشته و سپس رو به مردم برگشته مردم در ردیف‌هایی می‌نشستند و موعظه و سفارش و دستوراتی را بیان می‌فرمودند. از ابن عمر -رضی الله عنه- روایت شده که می‌گوید: (کان رسول الله صلی الله علیه وسلم وأبو بکر وعمر -رضی الله عنهما- یصلون العیدین قبل الخطبة.) یعنی: «پیامبر صلی الله علیه وسلم و حضرت ابوبکر و عمر -رضی الله عنهما- نماز عیدین را قبل از خواندن خطبه به جای می‌آوردند.» [بخاری].

از ابن عباس -رضی الله عنهما- نقل شده که تعرف می‌کند: همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم روز عید فطر یا قربان خارج گشته، نماز گزاردیم، سپس ایشان صلی الله علیه وسلم خطبه خواند، آنگاه نزد زنان تشریف برده و آنان را موعظه فرموده و تذکر داده به صدقه امر فرمود. [بخاری].

تبریک و دست دادن:

پس از پایان نماز عید، باید مسلمانان دست در دست هم نهاده و سلام گفته و به همدیگر تبریک بگویند. وقتی اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وسلم در روز عید به هم می‌رسیدند به یکدیگر می‌گفتند: «تقبل الله منا ومنك». یعنی: خدا از ما و شما قبول فرماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (ما من مسلمین يلتقیان یتصافحان إلا عُفِرَ لهما قبل أن یفترقا) یعنی: «دو مسلمان با هم روبرو نمی‌شوند که مصافحه نمایند، مگر قبل از اینکه از هم جدا شوند، گناه شان آمرزیده می‌شود.» [ابوداود و ترمذی و احمد].

بازگشت از راهی متفاوت:

مسلمانان پس از نماز عید از راهی دیگری به خانه‌هایشان باز می‌گردند. اینکار برای آن است که فرشتگان گواه بوده و بخاطر تبعیت از سنت رسول خدا صلی الله علیه وسلم مستحق پاداش گردند؛ چون ایشان صلی الله علیه وسلم در روز عید از راه‌های متفاوت می‌رفتند. [بخاری] البته می‌توان از یک راه رفت و برگشت، گرچه بهتر است که راه‌ها یکی نباشند.

صله‌ی ارحام:

از سنت‌های مبارک پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم صله‌ی رحم است، که ما را به پیوند با نزدیکان و خویشان و دیدار آنان و تبریک گفتن به همدیگر امر نموده و می‌فرماید: (من سرّه أن یبسط له فی رزقه، وینسأ له فی أثره، فلیصل رحمه) یعنی: «کسی که دوست بدارد روزی‌اش فراخ گردیده و عمرش طولانی گردد، باید صله‌ی رحمش (پیوستگی با نزدیکان) را پیوسته بدارد.» [متفق علیه] صله رحم در غیر ایام عید واجب می‌باشد چه برسد به روزهای عید که اولی و ارجح‌تر می‌باشد.

دلسوزی و توجه به فقرا و یتیمان:

انسان مسلمان سعی می‌کند در این روزها بیشتر به فقرا و مساکین رسیدگی و دستگیری نموده و صدقات بیشتری داده و اشک یتیمان را پاک کرده و با آنان نیکی نماید. پیامبر رحمت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم امر به دادن زکات فطر به فقرا و نیازمندان تا قبل از نماز فطر امر نموده و می‌فرمایند: (أَغْنُوهُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ). یعنی: «امروز را بی‌نیازشان گردانید.» [بیهقی و دارقطنی].

بازی و سرگرمی مباح:

دین آسانگیر ما از تفریح و استراحت دادن به تن و بدن منع ننموده و سرور و خوشی را به آن ارزانی می‌دارد. حضرت انس -رضی الله عنه- چنین تعریف می‌کند: پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه تشریف آوردند، و در آن جا در دو روز مردم در سال را بازی می‌نمودند. ایشان صلی الله علیه وسلم فرمود: (قَدْ أَبْدَلَكُمْ اللَّهُ بِهِمَا خَيْرًا مِنْهُمَا: يَوْمَ الْفِطْرِ، وَيَوْمَ الْأَضْحَى) یعنی: «خداوند برایتان بهتر از آن دو روز را جایگزین نموده است: روز فطر و روز قربان.» [نسائی].

جایز نبودن روزه در روزهای عید:

رسول الله صلی الله علیه وسلم از روزه داشتن در دو روز عید، چه روزه‌ی فرض و چه سنت نهی نموده‌اند. حضرت عمر بن خطاب -رضی الله عنه- می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم از روزه گرفتن در این دو روز نهی نموده و فرمودند: (أَمَّا يَوْمَ الْفِطْرِ ففَطْرِكُمْ مِنْ صَوْمِكُمْ، وَأَمَّا يَوْمَ الْأَضْحَى فَكَلُوا مِنْ نُسُكِكُمْ) یعنی: «اما روز فطر که همان افطار و شکستن روزه تان است و درمورد روز قربان در ان از قربانی‌هایتان بخورید.» [احمد] همینطور روزه گرفتن در ایام تشریق سه روزی که در پی عید قربان می‌آیند- نیز مکروه می‌باشد.

گفتن تکبیر در روزهای عید:

از جمله رهنمودهای رسول بزرگوار اسلام صلی الله علیه وسلم آن است که در دو روز عید و تا سه روز پس از عید قربان (که به آن ایام التشریق گفته می‌شود و تا عصر روز سوم می‌باشد) بیشتر تکبیر می‌گفتند.

از انواع تکبیر:

(الله أكبر الله أكبر، لا إله إلا الله، والله أكبر الله أكبر، والله الحمد) [دارقطنی].

آری، چه زیبا است دین اسلام که در تلاش است تا در هر لحظه و آن قلب انسان‌ها را مملو از شادی و سرور گرداند! دو عید را برای مسلمانان مقرر داشت تا در آن خوشبختی و خوشی را به تمامی تجربه نمایند. در این دو روز مسلمانان همگی یکدل و یک رنگ بوده و جایی برای دشمنی میانشان باقی نمی‌ماند.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب سلام و احوالپرسی

مردی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: السلام علیکم. آن حضرت صلی الله علیه وسلم جواب سلام او را داد. سپس آن مرد نشست و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (عشرة) یعنی: «ده (نیکی)» آنگاه دیگری وارد شد و گفت: السلام علیکم و رحمة الله. پاسخ را داد و نشست، آنگاه فرمود: (عشرون) یعنی: «بیست (نیکی)» آنگاه مردی دیگر وارد شد و گفت: السلام علیکم و رحمة الله و برکاته. جواب سلام او را نیز داد و وقتی مرد نشست، فرمود: (ثلاثون) یعنی: «سی (نیکی)». [ابوداود و ترمذی]

پیامبر صلی الله علیه وسلم برای دیدار سعد بن عباده -رضی الله عنه- به منزل ایشان تشریف برد و جلوی در منزل او ایستاد و فرمود: (السلام علیکم ورحمة الله) سعد داخل منزل بود و با صدای آهسته‌ای جواب سلام آن حضرت صلی الله علیه وسلم را داد. پیامبر صلی الله علیه وسلم صدای او را نشنید و بار دیگر سلامش را تکرار فرمود. دوباره سعد با صدای آرامی جواب سلام ایشان را داد. برای بار سوم آن حضرت صلی الله علیه وسلم سلام خویش را تکرار فرمود و باز سعد با صدای آهسته پاسخ ایشان را داد و رسول خدا صلی الله علیه وسلم برگشت تا برود و سعد بدنبالش شتافت و گفت: من صدای شما را می‌شنیدم و با صدای آهسته پاسخ تان را می‌دادم تا بیشتر بر ما سلام و درود بفرستید. [احمد]

خداوند -عز وجل- امر فرموده است تا آشکار و با صدای بلند سلام نماییم، می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا﴾ [النور: ۲۷] یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌هایی که خانه‌های شما

نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید.» و می‌فرماید: ﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةً طَيِّبَةً﴾ [النور: ۶۱] یعنی: «... پس چون به خانه‌هایی [که گفته شد] درآمید به یکدیگر سلام کنید درودی که نزد خدا مبارک و خوش است.» همچنین در قرآن کریم آمده است: ﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا﴾ [النساء: ۸۶] یعنی: «و چون به شما درود گفته شد شما به [صورتی] بهتر از آن درود گوید یا همان را [در پاسخ] برگردانید.»

پیامبر صلی الله علیه وسلم بدینگونه به سلام کردن تاکید فرموده است:

(أَيُّهَا النَّاسُ، أَفْشُوا السَّلَامَ، وَأَطْعَمُوا الطَّعَامَ، وَصَلُّوا الْأَرْحَامَ، وَصَلُّوا بِاللَّيْلِ وَالنَّاسِ نِيَامًا، تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ) [ابن ماجه] یعنی: «ای مردم، سلام را آشکار کنید و طعام دهید و روابط خویشاوندی را بر قرار دارید و نماز بخوانید، در حالیکه مردم خواب هستند تا به سلامتی به بهشت داخل شوید.»

سلام نمودن جامعه را از محبت و سازش لبریز می‌نماید، چنانچه رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (لا تدخلون الجنة حتى تؤمنوا، ولا تؤمنوا حتى تحابوا، أو لا أدلكم على شيء إذا فعلتموه تحاببتم؟ أفشوا السلام بينكم) [مسلم] یعنی: «به بهشت وارد نمی‌شوید تا مؤمن شوید و مؤمن شمرده نمی‌شوید، تا با همدیگر دوستی کنید. آیا راهنمایی نکنم شما را به آنچه که هرگاه آن را بجای آورید با هم دوستی می‌کنید؟ سلام را در میان خویش آشکار کنید.»

سلام کردن دارای آدابی است که رعایت آن بر هر مسلمانی لازم است، از جمله:

پایبندی به سلام و درود اسلامی:

سلام تحیت و درود مسلمانان است و شایسته نیست به جای آن از الفاظی دیگر استفاده نماییم، مانند: (صبح بخیر) یا (روز خوش). پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (خلق الله آدم على صورته، طوله ستون ذراعاً، فلما خلقه قال: اذهب فسلم على أولئك -

نفر من الملائكة جلوس - فاستمع ما يحيونك، فإنها تحيتك وتحية ذريتك فقال: السلام عليكم. فقالوا: السلام عليكم ورحمة الله (متفق عليه) یعنی: «خداوند آدم - علیه السلام - را بر صورتش بیافرید. بلندی او شصت گز بود. وقتی وی را بیافرید، گفت: السلام عليكم. به او گفتند: السلام عليكم ورحمة الله.»

سلام بر همه‌ی مسلمانان:

سلام حق هر مسلمانی بر دیگری است. سلام کردن سنت است و جواب دادن به آن فرض می‌باشد. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (حق المسلم علی المسلم خمس: رد السلام، وعیادة المريض، واتباع الجنائز، وإجابة الدعوة، وتشمیت العاطس) [متفق علیه] یعنی: «حق مسلمان بر مسلمان پنج چیز است: جواب سلام، عیادت مریض، رفتن بدنبال جنازه، قبول کردن دعوت، دعا برای عطسه زنده.»

از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدند که کدام اسلام بهتر است؟ فرمود: (تطعم الطعام وتقرأ السلام علی من عرفت ومن لم تعرف) [متفق علیه] یعنی: «که طعام بدهی و بر هر کس خواه او را بشناسی و یا نشناسی سلام کنی.»

سلام کردن با صدای بلند:

علی المسلم أن یرفع صوته بالسلام، ویتلفظ بکلماته ویشیر بیده إن کان من یسلم علیه بعیداً عنه، ولا یسمع صوته.

اول سلام کنید:

فرد مسلمان قبل از سخن گفتن به دوستانش سلام می‌کند. کسی که نخست سلام می‌کند نزد خداوند بهتر است. پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (... وخیرهما الذي یبدأ بالسلام) [مسلم] یعنی: «و بهتر شان کسی است که به سلام آغاز می‌کند.» و

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (یسلم الصغیر علی الکبیر، و المار علی القاعد، والقلیل علی الکثیر) [بخاری] یعنی: «کوچک تر بر بزرگتر، رهگذر بر نشسته و تعداد کم تر بر عده‌ای بیشتر سلام می‌نمایند.»

جواب سلام:

سلام کردن سنت مؤکده، ولی جواب آن واجب است و دادن جواب سلام هر زمان که به فرد برسد، چه بصورت کتبی و چه بصورت شفاهی و چه آن شخص را بینیم یا نبینیم، در همان زمان بر او واجب می‌شود. از حضرت عایشه -رضی الله عنها- نقل است که فرمود: یک روز رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: (یا عائشة، هذا جبریل یقرئک السلام) یعنی: «ای عایشه! جبرئیل بر تو سلام می‌کند.» حضرت عایشه در حالی که او را نمی‌دید گفت: و علیه السلام و رحمه الله و برکاته. [متفق علیه]

تکرار نمودن سلام:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إذا لقی أحدکم أخاه فلیسلم علیه فإن حالت بینهما شجرة أو حائط أو حجر ثم لقیه، فلیسلم علیه) [ابوداود] یعنی: «هرگاه یکی از شما برادرش را ملاقات کند، باید بر وی سلام نماید و هرگاه میان شان درختی یا دیواری یا سنگی حائل شد، و باز او را دید، باید بر وی سلام دهد.»

دست دادن در هنگام سلام کردن:

دست دادن سلام را کامل می‌نماید. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: (ما من مسلمین یتلقیان فیتصافحان إلا غفر لهما قبل أن یفترقا) [ابوداود] یعنی: «دو مسلمان با هم روبرو نمی‌شوند که مصافحه نمایند، مگر قبل از اینکه از هم جدا شوند، گناه شان آمرزیده می‌شود.»

در صورت امکان باید بر او لبخند بزند. پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: (تبسمك في وجه أخيك لك صدقة) [ترمذی] یعنی: «لبخند تو بر برادرت صدقه است.»

سلام کردن به زنان:

مرد مسلمان باید که بر زنان سلام نماید، و اگر زنی تنها بود و او خود را از فتنه در امان ببیند می تواند بر او سلام نماید، البته بدون دست دادن، و در غیر اینصورت بهتر است از آن صرف نظر نماید. برای زنان نیز به همین صورت می باشد. از اسماء دختر زبید -رضی الله عنها- نقل است که پیامبر صلی الله علیه وسلم از کنار ما زنان گذر نمود و بر ما سلام نکرد. [ابوداود]

سلام کردن بر کودکان:

شخص سمن تر باید بر کودکان سلام کند تا آنان دوستی و محبت را احساس کنند. از حضرت انس -رضی الله عنه- روایت است که: همانا پیامبر صلی الله علیه وسلم بر عده ای پسرکان می گذشت و بر آنان سلام می فرمودند. [مسلم]

بعضی جاها نباید سلام کرد:

چنانچه فرد در دستشویی باشد سلام نمی نماید. همچنین در هنگام اذان و اقامه و نماز و در حین خطبه ی جمعه و موقع غرق دعا و نیایش بودن و زمان گفتن لبیک و تلبیه در حج یا عمره.

سلام نمودن بر یک گروه و جماعت:

فرد مسلم بر یک عده که یکجا می باشند سلام نموده و با یک نفر تنها سلام و احوالپرسی نمی کند بلکه باید که بر همگی سلام کرده و در این بین می تواند با کسی به طور جداگانه نیز سلام و احوالپرسی کند. مثلاً دانش آموز پس از آنکه به همه سلام می نماید، آنگاه بطور جداگانه سلام و احوالپرسی ویژه ای با استادش داشته باشد.

سلام کردن در خانه‌ی خالی:

وقتی مسلمان وارد خانه‌ی خالی می‌شود و کسی در آن جا نیست، باز هم سلام کرده و می‌گوید: السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين.

سلام هنگام ترک کردن مکانی و برگشتن:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إذا انتهى أحدكم إلى مجلس فليسلم؛ فإن بدا له أن يجلس فليجلس، ثم إذا قام فليسلم؛ فليست الأولى أحق من الآخرة) [احمد و ترمذی و ابو داود] یعنی: «هرگاه یکی از شما به مجلسی برسد، باید سلام کند و هرگاه قصد کند که برخیزد، باید سلام کند، زیرا سلام اولی از دومی سزاوارتر نیست.»

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب جنازه

جنازه ای را از نزدیک پیامبر صلی الله علیه وسلم می بردند و صحابه از او به نیکی یاد کردند. آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: (وجبت) یعنی: «واجب شد!» سپس جنازه‌ی دیگری را بردند و از او به بدی یاد کردند و آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: (وجبت). حضرت عمر بن خطاب - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم منظور ایشان از چیزی که فرمودند را سؤال کرد و آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: (هذا أثنتم عليه خيراً فوجبت له الجنة، وهذا أثنتم عليه شراً فوجبت له النار، أنتم شهداء الله في الأرض) یعنی: «شخصی را که به نیکوئی ستودید، بر او بهشت واجب شد و دیگری را که به بدی یاد کردید، بر او دوزخ واجب شد، شما شاهدان خدا در زمین می باشید.» [متفق علیه]

رسول الله صلی الله علیه وسلم تاکید زیادی به دنبال جنازه رفتن داشته و اهمیت و بزرگی این کار را بیان نموده و می فرمود: (من شهد الجنازة حتى يصلي فله قيراط، ومن شهد حتى تُدفن كان له قيراطان) یعنی: «آنکه به جنازه حاضر شود، تا نماز بر او خوانده شود، برای او یک قیراط ثواب است و کسی که حاضر شود آن را تا اینکه بگور سپرده شود، برای او دو قیراط ثواب است.» پرسیدند: منظور از دو قیراط چیست؟ فرمود: (مثل الجبلين العظيمين) یعنی: «مثل دو کوه بزرگ.» [متفق علیه]

در مورد جنازه نیز آدابی هست که بر هر مسلمانی لازم است که از آن‌ها تبعیت نماید، مهم ترین این آداب از این قرار می باشند:

تلقین شهادتین به فرد در حال احتضار:

کسی که نزدیک فرد در حال احتضار است به او بگوید: «بگو: لا إله إلا الله»، به خاطر فرمایش پیامبر صلی الله علیه وسلم که می‌فرماید: (لَقِّنُوا مَوْتَاكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) یعنی: «برای بیمار در شرف مرگ تان لا إله إلا الله را تلقین کنید.» [مسلم]

همچنین آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: (من كان آخر قوله: لا إله إلا الله، دخل الجنة) یعنی: «کسی که سخن آخرش لا إله إلا الله باشد، به بهشت داخل می‌شود.» [ترمذی و حاکم]

پوشاندن و فرو بستن چشمان او:

اولین کاری که در مواجهه با میت لازم است انجام گیرد، فرو بستن چشم‌های او و پوشانیدن صورت وی می‌باشد. (فإن الروح إذا قبض تبعه البصر) یعنی: «زمانی که روح قبض می‌شود، چشم به دنبال آن است.» [مسلم]

صبر و حمد و سپاس خداوند و گفتن «إنا لله وإنا إليه راجعون»:

فرد مسلمان وقتی کسی را از دست می‌دهد خود را به زینت صبر می‌آرید و بسیار می‌گوید: (إنا لله وإنا إليه راجعون، اللهم أجرني في مصيبي واخلف لي خيرا منها) یعنی: «بی شک ما از آن خدا هستیم و همانا همگی ما به سوی او مراجعت خواهیم کرد. خداوند! مرا در مقابل این مصیبت پاداش بده، و در عوض آن به من بهتر عنایت فرما.» [مسلم]

و بگوید: (لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم) یعنی: «هیچ نیرویی بازدارنده از گناه و وا دارنده به نیکی بجز خداوند نیست.» و سپس برای فرد دعا نماید. وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم نزد (أبی سلمه) رفت و او تازه جان سپرده بود، چشمان وی را بست و فرمود: (إن الروح إذا قبض تبعه البصر) یعنی: «زمانی که روح قبض می‌شود، چشم به دنبالش می‌نگرد.» آن وقت کسانی از خانواده‌اش ناله و زاری کردند و پیامبر صلی الله علیه وسلم

فرمود: (لا تدعوا على أنفسكم إلا بخير؛ فإن الملائكة يؤمنون على ما تقولون) یعنی: «بر خویش جز دعای خیر مکنید، زیرا فرشتگان بدانچه می گوئید آمین می گویند.» سپس ادامه داد: (اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَبِي سَلْمَةَ، وَاَرْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي الْمَهْدِيِّينَ، وَأَخْلَفْهُ فِي عَقْبِهِ فِي الْغَابِرِينَ، وَاغْفِرْ لَنَا وَلِهِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَأَفْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ، وَنَوِّرْ لَهُ فِيهِ) یعنی: «بار خدایا ابو سلمه را بیامرز و مرتبه اش را در میان هدایت شدگان بلند نما و بر کسانی که از وی مانده اند، تو سرپرستی کن و ای پروردگار عالمیان بر وی و بر ما بیامرز و قبرش را بر وی گشاده کن و آن را برایش روشن بدار.» [مسلم]

گریستن در این مواقع با صبر و تسلیم در برابر امر خداوند منافاتی ندارد. چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز هنگامی که فرزندش ابراهیم فوت کرد بر او گریست و فرمود: (إن العين تدمع، والقلب يحزن، ولا نقول إلا ما يرضي ربنا، وإنا بفراقك يا إبراهيم لمحزونون) یعنی: «همانا چشم اشک می ریزد و دل اندوهگین می شود و نمی گوئیم، مگر آنچه که پروردگار ما را راضی می سازد و همانا به فراق تو ای ابراهیم ما غمگینیم.» [بخاری و ابوداود]

چیزی که از آن نهی شده است انجام کارهایی همراه گریه کردن است که در شریعت مردود می باشند، مانند: بر سر و صورت زدن، گریبان دریدن و گفتن عبارات و سخنان جاهلیت.

شباب در کفن و دفن میت:

باید که در شستن و خوشبو نمودن و تکفین میت عجله بخرج داد. این قاعده در مورد شهدایی، که در میدان نبرد با کفار به شهادت رسیده اند، صدق نمی کند و نه غسل داده شده و نه تکفین می شوند، بلکه با همان لباسی که در آن به شهادت رسیده است دفن می گردد و خداوند سبحانه و تعالی روز قیامت او را در حالی برمی خیزاند که از او بوی خوش مشک به مشام می رسد.

خواندن نماز میت:

یکی از حقوق میت بر مسلمانان حاضر در فوت وی آن است که بر او نماز بخوانند.

پیاده بردن جنازه و شتاب در این کار:

پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم بدنبال جنازه حرکت نموده و به دنبال نمودن آن و بر جای نشستن تا قبل از دفن میت سفارش می نمود. پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: (إذا رأيتم الجنازة فقوموا، فمن تبعها فلا يقعد حتى توضع) یعنی: «وقتی جنازه ای دیدید برخیزید، آنکه جنازه را دنبال کند نباید تا وقتی آن را بنهند، بنشیند.» [بخاری]

خودداری از نوحه گری و بر سر و صورت خود زدن:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم به شدت از نوحه و بر خود زدن نهی کرده و فرموده اند: (ليس منا من لطم الخدود، وشق الجيوب، ودعا بدعوى الجاهلية) یعنی: «آنکه بر رویش زده و گریبان چاک نموده و دعاهای جاهلیت را بخواند از ما نیست.» [متفق علیه]

به اجرا درآوردن وصیت:

خانواده‌ی میت لازم است که وصیت وی را مادامیکه وصیت به گناهی نکرده باشد به اجرا برسانند. عمرو بن عاص -رضی الله عنه- هنگام وفاتش وصیت نموده و گفت: هرگاه مردم نه نوحه نموده و نه آتشی برافروزید. زمانیکه دفنم کردید خاک را بر من پاشید و سپس به همان اندازه که شتر یا گوسفندی را ذبح کرده و گوشتش تقسیم شود پیرامون قبر من بمانید تا بواسطه‌ی شما آرام گرفته و ببینم رسولان پروردگارم را چه پاسخ دهم. [مسلم]

دعا برای میت:

مستحب است که مسلمانان پس از دفن میت کنار قبرش مانده و با اخلاص برایش دعا نموده و از خداوند متعال ثبات و آمرزش را برای وی خواستار شده و بخواهند که او

را مورد رحمت خود قرار دهد. دعای پیامبر صلی الله علیه وسلم برای میت: (اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ، وَعَافِهِ وَاعْفُ عَنْهُ، وَأَكْرِمْ نَزْلَهُ، وَوَسِّعْ مُدْخَلَهُ، وَاغْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا يَنْقِي الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَبْدَلْهُ دَارًا خَيْرًا مِنْ دَارِهِ، وَأَهْلًا خَيْرًا مِنْ أَهْلِهِ، وَزَوْجًا خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ، وَأَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ، وَأَعِزَّهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ (أَوْ مِنْ عَذَابِ النَّارِ) يَعْنِي: «بار خدایا او را بیامرزد و عفویش کن و از او درگذر و منزلگاه او را نیکو ساز و مدخلش (قبرش) را فراخ کن و او را به آب و برف و یخ بشوی. و چنانچه جامه‌ی سفید را از چرک پاک گردد، او را از معاصی پاک کن و به او خانواده ای بهتر از خانواده‌اش و همسری بهتر از همسرش عنایت فرما. و او را به بهشت داخل کن و از عذاب قبر (یا عذاب دوزخ) پناهش ده.» [مسلم و ترمذی و نسائی]

نماز بر میت در غیابش:

چنانچه یکی از مسلمانان در جایی دور که هیچ یک از مسلمانان دیگر نتوانند بر او نماز بگذارند، می‌توانند در مکان خویش اقدام به بجا آوردن نماز بر او نمایند که به این نماز، نماز غائب گفته می‌شود. پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز بر نجاشی - پادشاه حبشه - نماز غائب را بعد از باخبر شدن از وفات وی خواند.

فرستادن غذا برای خانواده‌ی میت:

این عمل به خاطر مودت و همیاری برای سبک نمودن بار اندوه و رنج خانواده‌ی داغ‌دیده می‌باشد. هنگامی که جعفر بن ابی طالب وفات نمود، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: (اصنعوا لأهل جعفر طعاماً، فإنه قد جاءهم ما يشغلهم) یعنی: «برای خانواده‌ی جعفر غذا آماده سازید که برایشان واقعه‌ای پیش آمده است که مشغولشان ساخته است.» [ترمذی و ابن ماجه]

پرداخت بدهی و دیون به جای میت:

پرداختن بدهی از امور واجب می‌باشد. پیامبر صلی الله علیه وسلم به تسویه‌ی بدهی‌های میت به جای او قبل از آنکه بر وی نماز بگزارند دستور می‌داد. [ترمذی]

عزا و سوگواری:

مسلمان هنگام پیش آمدن مصیبت بازماندگان را تعزیت گفته و به صبر و شکیبایی و راضی بودن به قضا و قدر خداوندی ترغیب می‌نماید. نشستن برای تعزیه و برپا نمودن خیمه‌ها و کرایه نمودن قاریان قرآن کراهیت دارد، همانطور که عزاداری پس از گذشت سه روز، مگر برای میت غائب، و بدعت‌هایی مانند پنجشنبه و چله و غیره مکروه می‌باشد. تمام این اعمال جزو بدعت بوده و هیچ نفعی برای میت نداشته و گناه ان بر عهده‌ی بازماندگان می‌ماند.

اجتناب از خبر دادن به مرگ فرد به شیوه‌ی جاهلیت:

باخبر نمودن مردم از فوت شخص برای خواندن نماز بر وی اشکالی ندارد. پیامبر صلی الله علیه وسلم یارانش را از وفات نجاشی باخبر ساخت، همانطور که از فوت جعفر بن ابی طالب و زید بن حارثه، و عبد الله بن رواحه -رضی الله عنهم- خبر داد. لیکن خبر مرگ دادن به شیوه‌ی جاهلیت، که بیشتر مردم انجام می‌دهند و نسب و نزدیکان میت و مناصب آن‌ها را برای فخرفروشی و ریا ذکر می‌کنند، مکروه می‌باشد.

گرفتن عبرت و پند آموزی:

مسلمان در حضور جنازه درس عبرت گرفته و توبه نموده، می‌کوشد تا طاعت و عبادت بیشتر داشته باشد و از گناه و معصیت دوری کند. چرا که می‌داند این سرنوشت در انتظار او نیز می‌باشد. او نیز بزودی جنازه‌اش تشییع شده و جسم او را حمل نموده و در قبر دفن می‌کنند. سپس او را تنها به حال خود می‌گذارند. کسی که نیاز به ارشاد داشته باشد، مرگ او را بهترین موعظه گر است.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب دعوت

پسری یهودی بود که به پیامبر صلی الله علیه وسلم خدمت می‌کرد، روزی آن پسر مریض شد و پیامبر صلی الله علیه وسلم برای عیادت پیش وی رفت. هنگامی که بر بالای سرش نشست، به او فرمود: ایمان بیاور! پسر نگاهی به پدرش انداخت، پدرش به او گفت: از ابا القاسم اطاعت کن. پسرک به سرعت گفت: «أشهد أن لا إله إلا الله، وأن محمدًا رسول الله». پیامبر صلی الله علیه وسلم به خاطر اسلام آوردن غلام بسیار خوشحال و شاد از آنجا خارج شد، و فرمود: (الحمد لله الذي أنقذه بي من النار) یعنی: «سپاس خدایی را که او را از دوزخ نجات داد». [بخاری]

خداوند عزوجل مسلمانان را به دعوت دادن به سوی ایمان و عبادت امر نموده و می‌فرماید: ﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱۳۱﴾ [آل عمران: ۱۰۴] یعنی: «و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند».

خداوند متعال برتری دعوت به سوی خویش را اینچنین بیان می‌نماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۳۳﴾ [فصلت: ۳۳] یعنی: «و کیست خوشگفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید من [در برابر خدا] از تسلیم‌شدگانم».

پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز می‌فرماید: (من دلّ علی خیر فله مثل أجر فاعله) یعنی: «آنکه به کار خیر رهنمایی کند، برای او مانند مزد انجام دهنده‌ی آن داده می‌شود.» [مسلم]

دعوت به سوی خداوند دارای آدابی است که مسلمان باید به آن‌ها آراسته باشد:

اخلاص در نیت:

اخلاص راز پیروزی دعوتگر به سوی خداوند است. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (إنما الأعمال بالنیات، وإنما لكل امرئ ما نوى) یعنی: «همانا ثواب اعمال به نیت بستگی دارد و هر کس نتیجه‌ی نیت خود را درمیابد.» [متفق علیه]

دعوت با حکمت و موعظه‌ی نیک:

فرد مسلمان در هنگام دعوت دیگران از سخنان پاک و نیکو استفاده نموده و از کلام زشت و ناروا دوری می‌نماید. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ [النحل: ۱۲۵] یعنی: «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای.»

فهم و درک عالی از دین:

لازم است که داعی به سوی خداوند، نسبت به احکام دینی آگاهی لازم داشته باشد، و اگر برایش امکان داشته باشد مستحب است که به حفظ قرآن کریم بپردازد و همچنین از احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم هر چند که در توان داشت برای استدلال در دعوتش استفاده نماید. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [یوسف: ۱۰۸] یعنی: «بگو این است راه من که من و هر کس پیروم کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم.»

سر مشق نیک:

فرد دعوتگر الگو و سرمشق دیگران است، بنابراین باید به عمل نمودن به علمی که دارد اهمیت داده و خود را به آنچه که مردم را به سوی آن دعوت می‌کند آراسته نماید و گرنه جزو کسانی خواهد بود که خداوند در مورد آنها می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ السُّبُلَ الَّتِي اتَّبَعُوا وَلَا يَغْنَبُ فَعَسَىٰ تَهْتَكُونَ سُبُلَ اللَّهِ وَتَكُونُوا مِنَ الْمُتَضَلِّينَ﴾ [البقرة: ۴۴] یعنی: «ایا

مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید آیا [هیچ] نمی‌اندیشید».

مراقب باش تا مانند کسانی نباشی که شاعر در موردشان می‌گوید:

يَا أَيُّهَا الرَّجُلُ الْمَعْلَمُ غَيْرَهُ هَلَا لِنَفْسِكَ كَانَ ذَا التَّعْلِيمِ

معنی شعر:

«ای آنکه آموزگار علم به دیگرانی

به هوش باش که خود بدان علم سزاوارتری!»

در نتیجه فرد دعوتگر باید دارای اخلاق پاک و شیوه‌ی نیک باشد. مردی نزد بانو عایشه -رضی الله عنها- آمده و از او پرسید: اخلاق پیامبر چگونه بود؟ جواب داد: (کان خلقه القرآن). یعنی: «اخلاق او قرآن بود.» [مسلم] یعنی آن حضرت صلی الله علیه وسلم دارای تمام صفات نیکویی بود که به واسطه‌ی آیات قرآن کریم و سنت نبوی مردم را به تمسک بدان‌ها دعوت می‌نمود.

فرد دعوتگر شایسته است که از رانده شدن به سمت گناهایی که باقی مردم بدان گرفتار هستند اجتناب ورزد و از قرار گرفتن در معرض تهمت و شبهه دوری نماید. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (.. فمن اتقى الشبهات فقد استبرأ لدينه وعرضه، ومن وقع في الشبهات وقع في الحرام، كالراعي يرعى حول الحمى، يوشك أن يرتع فيه، ألا وإن لكل ملة حمة، ألا وإن حمة الله محارمه) یعنی: «... پس آنکه از مشتهات بپرهیزد برای دین و آبروی خود پاکی جسته است و آنکه به مشتهات آلوده شود، در حرام افتاده است، مانند شبانی که در اطراف چراگاه ممنوعه می‌چراند نزدیک است که گوسفندان در آن وارد شود. و آگاه باشید که هر پادشاهی چراگاهی ممنوع دارد و چراگاه ممنوعی خداوند چیزهاییست که حرام نموده است.» [مسلم]

دوری جستن از مسایل اختلافی:

فرد دعوتگر باید از مسایلی که باعث ایجاد اختلاف شده و به دامنه آن می‌افزاید اجتناب ورزد. با مردم درباره‌ی مسائل متفق علیه بحث کند، و حتی از وارد شدن به بحث و جدال‌هایی که در حد توان او نیست دوری کرده و از ریاکاری پرهیز نماید که ثواب عملش از بین می‌برد.

با چیزهای مهم‌تر شروع کند:

دعوتگر به خداوند متعال، در دعوت خویش مرحله به مرحله عمل می‌کند. آن‌ها را قبل از سنت به سوی فرایض و قبل از امور مستحب به سوی امور واجب دعوت می‌نماید.

پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی که می‌خواست معاذ بن جبل را به سوی اهل یمن بفرستد به او فرمود: (إِنَّكَ تَقْدُمُ عَلَى قَوْمِ أَهْلِ كِتَابٍ، فَلْيَكُنْ أَوَّلَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ عِبَادَةَ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - فَإِذَا عَرَفُوا اللَّهَ، فَأَخْبِرْهُمْ أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي يَوْمِهِمْ وَلَيْلَتِهِمْ، فَإِذَا فَعَلُوا، فَأَخْبِرْهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ فَرَضَ عَلَيْهِمْ زَكَاةً تُؤْخَذُ مِنْ أَغْنِيائِهِمْ، فَتُرَدُّ عَلَى فُقَرَائِهِمْ، فَإِذَا أَطَاعُوا بِهَا فَخُذْ مِنْهُمْ وَتَوَقَّ كِرَائِمَ أَمْوَالِهِمْ) (لا تأخذ أفضلها عندما تجمع زكاة أموالهم) یعنی: «تو همانا نزد قومی از اهل کتاب می‌روی، پس نخستین چیزی که آن‌ها را بدان دعوت می‌کنی بندگی خداوند عزوجل است اگر آن‌ها آن را دریافتند، آن‌ها را آگاه کن که خداوند در هر شب و روزشان پنج وقت نماز بر ایشان فرض نموده است.

و اگر آن‌ها این کار را انجام دادند، آنان را آگاه کن که الله تعالی بر آن‌ها صدقه‌ای فرض نموده که از ثروتمندان شان گرفته شده و به فقرای شان باز گردانده می‌شود. پس اگر آن‌ها از این پیروی کردند، پس از آنان (زکات) بگیر و بر حذر باش از اینکه مال‌های نفیس و گرانبهای شان را بگیری.» [مسلم]

با نرم‌فتاری و مداراجویی:

فرد مسلمان دیگران را با ملایمت دعوت می‌کند، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ [آل عمران: ۱۵۹] یعنی: «و اگر تندخو و سختدل بودی قطعا از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.» و پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إن الرفق لا يكون في شيء إلا زانه، ولا ينزع من شيء إلا شانه.) یعنی: «نرم رفتاری در هیچ چیزی نمی‌باشد، جز اینکه آن را زینت می‌دهد و از هیچ چیزی بدور نمی‌شود، مگر اینکه آن را زشت می‌سازد!» [مسلم و ابوداود]

ذکاوت و هوشیاری:

مسلمان باهوش و با ذکاوت است و می‌داند که چگونه مردم را به سوی خداوند دعوت نماید، و چطور با آنها بحث کرده و آنان را قانع سازد و همواره وقت مناسب را برای اینکار انتخاب می‌کند.

شناخت شخصیت فرد دعوت شونده:

فرد دعوتگر ناچار است که در رابطه با فرد دعوت شونده بینش و آگاهی کافی داشته و لذا باید از شخصیت وی شناخت داشته و به طریقه‌ای نیکو فرد را دعوت نماید. روشی که برای یک شخص مناسب است ممکن است برای دیگری جواب ندهد. بهتر است که دعوتگر از شرایط اجتماعی فرد دعوت شونده مقداری آگاهی داشته باشد.

خطاب قرار دادن مردم در سطح درک و فهم آنان:

فرد مسلمان هنگام دعوت دیگری باید وضعیت و سطح فهم و درک او را در نظر داشته باشد. چه برای بعضی مردم بهتر است که با گفتاری فصیح و شیوا گفتگو شده و با برخی دیگر باید گفتاری ساده و قابل فهم را بکار برد. حضرت علی بن ابی طالب -رضی الله عنه- می‌فرماید: (حدّثوا الناس بما يعرفون، أتحبون أن يكذب الله ورسوله) یعنی: «با

مردم چیزی را بگویند که برایشان قابل فهم باشد، آیا دوست دارید که خدا و رسولش تکذیب شوند؟» [بخاری]

ابتدا با اهل خانواده و نزدیکان شروع کند:

فرد مسلمان دعوت را از اهل خانواده و نزدیکانش شروع می‌نماید، خداوند متعال در این باره می‌فرماید: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَوْاْ أَنفُسِكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٦٦﴾ [التحریم: ٦] یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و نگاهبان حفظ کنید بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده] اند از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مامورند انجام می‌دهند.» و باز می‌فرماید: ﴿وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿٦٧﴾ [الشعراء: ٢١٤] یعنی: «و خویشتان نزدیکت را هشدار ده!» پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (ابتدا بمن تعول) یعنی: «و آغاز کن به کسی که نفقه‌اش بدوش تو است.» [طبرانی]

امیدواری:

دعوتگر نباید هنگامی که با اعتراض دعوت شونده مواجه شد نا امید شود و باید امر هدایت را به خداوند بسپارد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾ [القصص: ٥٦] یعنی: «در حقیقت تو هر که را دوست داری نمی‌توانی راهنمایی کنی، لیکن خداست که هر که را بخواهد راهنمایی می‌کند و او به راه‌یافتگان داناتر است!»

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب دعاء

در زمان حضرت عمر بن خطاب -رضی الله عنه- یکسال از آسمان بارانی نبارید. مردم از بی آبی داشتند هلاک می شدند. حضرت عمر رضی الله عنه مردم را گردآورد و به صحرا رفتند. حضرت عمر رضی الله عنه از حضرت عباس رضی الله عنه، عموی پیامبر صلی الله علیه وسلم خواست تا برای مسلمانان دعا کند. حضرت عباس رضی الله عنه دستانش را به سوی آسمان برداشت و گفت: الهی! اینها دستان ما است که بسوی تو با گناهان مان برداشته می شود و پیشانی ماست که روبرویت با توبه و بازگشت بسوی تو متوجه است. ما را بوسیله ی باران سیراب گردان. خداوند عزوجل نیز باران را فرو فرستاد.

مادر انس بن مالک نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده و دست پسرش را در دست گرفته بود تا در خدمت پیامبر صلی الله علیه وسلم باشد، و از آن حضرت صلی الله علیه وسلم خواست تا برای او بطور مخصوص دعا بفرماید. پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز برایش دعا نموده و گفت: (اللَّهُمَّ أَكْثَرُ مَالِهِ وَوَلَدِهِ) [متفق علیه] یعنی: «بارالها! مال و فرزندان او را فزونی ده.» در نتیجه حضرت انس رضی الله عنه آنقدر زیست که مال ثروت و فرزندان او بسیار گشتند و صد نفر از فرزندان او نوه هایش را هم دید.

دعاء همان درخواست آمرزش و رحمت و گذشت و برآمدن نیازها از خداوند می باشد. دعاء جزو عبادت هایی است که خداوند -عز وجل- را خوشنود می سازد. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: (الدعاء هو العبادة) [ترمذی] یعنی: «دعاء همان عبادت است.» سپس این آیه را خواندند: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [المؤمن: ۶۰] یعنی: «و پروردگارتان

فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم در حقیقت کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی‌آیند.»

همچنین خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾ [النمل: ۶۲] یعنی: «یا [کیست] آن کس که درمانده را چون وی را بخواند اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌گرداند.»

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (لیس شیء أكرم على الله تعالى من الدعاء) [ترمذی و احمد] یعنی: «نزد خداوند چیزی گرامی‌تر از دعا نیست.»
دعاء دارای آدابی است که فرد مسلمان باید سعی کند آن‌ها را رعایت نماید:

انتخاب وقت دعاء:

در برخی اوقات دعا مستجاب می‌شوند، مانند: ماه رمضان، روز عرفه، روز جمعه، وقت سحر - آخر شب - ده روز نخست ماه ذی الحجه. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (ما من أيام العمل الصالح فيها أحب إلى الله من هذه الأيام العشر). قالوا: یا رسول الله ولا الجهاد فی سبیل الله؟ قال: (ولا الجهاد فی سبیل الله إلا رجل خرج بنفسه وماله فلم يرجع من ذلك بشيء) [بخاری] یعنی: «هیچ روزی نیست که در آن عمل صالح نزد خداوند تعالی محبوب‌تر از این ده روز باشد.»

گفتند: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم و حتی جهاد فی سبیل الله؟ فرمود: و حتی جهاد فی سبیل الله، مگر مردی که جان و مالش را بیرون کرده و هیچ چیزی از آن را باز نگرداند (به سنگر شتافته و شهید شود).»

روایت می‌کنند که رسول الله صلی الله علیه وسلم وقتی ماه رمضان فرا می‌رسید، می‌فرمود: (إن هذا الشهر قد حضرکم، وفيه ليلة خیر من ألف شهر. من حُرّمها فقد حُرّم الخیر کله ولا یحرم خیره إلا محروم) [ابن ماجه] یعنی: «این ماه بر شما وارد شد، در آن

شبی هست که از هزار شب برتر است. هرکس از آن بی بهره ماند از هرچه نیکی و خیر است بی بهره مانده است و جز محرومان کسی از آن بی بهره نمی ماند.»

آن حضرت صلی الله علیه وسلم در مورد روز جمعه نیز می فرماید: (فیه ساعة لا یوافقها عبد مسلم وهو قائم یصلی یسأل الله تعالی شیئاً إلا أعطاه إياه) [متفق علیه] یعنی: «در آن ساعتی که هیچ بنده‌ی مسلمانی که ایستاده نماز می گزارد، با آن برابر نمی شود در حالیکه از خداوند چیزی را می طلبد، مگر اینکه آن را بوی می دهد.»

پیامبر صلی الله علیه وسلم همچنین می فرماید: (ینزل الله إلى السماء الدنيا کل لیلة حین یمضي ثلث اللیل الأول، فیقول: أنا الملک.. أنا الملک.. من ذا الذی یدعونی فأستجیب له؟ من ذا الذی یسألنی فأعطیه؟ من ذا الذی یتغفرنی فأغفرله؟ فلا یزال كذلك حتی یضیء الفجر) [مسلم].

وقال صلی الله علیه وسلم: (الدعاء لا یرد بین الأذان والإقامة) [ابوداود و ترمذی و نسائی و احمد] یعنی: «دعای بین اذان و اقامت رد نمی شود.» وقال صلی الله علیه وسلم: (الدعاء بین الأذان والإقامة مستجاب فادعوا) [ابن عدی] یعنی: «دعای بین اذان و اقامه مستجاب است، پس دعا کنید.»

همچنین آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرموده است: (أقرب ما یكون العبد من ربه وهو ساجد؛ فأكثروا من الدعاء) [مسلم] یعنی: «حالتی که بنده به پروردگارش نزدیکتر است، حالت سجده است، پس در آن زیاد دعا کنید.» از دیگر اوقات اجابت و من اوقات هنگام رویارویی بادشمن، موقع بارش باران، بانگ خروس و از پس نمازهای فرض و در حالت سجده می باشد.

رو کردن بسوی قبله:

یک روز رسول الله صلی الله علیه وسلم برای نماز استسقاء برای مردم خارج شد، پشت به مردم و روی به قبله نمود و به دعا و نیایش پرداخت. [متفق علیه]

بلند کردن دست‌ها:

از حضرت عمر -رضی الله عنه- روایت شده است که: رسول خدا صلی الله علیه وسلم هنگام دعا دست‌هایش را بلند می‌نمود. [حاکم]. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: (إِنَّ رَبَّكُمْ حَيٌّ كَرِيمٌ، يَسْتَحْيُ أَنْ يَبْسُطَ الْعَبْدُ يَدَيْهِ إِلَيْهِ فَيُرْدَهُمَا صِفْرًا) [ابوداود و ترمذی وابن ماجه] یعنی: «بدانید که پروردگار شما بسیار صاحب شرم است و شرم دارد که بنده‌اش دست بسوی او بلند نموده و او آن‌ها را تهی به وی بازگرداند.»

ستایش خداوند -سبحانه- و درود و صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و سلم: سلمه بن الأكوع می‌گوید: {مَا سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْتَفْتِحُ الدُّعَاءَ إِلَّا اسْتَفْتَحَهُ (بِسُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى الْعَلِيِّ الْوَهَّابِ)} [احمد] یعنی: «نشنیدم که رسول خدا صلی الله علیه وسلم دعایی را آغاز کند مگر آنکه بگوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى الْعَلِيِّ الْوَهَّابِ»: «پاک و منزّه است پروردگار بلندمرتبه و بسیار بخشاینده‌ی من.»»

یک روز رسول الله صلی الله علیه وسلم شنید که مردی می‌گوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ». یعنی: «الهی! من به آنکه گواهی می‌دهم که همانا تو همان خدایی هستی که جز تو معبودی نیست و یکتا و بی‌نیاز هستی. که نه زاده شده و نه زاده ای و کسی چون تو وجود ندارد. از تو تقاضا می‌کنم.» فرمود: (لَقَدْ سَأَلْتَ اللَّهَ بِالْأَسْمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي إِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ أُجَابَ) یعنی: «بدان که خدا را با اسم اعظمش فراخواندی که اگر بدان از او بخواهند عطا می‌کند و اگر بدان بخوانندش اجابت می‌فرماید.» [ابوداود] فضالہ بن عبید می‌گوید: درحینی که رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته بود، مردی وارد شد و نماز گزارد و گفت: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي» یعنی: الھی! مرا بیامرزد و بر من رحم فرما!، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (عَجِلْتَ (تَسْرَعْتَ) أَيُّهَا الْمُصَلِّي، إِذَا صَلَّيْتَ فَقَعَدْتَ فَاحْمَدُ اللَّهُ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَصَلَّ عَلَيَّ، ثُمَّ ادْعُهُ) یعنی: «عجله کردی ای نماز گزار.

وقتی نماز گزاردی و نشستی، حمد و سپاس خدای را آنگونه که سزاوار اوست بگویی و سپس دعا کن! آنگاه آن مرد دیگری آمد و نماز گزارد و حمد خداوند را گفت و بر حضرت محمد صلی الله علیه وسلم درورد و صلوات فرستاد، پیامبر صلی الله علیه وسلم به او فرمود: «أَيُّهَا الْمَصْلِي! ادع تجب» یعنی: «ای نماز گزار! دعا کنکه اجابت می شوی.» [ابوداود و ترمذی و نسائی]

پافشاری و اصرار در دعا و تکرار سه باره‌ی آن:

عبد الله بن مسعود -رضی الله عنه- می گوید: وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم دعا می نمود، سه بار دعا می کرد و وقتی چیزی از خدا می خواست سه بار درخواست می نمود و پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمود: «يستجاب لأحدكم ما لم يعجل. يقول: قد دعوتُ ربي فلم يستجب لي» [متفق علیه] یعنی: «اجابت می شود برای یکی از شما تا مادامیکه شتاب نکند و بگوید به پروردگارم دعاء کردم و مرا اجابت نکرد.»

همچنین آن حضرت صلی الله علیه وسلم می فرماید: «لا يقولن أحدكم: اللَّهُمَّ اغفر لي إن شئت، اللَّهُمَّ ارحمني إن شئت. ليعزم المسألة فإنه لا مستكره له (أي يدعو الله وهو موثق أن الله سيقبل دعاءه. فالله هو القادر على كل شيء)» [متفق علیه] یعنی: «نباید بگویید: بارالها! مرا ببخش اگر خواستی، بر من رحم فرما اگر خواستی. باید سؤالتان را راسخ و مطمئن بیان دارید و مستکری (به زور به کاری وادارنده) برای او متصور نیست. (یعنی خداوند را بخواند و یقین داشته باشد که دعایش پذیرفته می شود، که خداوند بر هر چیز تواناست)»

سفیان بن عیینه -رحمه الله- می گوید: هیچ کس از دعا دست باز نکشد بخاطر آنچه در مورد خود می داند که خداوند دعای بدترین مخلوقاتش یعنی ابلیس را اجابت فرمود که گفت: ﴿رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٣٦﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٣٧﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ

الْمَعْلُومِ ﴿۳۸﴾ [الحجر: ۳۶-۳۸] یعنی: «گفت پروردگارا پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده. فرمود تو از مهلت یافتگانی. تا روز [و] وقت معلوم.»

دعا با صدای آرام و کوتاه:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً﴾ [الأعراف: ۵۵] یعنی: «پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید.»

پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم به اصحاب خویش هنگامی که صدای دعایشان را بلند نموده بودند، چنین فرمود: (إنکم لیس تدعون أصم ولا غائبًا، إنکم تدعون سمیعًا قریبًا، وهو معکم) [مسلم] یعنی: «همانا شما کر و غائبی را نمی‌خوانید، شما شنوا و نزدیکی را فرامی‌خوانید و او با شما است.»

دعاء با آنچه در قرآن و سنت آمده است:

بهتر است که در دعاهایمان ادعیهی بسیاری را که در قرآن کریم آمده است، بکار ببریم، مثل: ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۷] یعنی: «پروردگارا گناهان ما و زیاده‌روی ما در کارمان را بر ما ببخش و گام‌های ما را استوار دار و ما را بر گروه کافران یاری ده.» و: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱] یعنی: «پروردگارا در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار.»

همچنین با آنچه از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت گردیده است، مثل: (اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتَ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ، وَأَبُوءُ لَكَ بِذَنْبِي، فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ) [بخاری] یعنی: «پروردگارا! تو خدای منی، معبود بحق می‌جز تو نیست. مرا آفریدی و من

بندهء تو ام و بر عهد و پیمان تو بقدر توان ایستاده ام، از شر و زشتی آنچه انجام داده ام و بتو پناه می‌جویم، به نعمتت بر خویش و هم بر گناهم اعتراف دارم، پس مرا بیامرز، زیرا گناهان را جز تو نمی‌آمرزد.» و قوله: (اللهم إني أعوذ بك من الشقاق والنفاق وسوء الأخلاق) [نسائی] یعنی: «بار الها! از جدایی (انحراف از مسیر اسلام) و نفاق و بدی اخلاق به تو پناه می‌جویم.»

خود را وادار به بکار بردن عبارات موزون و مسجع در دعا نکنید:

در دعا کردن نباید خود را مکلف به بیان عبارات مسجع نمود؛ دعا جای تضرع و فروتنی و زاری است و تشریفات و ظاهرسازی با آن جور در نمی‌آید. ابن عباس -رضی الله عنه- می‌فرماید: (انظر السجع من الدعاء فاجتنبه؛ فإني عهدتُ رسول الله صلى الله عليه وسلم وأصحابه لا يفعلون إلا ذلك الاجتناب.) [بخاری] یعنی: «مراقب سجع و موزونی در دعا باش و از آن دوری‌گزین که من از رسول خدا صلی الله علیه وسلم و اصحابش جز همان دوری نمودن را ندیدم.» بعضی از بزرگان گفته‌اند: با زبان خواری و افتادگی و نیازمندی دعا کن و نه به زبان شیوایی و سخنوری.

ابتدا دعاء برای خویش و سپس برای دیگران:

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٠﴾﴾ [الحشر: ۱۰] یعنی: «پروردگارا بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند بیخشای و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ گونه] کینه‌ای مگذار پروردگارا راستی که تو رؤوف و مهربانی.»

پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام دعا برای کسی دعا می‌نمود ابتدا از خویشستن آغاز می‌فرمود. [ترمذی]

دعاء نکردن بر خویش و خانواده و یا اموال و فرزندان:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (لا تدعوا علی أنفسکم، ولا تدعوا علی اولادکم، ولا تدعوا علی أموالکم) [مسلم] یعنی: «بر نفس‌ها و بر اولاد و اموال خود دعای بد نکنید.»

دعاء پشت سر برادرت:

رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (دعوة المرء المسلم لأخيه بظهر الغيب مستجابة، عند رأسه ملك موكل، كلما دعا لأخيه بخير قال الملك الموكل به: آمين، ولك بمثل) [مسلم] یعنی: «دعای شخص مسلمان برای برادرش و در غیاب وی مستجاب است. در نزد سرش فرشته ای مؤظف است که هرگاه برای برادرش دعای خیر کند، فرشته‌ی مؤظف بدان می‌گوید: آمین و برای تو مانند آن باد.»

دعاء برای کسی که با شما نیکی کرده است:

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (من صنع إلیه معروفٌ فقال لفاعله: جزاك الله خيراً؛ فقد أبلغ في الثناء) [ترمذی و نسائی] یعنی: «کسیکه بوی نیکی شود و برای انجام دهنده‌ی آن بگوید، جزاک الله خیراً هر آئینه در دعاء مبالغه کرده است.» همچنین فرموده است: (ومن أتى إلیکم معروفًا فكافئوه) (أعطوه مكافأة) فإن لم تجدوا فادعوا له حتى تعلموا أن قد كافأتموه) [ابوداود و نسائی] یعنی: «و آنکه به شما احسانی نمود، او را مکافات دهید و اگر چیزی نیافتید که به وی مکافات دهید، به حق وی دعا کنید تا ببینید که شما مکافاتش را داده‌اید.»

طلب دعاء از انسان‌های صالح:

انسان مسلمان از برادران خود می‌خواهد تا برایش دعا کنند، بویژه از افراد صالح و درستکار. از حضرت عمر بن خطاب -رضی الله عنه- روایت است که: از پیامبر صلی الله

علیه وسلم برای بجا آوردن عمره کسب اجازه نمودم، ایشان اجازه داد و فرمود: (أخي، أشركنا في دعائك ولا تنسنا) یعنی: «برادرکم ما را در دعای خود شریک گردان و از دعایت فراموش مان مکن.» می‌گوید: کلمه‌ای گفت که شاد نمی‌شوم، اگر در برابر آن به من دنیا داده شود. [ترمذی و ابن ماجه]

دعای برای گناه و بریدن خویشاوندی نباشد:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (لا يزال يستجاب للعبد ما لم يدع أو قطيعة رحم) [مسلم] یعنی: «همیشه برای بنده اجابت می‌شود، تا به گناه و قطع صلعه رحم دعاء نکند، بشرطیکه شتاب و عجله ننماید.»

ذکر خداوند، اطاعت از اوامر او و انجام عمل صالح:

تقوی و اشتیاق به انجام طاعات، و دور گشتن از معاصی و منکرات، و شتافتن بسوی توبه از جمله عواملی هستند که دعا را به قبول نزدیک تر می‌سازند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٢٧﴾﴾ [المائدة: ۲۷] یعنی: «خدا فقط از تقوایندگان می‌پذیرد.»

از خداوند سبحان روایت شده که در یک حدیث قدسی می‌فرماید: (من شغله القرآن وذكرني عن مسألتي أعطيته أفضل ما أعطي السائلين) [ترمذی] یعنی: «کسی که خواندن قرآن او را از دعا و درخواست از من باز دارد، بهتر از آنچه به دعا کنندگان می‌دهم به او عطا می‌کنم.»

کوشش در کسب به رزق و روزی حلال:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: (أيها الناس، إن الله طيب لا يقبل إلا طيباً، وإن الله أمر المؤمنين بما أمر به المرسلين، فقال: ﴿يَتَأْتِيهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٥١﴾﴾ [المؤمنون: ۵۱] وقال تعالى: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُّوا مِن

طَيَّبَتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ﴿البقرة: ۱۷۲﴾ ثم ذكر الرجل يطيل السفر؛ أشعث أغبر (طويل الشعر، غير نظيف الوجه) يمد يديه إلى السماء: يا رب..يا رب، ومطعمه حرام، ومشربه حرام، وملبسه حرام وغُدِّي بالحرام، فأني (فكيف) يستجاب لذلك [مسلم] يعني: «ای مردم خداوند تعالی پاکیزه است و بجز پاکیزه را نمی پذیرد و خداوند مؤمنان را مانند فرستادگانش مأمور ساخته است.

خداوند تعالی فرمود: ای مؤمنان بخورید و بنوشید از چیزهای پاکیزه که بشما روزی داده ایم.

باز مردی را یاد نمود که سفرش را دراز نموده غبار آلوده و پراکنده موی است و دستهایش را به آسمان بلند کرده می گوید: پروردگارم، پروردگارم، در حالیکه خوردنی اش حرام و آشامیدنی اش حرام بوده و پوشیدنی اش حرام بوده و به حرام تغذیه شده است، پس چگونه دعای همچو شخصی پذیرفته می شود.»

از ابراهیم ادهم -رحمه الله- پرسیدند: ما را چه شده که هرچه دعا می کنیم اجابت نمی شود؟

گفت: چون قلب های شما بخاطر ده چیز مرده است: ۱. خدا را شناختید و فرمانش نبردید. ۲. پیامبر را شناختید و از سنت او پیروی ننمودید. ۳. قرآن را شناختید و به آن عمل نکردید. ۴. از نعمت های خداوند خوردید و شکر آن بجای نیاوردید. ۵. بهشت را شناختید و در جستجویش نیافتادید. ۶. دوزخ را شناختید و از آن نگریختید. ۷. شیطان را شناختید و با او مبارزه نکردید. ۸. مرگ را شناختید و برای آن آمادگی حاصل ننمودید. ۹. مردگانتان را بخاک سپردید و از آن عبرت نگرفتید. ۱۰. از خواب برخاستید و در عیب های دیگران سرگرم شده و عیب های خود را وانهادید.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب ذکر

روزی پیامبر صلی الله علیه وسلم از کنار جمعی از اصحاب رد می‌شد، به آن‌ها فرمود: (ما أجلسکم؟) یعنی: «برای چه منظوری نشستهاید؟» گفتند: نشستهایم تا خداوند را ذکر نموده و بخاطر هدایت ما به دین اسلام و منتهایی که بر ما نهاده است او را سپاس بگوییم. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: (الله ما أجلسکم إلا ذلك؟) یعنی: «به خداوند قسم می‌خورید که جز آن برای چیزی دیگر نشستهاید؟» گفتند: سوگند به خدا که جز آن برای چیز دیگری نشستهایم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (أما إني لم أستحلفکم تهمة لکم، ولكنه أتاني جبریل فأخبرني أن الله - عز وجل - يباهي بکم الملائكة) یعنی: «بدانید که من برای آن شما را قسم ندادم که به شما بدگمان بوده‌ام. بلکه جبرئیل نزد من آمد و مرا آگاه ساخت که خداوند عزوجل بخاطر شما بر ملائکه مباحثات می‌کند.» [مسلم].

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (إن لله - تبارک وتعالی - ملائكة سیارة فُضلاً (أي: مخصصون لمجالس الذكر) يتبعون مجالس الذكر (أي يبحثون عنها) فإذا وجدوا مجلساً فيه ذُکرٌ قعدوا معهم، وحفَّ بعضهم بعضاً بأجنتهم حتى يملئوا ما بينهم وبين السماء الدنيا، فإذا تفرَّقوا عرجوا وصعدوا إلى السماء، فيسألهم الله - عز وجل - وهو أعلم بهم: من أين جئتم؟ فيقولون: جئنا من عند عبادك في الأرض، يسبحونك، ويكبرونك، ويهللونك، ويمجدونك، ويسألونك، قال: وماذا يسألوني؟ قالوا: يسألونك جنتك. قال: وهل رأوا جنتي؟ قالوا: لا، أي رب. قال: فكيف لو رأوا جنتي؟ قالوا: ويستجبرونك، قال: ومم يستجبروني؟ قالوا: من نارك يا رب. قال: وهل رأوا ناري؟ قالوا: لا. قال: فكيف لو رأوا ناري؟ قالوا: ويستغفرونك. فيقول: قد غفرتُ لهم فأعطيْتهم ما سألوا وأجرْتهم مما استجاروا.

فَيَقُولُونَ: رَبِّ، فِيهِمْ فَلَانُ عَبْدٌ خَطَّاءٌ، إِنَّمَا مَرَّ فِجْلَسَ مَعَهُمْ! فَيَقُولُ: وَلَهُ غَفْرَتٌ. هُمُ الْقَوْمُ لَا يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ) [مسلم]

یعنی: «برای خداوند فرشتگانی است که در راهها در پی اهل ذکر می‌گردند و چون گروهی را ببینند که به ذکر خدا مشغول هستند، همدیگر را صدا می‌کنند که بشتابید به آنچه که نیازمند بودید و آنها را به بالهای خود تا آسمان دنیا بدرقه می‌کنند و پروردگارشان از آنها سؤال می‌کند در حالیکه داناتر است: بندگانم چه می‌گویند؟ فرمود: فرشتگان می‌گویند: تسبیح و تکبیر و حمد تو را گویند و تو را به بزرگی یاد کنند.

می‌فرماید: آیا مرا دیده‌اند؟

می‌گویند: نه، والله تو را ندیده‌اند.

می‌فرماید: چگونه است، اگر مرا ببینند؟

می‌گویند: اگر تو را دیده بودند، بیشتر برای عبادت نموده و فزونتر تو را به بزرگی یاد نموده زیاد تسبیح تو را می‌گفتند.

باز می‌فرماید: چه می‌خواهند؟

فرمود: می‌گویند: از تو بهشت می‌خواهند.

فرمود: می‌فرماید: آیا آن را دیده‌اند؟

فرمود: می‌گویند: خیر، والله یا رب آن را ندیده‌اند.

فرمود: می‌فرماید: چگونه است اگر آن را ببینند؟

فرمود: می‌گویند: اگر آن را دیده بودند، بیشتر بدان حرص ورزیده و بیشتر بدان میل نموده و سخت تر در پی بدست آوردن آن تلاش می‌کردند.

فرمود: از چه پناه می‌جستند؟

فرمود: می‌گویند: از دوزخ پناه می‌جویند.

فرمود: می‌فرماید: آیا آن را دیده‌اند؟

فرمود: می‌گویند: اگر آن را ببینند از آن بیشتر ترسیده و فرار می‌نمایند.
 فرمود: پس می‌فرماید: پس من شما را شاهد می‌گیرم که برای شان آمرزیدم.
 فرمود: فرشته‌ای از فرشتگان می‌گوید: در ایشان فلانی است که از آنها نیست و برای
 ضرورتی آمده.

فرمود: آنها همنشینان‌اند و همنشین شان به ایشان بدبخت نمی‌شود.»
 ذکر یعنی آنچه که از تسبیح و ستایش پروردگار متعال بر قلب و زبان جاری می‌شود،
 و با صفات کمال و جمال وصفش می‌نماید، خداوند متعال بیان می‌دارد که ذکر دارای
 فضایل بسیاری است، که با آن نفس‌ها روشن و قلب‌ها آرام می‌گیرند، خداوند متعال در
 این باره می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ
 ﴿۲۸﴾ [الرعد: ۲۸] یعنی: «همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام
 می‌گیرد آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.»

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (يقول الله - عز وجل - : أنا عند ظن عبدي بي، وأنا
 معه حين يذكرني.. إن ذكرني في نفسه ذكرته في نفسي، وإن ذكرني في ملأٍ ذكرته في ملأٍ خير
 منهم) [مسلم] یعنی: «من در نزد گمان بنده ام به خویش می‌باشم، و من با وی هستم
 چون مرا یاد کند، اگر مرا در پنهانی یاد کند، او را در پنهانی یاد کنم و اگر مرا در میان
 جمعی یاد کند، او را در میان گروهی یاد کنم که از آن گروه بهتر است.»

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (سبق المفردون). قالوا: وما المفردون يا رسول
 الله؟ قال: (الذاكرون الله كثيراً) [مسلم] یعنی: «سبقت گرفتند مُفَرِّدُونَ!
 گفتند: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم مفردون کیانند؟
 فرمود: مردان و زنانیکه خداوند را زیاد یاد می‌کنند.»

فرد مسلمان همواره، در حال ایستاده و در حالی که بر پهلو دراز کشیده، بر ذکر
 پروردگارش مداومت دارد. او به خاطر ذکر می‌کند، به پاداش خداوند متعال چشم

دارد، و اینکه خداوند سبحان نام او را در ملاء اعلا بیاورد. خداوند می‌فرماید: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾ [البقرة: ۱۵۲] یعنی: «پس مرا یاد کنید [تا] شما را یاد کنم.»
فرد مسلمان باید هنگام ذکر خداوند آدابی را رعایت نماید، از جمله:

ذکر در خانه‌ی خدا:

مجالس ذکر فضیلت و ارج بسیار داشته و دارای اجر فراوانی می‌باشند. خداوند سبحان به خاطر آن در نزد فرشتگانش فخر نموده و بر آن مجالس رحمت و آرامش نازل می‌نماید. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند:

(... وما اجتمع قوم في بيت من بيوت الله، يتلون كتاب الله ويتدارسونه بينهم، إلا نزلت عليهم السكينة، وغشيتهم الرحمة وحفَّتْهم الملائكة، وذكرهم الله فيمن عنده) [مسلم] یعنی: «گرد نمی‌آید گروهی در خانه‌ای از خانه‌های خدا، که کتاب خدا را تلاوت نموده، و یا هم به شکل درس تکرار کنند، مگر اینکه حالت اطمینان قلب به آن‌ها دست داده و رحمت شامل حالشان شده، و ملائکه ایشان را احاطه می‌کنند، و خداوند آن‌ها را در نزد کسانی که نزد اویند یاد می‌کند.»

پایبندی به برترین ذکر:

برترین ذکرها تلاوت و قرائت قرآن کریم، سپس تسبیح (سبحان الله) و تحمید (الحمد لله) و تکبیر (الله أكبر) و تهلیل (لا إله إلا الله) و دو حول (لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم) می‌باشد. به این ترتیب شایسته است که فرد مسلمان بر ذکر خداوند با کلامی پاک و سودمند مداوم داشته باشد.

پاکی و طهارت:

فرد مسلمان باید بدنش تمیز بوده، قلبش به هنگام ذکر پروردگار سبحان پاک و بی‌آلایش باشد. باوجود اینکه ذکر خدا در هر حالی و حتی در حالت عدم طهارت جایز

می‌باشد، ولی ذکر خداوند در حالت طهارت اجر و پاداش بزرگی را شامل حال فرد می‌گرداند.

آرامش و خضوع:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٦٠﴾﴾ [الأنفال: ٢] یعنی: «مؤمنان همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند.» خداوند متعال از بندگانش می‌خواهد که در هنگام ذکر قلب‌هایشان خاشع و چشمانشان اشک ریزان باشد، و از آن‌هایی نباشد که تنها عبارتی را بر زبان جاری می‌سازند بدون آنکه در قلبش اثری به جای بگذارد.

رو به قبله داشتن:

بدینصورت امید و انتظار بیشتری هست که خداوند ذکر را قبول فرماید و گرچه در هر حالت چیزی مانع ذکر خداوند نیست.

ذکر خداوند در هر وقت:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ ﴿٤١﴾﴾ [آل عمران: ٤١] یعنی: «و پروردگارت را بسیار یاد کن و شبانگاه و بامدادان [او را] تسبیح گوی.» و باز می‌فرماید: ﴿وَأذْكُرْ أَسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٢٥﴾﴾ [الإنسان: ٢٥] یعنی: «و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان یاد کن.» پیامبر خدا، حضرت ادريس عليه السلام، خیاطی می‌کرد، و در هر بار فروبردن و بیرون آوردن سوزن خداوند را ذکر کرده و (سبحان الله) می‌گفت.

ذکر پروردگار به هنگام خوشی و ناخوشی:

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ، إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ وَلَيْسَ ذَاكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ، إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَّاءٌ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَّاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ) [مسلم] یعنی: «کار مسلمان انسان را به شگفتی و تعجب وا میدارد. زیرا همه‌ی کارش برای او خیر است، و این امر برای هیچکس جز مسلمان ممکن نیست. اگر به وی فراخی و آسانی روی دهد شکر کند، برایش خیر است، و اگر به او سختی برسد هم صبر کند برایش خیر است.»

وقتی که حضرت یونس -علیه السلام- در شکم تاریک ماهی به مدت طولانی ماندگار شد در آن مدت بر ذکر الله سبحان مداومت می‌کرد و می‌گفت: ﴿أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۷] یعنی: «که معبودی جز تو نیست منزهی تو راستی که من از ستمکاران بودم.»

پرهیز از ذکر خداوند در مکان‌های ناپاک و نجس:

فرد مسلمان در دستشویی نباید ذکر نماید چرا که آنجا مکان و ماوای شیاطین و جایگاه نجاست می‌باشد.

استفاده از ذکرهای ماثوره و اذکار گرد آوری شده: المسلم یقتدی برسول الله صلی الله علیه وسلم فی کل أحواله، ویلتزم بما ورد عنه صلی الله علیه وسلم من أذکار وأدعیه، مسلمان در هر حالی به پیامبر صلی الله علیه وسلم اقتدا نموده، از اذکار و دعاهایی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل شده‌اند بهره می‌گیرد که آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: (ما أمرتکم به فخذوه، وما نهیتکم عنه فانتهوا) [ابن ماجه] یعنی: «و آنچه به شما امر نمودم را بگیرید و از آنچه شما را بازداشتیم بازایستید.» از کارهای بدعت و منکری که مردم انجام می‌دهند، دوری کند چرا که با ذکر خداوند هم خوانی ندارد.

از جمله ذکرهایی که مسلمان باید بر آن پایبند باشد:

دعای ورود به بازار:

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (من دخل السوق، فقال: لا إله إلا الله. وحده لا شريك له. له الملك وله الحمد. يحيي ويميت، وهو حي لا يموت. بيده الخير، وهو على كل شيء قدير. كتب الله له ألف ألف حسنة، ومحاه عنه ألف ألف سيئة، ورفَّع له ألف ألف درجة) [ترمذی] یعنی: «هنگام وارد شدن به بازار، بگوید: لا إله إلا الله. وحده لا شريك له... خداوند متعال برایش یک میلیون نیکی مکتوب می‌فرماید و یک میلیون گناه معاف می‌فرماید و یک میلیون درجه به او عطا می‌فرماید و برای او خانه ای در بهشت می‌سازد.»

به وقت خواب:

(باسمك اللهم أحيأ وأموت) [بخاری] یعنی: «الهی! با نام تو می‌میرم و زنده می‌گردم.» به وقت بیدار شدن بگوید: (الحمد لله الذي أحيانا بعدما أماتنا وإليه النشور) [بخاری] یعنی: «تمام ستایش‌ها مخصوص خداوند است، او که ما را بعد از مرگ زنده کرد و بازگشت به سوی اوست.»

به هنگام داخل شدن به دستشویی با پای چپ وارد شود و بگوید:

(باسم الله، اللهم إني أعوذ بك من الخُبث والخبائث) [بخاری] یعنی: «به نام خدا، الهی! از جن‌های خبیث اعم از مرد و زن به تو پناه می‌برم.» با پای راست از آنجا خارج شود، سپس بگوید: (غفرانك). [مسلم] یعنی: «آمرزشی از جانب تو!»

به وقت وضوء بگوید:

(باسم الله): «به نام خدا» و بعد از وضوء: (أشهد ألا إله إلا الله. وحده لا شريك له. وأشهد أن محمداً عبده ورسوله) [مسلم] یعنی: «گواهی می‌دهم که بی‌شک هیچ معبودی جز خداوند تنها و بی‌انباز نیست و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی اوست.»

وقتی که لباس تازه می‌پوشد:

(اللَّهُمَّ لك الحمد، أنت كسوتني، أسألك خيره وخير ما صنع له، وأعوذ بك من شره وشر ما صنع له) [ابوداود و ترمذی] یعنی: «الهی! ستایش بری تو است، توئی که این لباس را به من پوشاندی. از تو می‌خواهم خیر آن را و خیر آنچه را برای آن ساخته شده و به تو پناه می‌برم از بدی آن و بدی آنچه برای آن ساخته شده است.»

به هنگام رفتن به مسجد:

(بسم الله، اللَّهُمَّ اجعل في قلبي نوراً، وفي لساني نوراً واجعل في سمعي نوراً، واجعل في بصري نوراً، واجعل من خلفي نوراً، ومن أمامي نوراً، واجعل من فوقي نوراً، ومن تحتي نوراً. اللَّهُمَّ أعطني نوراً) [مسلم] یعنی: «به نام خدا، الهی! در قلب و زبان من نور قرار بده، الهی گوش و چشم مرا منور گردان، الهی! پشت سر و جلوی من نور قرار بده. بار الها! از بالا و پائین به من نور عنایت فرما، الهی! به من نور کامل عطا کن.»

وقتی که داخل و یا از مسجد خارج می‌شود:

مسلمان با پای راست داخل مسجد شده و بر پیامبر صلی الله علیه وسلم صلوات می‌فرستد، سپس می‌گوید: (اللَّهُمَّ افتح لي أبواب رحمتك) یعنی: «الهی! درهای رحمت خود را بر من بگشای.» و به هنگام خارج شدن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم صلوات می‌فرستد و سپس می‌گوید: (اللَّهُمَّ إني أسألك من فضلك) یعنی: «الهی! از تو فضل تو را مسئلت می‌نمایم.» [مسلم و ابوداود]

به وقت غذا خوردن:

(اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي مَا رَزَقْتَنَا، وَقْنَا عَذَابَ النَّارِ. بِاسْمِ اللَّهِ) [ابن سنی] یعنی: «الهی! در آنچه به ما ارزانی داشتی برکت بده و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار. به نام خدا.»

و بر مسلمان لازم است که اذکار صبح و شب را فراموش نکند و به پیامبر صلی الله علیه وسلم اقتدا نماید، به همین سبب فرد مسلمان همواره در حال ذکر و یاد پروردگار خویش و با قلب خود شب و روز با او در ارتباط می‌باشد. خداوند بنده ای را که دائماً او را ذکر می‌نماید، یاد می‌کند، و هر کس خداوند را در میان جمع یاد کند، خداوند نیز او را در جمعی بهتر از آن یاد می‌کند، گناهان او را می‌آمرزد و او را از خطا و اشتباه پاک می‌دارد.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب ورزش

در غزوه‌ی أحد (سَمْرَه بن جُنْدُب) و (رافع بن خَدِيج)، که سن شان از پانزده سال تجاوز نمی‌کرد، نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم رفتند تا به آنان اجازه دهد تا در نبرد به صف مسلمانان بپیوندند. رسول خدا صلی الله علیه وسلم تقاضایشان را رد کرد و با مشارکت آن دو در نبرد موافقت ننمود. به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفتند: رافع تیرانداز ماهری است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم، بعد از آنکه او را آزمود، با شرکت او موافقت کرد. این اتفاق سمره را به شدت به سر غیرت آورده و اشتیاق جهادش را بیشتر نمود. سمره نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم رفت و از ایشان خواست تا مانند رافع به او نیز اجازه‌ی پیوستن به صف لشکر مسلمانان داده شود، و گفت: من رافع را در تیراندازی می‌برم. آن دو مسابقه دادند و سمره برنده شد. رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز موافقت نمود که هر دو در صفوف مسلمانان در نبرد احد شرکت جویند.

فرد مسلمان سعی دارد که بنیه‌ی جسمی نیرومندی داشته باشد و برای رسیدن به توانمندی جسمی باید تمرینات ورزشی انجام دهد. رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (المؤمن القوي خير وأحب إلى الله من المؤمن الضعيف، وفي كل خير) یعنی: «در نزد خدا مؤمن قوی و نیرومند از مؤمن ضعیف بهتر و محبوب تر است، و در هر کدام شان خیر وجود دارد.» [مسلم و ابن ماجه]

حضرت عمر بن خطاب -رضی الله عنه- می‌فرماید: به فرزندانتان شناسا، تیراندازی و اسب سواری بیاموزید.

ورزش دارای فواید بسیاری است؛ سرعت گردش خون را بالا می‌برد، در نتیجه درصد بیشتری اکسیژن به بدن می‌رسد، سینه و شش‌ها را فراخ نموده و فرد را از بیماری‌های

ریوی محفوظ داشته و در رشد و نیرومند ساختن جسم به او کمک می‌کند. گذشته از این‌ها تاثیرات مثبت فراوانی بر رفتار و تفکر انسان داشته و باعث ایجاد عادات زیبا و پسندیده در وجود فرد شده و اراده و همت بالا را در وی برانگیخته و عقل انسان را بالنده می‌سازد. چنانچه گفته‌اند: عقل سالم در بدن سالم.

از جمله آداب ورزش جسمانی:

در نظر داشتن نیت:

انسان مسلمان در هرکاری نیتش را در خاطر مهیا کرده و در تمرینات ورزشی نیز نیت نیرو یافتن برای طاعت پروردگارش و کمر همت بستن به وظایف اجتماعی را در خاطر آورده و آن را وسیله ای برای جلوه گری و فخرفروشی و خودنمایی بین دیگران نمی‌داند. پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ) یعنی: «همانا ثواب اعمال به نیت بستگی دارد.» [متفق علیه]

مراعات سن و سال:

برای هر سن و سال ورزش متناسب آن وجود دارد. مثلاً برای کودکان ورزش‌های سخت و سنگین مناسبی ندارد.

اجتناب از حرام:

انسان مسلمان به ورزش‌هایی می‌پردازد که برای جسم و ذهن او سودمند باشند. بهترین ورزش‌ها همان‌هایی هستند که در احادیث آمده و ورزش‌هایی مانند آن‌ها مانند: تیراندازی، اسب سواری شنا، دو و میدانی و ورزش‌های قدرتی. اما اگر ورزش حرامی مانند مسابقات شرط بندی باشد باید انسان مسلمان خود را از آن کنار بکشد. انسان مسلمان از هر چیزی که رنگ شبهه داشته باشد کارهایی که تنها نتیجه‌اش به هدر دادن وقت بوده و فایده‌ای از آن عاید نمی‌شود، اجتناب می‌کند.

تنظیم وقت:

زمانبندی اهمیت ویژه‌ای در زندگی انسان دارد. برای مطالعه و کار و ورزش هرکدام زمان ویژه‌ای را اختصاص داده و زمان خواب و استراحت هم در نظر گرفته می‌شود و هیچکدام وقت دیگری را نمی‌گیرد. ورزش کردن بطور متوسط و منظم جسم را نیرومند می‌سازد و بالعکس زیاده روی در آن، خستگی و بی‌طاقتی را در پی دارد.

انتخاب مکان مناسب:

بہتر است که ورزش در مکانی وسیع و پاک مانند باشگاه‌ها، حیاط مدرسه و پارک‌ها صورت گیرد که هوای پاک به اندازه‌ی کافی در آن جا یافت می‌شود.

دوری از اختلاط:

دختران و پسران با هم تمرین ورزشی نمی‌کنند و این عمل مخالف شرع می‌باشد و فرد مسلمان باید از کودکی از هرآنچه منجر به بروز فتنه و تحریک شهوت آدمی می‌گردد دوری گزیند.

توجه و اهمیت دادن به همبازی‌ها:

از انجام کاری که به آنان آسیب برساند خودداری می‌کنیم. ورزش فرصتی است تا در آن اخلاق، ادب و دوستی با همبازی‌ها مشق و تمرین شود.

دوری از تعصب و هواداری:

هدف از ورزش تقویت جسم فرد و گسترش محبت و دوستی میان مردم می‌باشد، ولی زمانیکه ورزش به آنان را سرگرم هواداری از این تیم و آن تیم نمود میان آنان مشاجره و دشمنی پدید می‌آید. لذا مسلمان باید از این گونه ورزش‌ها دوری نماید.

پوشاندن عورت:

باید که مسلمان در تمرینات ورزشی از پوشیدن لباس مخالف شرع و دین خودداری کند و پایبند به پوششی باشد که عورت و بدنش را بپوشاند. همینطور برای بانوان جایز نیست که در طول تمرینات بخشی از بدنشان را برهنه نمایند.

فرد را از عبادت باز ندارد:

ورزش نباید در زمان‌های عبادت (مثلاً نماز) صورت گیرد تا آنکه باعث به تاخیر افتادن آن نگردد. همچنین در ماه مبارک رمضان به خاطر ورزش نمی‌توان روزه را خورد.

دور نشدن از تحصیل علم:

مسلمان به فراگیری دانش اهمیت ویژه‌ای داده و اشتیاق بسیاری برای یادگیری دارد. بنابراین می‌کوشد تا ورزش او را از درس و تحصیل باز نداشته و برعکس از آن به عنوان ابزاری برای موفقیت در این زمینه بهره بگیرد.

پایداری و مداومت:

بهترین کارها پیوسته‌ترین شان است اگرچه اندک باشد. فواید ورزش منظم و مرتب چنین است: دوری از احساس کسالت و خستگی و بی‌زاری، نیرومند ساختن جسم برای آنکه دچار مشکل نشود.

اخلاق نیکو:

مسلمان هنگام بازی با اخلاق زیبای خود رفتار نموده و از دشنام دادن و بدزبانی اجتناب می‌نماید. همچنین شکیبایی و بردباری پیشه کرده و به همبازی‌هایش احترام می‌گذارد.

تناسب رشته‌ی ورزشی با جنسیت افراد:

زن مسلمان به رشته‌های ورزشی سنگین و دشوار همچون وزنه برداری، کاراته یا بوکس و...، که با زن بودن وی در تعارض است، روی نمی‌آورد. همچنین مطابق تعالیم گهربار دین اسلام، زن مسلمان، برای صیانت و جلوگیری از انگیختن شهوت دیگران، در حضور آقایان تمرین نمی‌کند.

اسلام بر اینکه مردم جسم نیرومندی داشته باشند تاکید دارد. چنین فردی عضو مفید و مؤثری از جامعه‌ی اسلامی خواهد بود. از جمله ویژگی‌های مسلمانان این موارد می‌باشد: ﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ [الفتح: ۲۹] یعنی: «بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند.»

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب دید و بازدید

پیامبر صلی الله علیه وسلم برای اصحابش تعریف می‌کند که مردی برای مسافرت به دهکده ای دیگر و دیدار دوستش در آنجا از دهکده‌اش خارج شد. خداوند متعال فرشته ای را سر راه او فرستاد. وقتی آن مرد از آن جا رد می‌شد، فرشته به او گفت: کجا می‌روی؟ گفت: مقصدم دیدار دوستی در این دهکده است. فرشته گفت: آیا حقی بر گردن او داری و می‌خواهی به آن رسیدگی کنی؟ گفت: نه جز اینکه من بخاطر خدا او را دوست می‌دارم.

گفت: من فرستاده‌ی خدا بسوی تو هستم، بر اینکه خداوند تو را دوست می‌دارد مثل آنکه تو او را برای خداوند دوست می‌داری. [مسلم]

دیدار از دوستان از وظایف مهم مسلمانان می‌باشد، مخصوصاً در مناسبات شادی و اندوه. در همین باره رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: (مثل المؤمنین فی توأدهم وتراحمهم وتعاطفهم مثل الجسد؛ إذا اشتکی منه عضوٌ تداعی له سائر الجسد بالحی والسهر) یعنی: «مثل مسلمان‌ها در محبت و رحمت و مهربانی شان به همدیگر مانند یک جسد است، که هرگاه عضوی از آن بدرداید، دیگر اعضای جسد در تب و بیدار خوابی با آن همراهی می‌کنند.» [متفق علیه]

در هر مناسبت آدابی ویژه برای دید و بازدید وجود دارد که رعایت آن برای هر مسلمانی اهمیت دارد که از این قرار می‌باشند:

دیدار مبارکباد و تهنیت:

خداوند متعال توبه‌ی صحابی جلیل القدر کعب بن مالک و دو دوستش، هلال بن امیه و مراره بن ربیع، را قبول فرمود؛ آنگاه که بدون عذر موجه از خارج شدن با دیگر

مسلمانان برای غزوه‌ی تبوک علیه کشور روم تخلف نموده و برجای ماندند. آنگاه وقتی آیات قرآن کریم در مورد توبه‌ی ایشان نازل گشت مردی به سوی کعب شتافت تا به او مژده دهد و صدایش زد: ای کعب بن مالک مژده باد تو را!

کعب به سرعت بیرون آمد و رو به مسجد و سوی رسول الله صلی الله علیه وسلم کرد. طلحه بن عبید الله -رضی الله عنه- برخاست و به سوی او شتافت تا با او دست داده و به او بخاطر قبول توبه‌اش را از جانب خداوند تبریک بگوید، وقتی کعب به خدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم رسید، آن حضرت به او تبریک گفته و اینگونه مژده‌اش داد: (أبشر بخیر یوم مرَّ علیک منذ ولدتک أمک) یعنی: «مژده باد تو را به بهترین روزی که از آن روز که مادرت تو را زاییده است بر تو گذشته.» [بخاری]

مسلمان هنگامی که خیر و نیکی به دوستش می‌رسد؛ به عنوان مثال در ازدواج، ولادت فرزند، موفقیت، سود و منفعت، برنده شدن، نجات از یک ضرر، بازگشت کسی پس از غیبت طولانی یا اتفاقاتی از این دست به دیدن او رفته و به او تبریک بگوید. در هنگام دیدار جهت گفتن تبریک و تهنیت، انسان مسلمان خود را به این آداب آراسته می‌کند:

ابراز سرور و شادمانی:

حتی اگر فرد دچار حزن و اندوه باشد، شایسته است که برای سهیم شدن در شادی دوستش ابراز شادمانی کند.

دست دادن و معانقه:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (تصافحوا ینذهب الغلُّ) یعنی: «با هم دست دهید، تا کینه‌ها برطرف شوند.» [مالک]

آماده ساختن هدیه‌ای در حد توان:

یکی از بهترین شیوه‌های ابراز محبت و شادمانی هدیه دادن می‌باشد. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (تهادوا تحابُّوا) یعنی: «به همدیگر هدیه دهید تا همدیگر را دوست داشته باشید.» [مالک] و پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (تهادوا فإن الهدية تذهب وَحَرَ الصدر (الحقد والغیظ والغضب والعداوة) یعنی: «به همدیگر هدیه بدهید که هدیه کینه و دلخوری‌ها را می‌زداید.» [ترمذی و احمد]

گفتن جملات مبارک باد و تهنیت:

اگر تبریک به خاطر تولد فرزند باشد، بگوید: (أنبته الله نبأً حسناً) یعنی: «خداوند او را به نیکویی پروراند.» یا بگوید: (بُورِكَ لك في الموهوب، وشكرت الواهب، ورزقت برّه، وبلّغ أشده) یعنی: «برای تو در این عطا و بخشش برکت باد، و از بخشنده‌ی آن سپاس‌گزار، فرمانبری فرزندت نصیب شود، و برومند گردد.»

برای تبریک ازدواج:

(بارك الله لك، وبارك عليك، وجمع بینكما في خير) یعنی: «خداوند به شما برکت عنایت فرماید و پیوندتان را مبارک و باعث خیر بگرداند.» [ترمذی]

برای تبریک پوشیدن لباس نو:

(تُبِّلَ وِیُخْلَفُ اللهُ. والبسُ جدیدًا، وعش حمیدًا، ومت شهیدًا) یعنی: «آنقدر بپوشی تا کهنه گردد و خداوند دیگری را به جای آن به تو عطا کند، لباس نو بپوشی، و خوشنام و عاقبت بخیر بزی، و مردنت با شهادت باشد.»

برای تبریک اعیاد:

(تقبل الله منا ومنك) یعنی: «خداوند از ما و شما قبول کند.»

دیدار تعزیه و همدردی:

حضرت جعفر بن ابی طالب -رضی الله عنه- شهید شد و پیامبر صلی الله علیه وسلم از قضیه باخبر شد و به منزل جعفر تشریف برد و فرزندانش خردسالش را گرد آورد و آنان را بوسید. اسماء همسر جعفر بن ابی طالب پرسید: یا رسول الله، آیا خبری از جعفر به شما رسیده است؟ فرمود: آری. امروز کشته شد. اسماء شروع به گریستن نمود و پیامبر صلی الله علیه وسلم او را آرام ساخت و به منزل خویش بازگشت و فرمود: (اصنعوا لأهل جعفر طعاماً، فإنه قد جاءهم ما يشغلهم) یعنی: «برای خانواده‌ی جعفر غذا بپزید، که برایشان حادثه‌ای پیش آمده که مشغولشان ساخته است.» [ترمذی]

تعزیت برای تسکین آلام و دردهای فرد مصیبت دیده و فرونشاندن ترس و هراس فرد و آرام ساختن اندوه و بی‌قرای وی می‌باشد. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (من عَزَى مَصَابًا فَلَهُ مِثْلُ أُجْرِهِ) یعنی: «آنکه مصیبت دیده‌ای را تعزیت گوید پاداشی به اندازه‌ی او برای اوست.» [ترمذی وابن ماجه]

پیامبر صلی الله علیه وسلم روزی به اصحابش فرمود: (ما تعدون الرقوب فيكم؟) یعنی: «رقوب (چشم انتظار) را در میان تان چه می‌شمارید؟» گفتند: آنکه او را فرزندی نیاید. فرمود: (ليس ذلك بالرقوب، ولكنه الرجل الذي لم يقدم من ولده شيئاً) (أي لم يمته أحد أبنائه) یعنی: «آن رقوب نیست. بلکه مردی است که از فرزندانش هیچکدام پیش نیافتاده‌اند. (یعنی هیچکدام از فرزندانش فوت نکرده‌اند).» [مسلم]

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: (من قدم ثلاثة من الولد لم يبلغوا الحنث (أي: لم يبلغوا الحلم) كانوا له حصناً حصيناً من النار) یعنی: «هرکه از او سه فرزند بمیرد که بالغ نشده باشند، برای او دژی مستحکم در برابر آتش دوزخ هستند.» در این موقع حضرت ابوذر -رضی الله عنه- گفت: من دو (فرزند) پیش فرستادم. پیامبر صلی الله

علیه وسلم فرمود: (واثنین) یعنی: «و دو تا» اُبی بن کعب -سید القراء- گفت: من یکی را پیش فرستاده‌ام. فرمود: (وواحدًا) یعنی: «و یکی». [ابن ماجه]
 آداب ویژه‌ی تعزیه و همدردی که بر هر مسلمانی رعایت آن لازم می‌باشد:

مشارکت:

به محض اینکه فرد از وفات کسی از نزدیکان، همسایگان یا دوستانش آگاه شد، بر او واجب است که به دیدار آنان برای تعزیت گفتن و شرکت نمودن در تشییع جنازه برود. تا مطابق فرمایش پیامبر صلی الله علیه وسلم عمل نماید که فرموده است: (حق المسلم علی المسلم خمس: رد السلام، وعیادة المریض، واتباع الجنائز، وإجابة الدعوة، وتشمیت العاطس) یعنی: «حق مسلمان بر مسلمان پنج چیز است: جواب سلام، عیادت مریض، رفتن بدنبال جنازه، قبول کردن دعوت، دعا برای عطسه زننده.» [متفق علیه]

فرصت سه روزه:

چنانچه گرفتاری و مشکلی باعث شد نتواند در نخستین ساعات این سه تعزیت بگوید، باید در عرض سه روز این کار را انجام داده و بهتر است شخصاً به نزد فرد مصیبت دیده رفته و جز در شرایط ضروری به تلگرام یا تلفن اکتفا ننماید.

تهیه‌ی غذا:

مستحب است که نزدیکان و دوستان فرد برای خانواده‌ی متوفی غذا درست کنند، چرا که مشغول گشتن آنان به مصیبتی که دچار شده‌اند آن‌ها را از فراهم نمودن غذا بازمی‌دارد. همانطور که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: (اصنعوا لأهل جعفر طعاماً فإنه قد جاءهم ما يشغلهم) یعنی: «برای خانواده‌ی جعفر غذا بپزید، که برایشان حادثه‌ای پیش آمده که مشغولشان ساخته است.» [ترمذی]

تعزیه‌ی زنان:

بانوان محجوب بگونه‌ای که زینت خود را نمایان نساخته و رفتارهای خلاف شرع؛ مانند چاک نمودن پیراهن، خراشیدن گونه و صورت و ناله و زاری با صدای بلند، از آنان دیده نشود می‌توانند برای تعزیت خارج شوند. تمام این کارها باعث خشم پروردگار سبحان گشته و سبب آزار میت در قبرش خواهد شد چنانچه خودش بدان وصیت کرده باشد.

نشستن برای عزا:

خانواده‌ی متوفی نباید در خیمه‌ها از کسانی که به تعزیت آنان می‌آیند استقبال نمایند. این‌ها از جمله بدعت‌هایی هستند که مورد تایید دین اسلام نمی‌باشد. صحابه -رضوان الله علیهم- در حین تشییع جنازه در قبرستان یا هنگامی که با فرد مصیبت دیده در راه برخورد می‌کردند و یا در مسجد، تعزیت خویش را ادا می‌نمودند. اشکالی ندارد که برای دیداری کوتاه و گفتن تعزیت به شهر یا دهکده‌ی فرد داغ‌دیده رفت. البته با رعایت آدابی که قبلاً ذکر شده و اجتناب از برخی اعمال مانند سیگار کشیدن و صحبت‌های بی‌هوده. صحبت‌ها باید به صبر و تسلیت و شکیبایی و چیزهایی مانند آن منحصر گردد.

در سوگ و ماتم چه می‌گویند:

در این مناسبات صحبت‌ها در شکیبایی و تسلیت خلاصه می‌شود. فرد تسلیت دهنده به شخص سوگوار می‌گوید: (البقاء لله) یعنی: «تنها خداست که می‌ماند.» یا (إنا لله وإنا إليه راجعون) یعنی: «ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم.» یا (الله ما أعطى والله ما أخذ، وكل شيء عنده بمقدار، فلتصبر ولتحتسب) یعنی: «آنچه را خداوند گرفت از آن خودش بود و آنچه داده است مال خود اوست. مسلماً هر چیزی نزد او دارای تقدیری است، لذا باید صبر کرد و امید به ثواب داشت.»

فرد مصیبت دیده آمین گفته و به فرد تعزیه کننده می گوید: (أَجْرُكَ اللَّهُ) یعنی: «خداوند برای این عملت پاداشت دهد.»

پرهیز از اسراف در تدارک مراسم تشییع جنازه:

مسلمان از هرگونه بدعتی در این رابطه دوری می نماید، بدعت‌هایی مانند: برپانمودن خیمه و سایبان، نگهداشتن چله و سالگرد و دیگر بدعت‌هایی که در برخی جوامع اسلامی رخنه کرده است.

عیادت بیماران:

سعد بن ابی وقاص -رضی الله عنه- بیمار شد و پیامبر صلی الله علیه وسلم به عیادتش رفت. بیماری او سخت بود و سعد احساس کرد که اجلش نزدیک است. سعد تنها یک دختر داشت و خواست تا دو سوم ثروتش را از طریق وصیت ببخشد ولی پیامبر صلی الله علیه وسلم نپذیرفت. آنگاه سعد گفت: در مورد نصف دارائیم وصیت می‌کنم. باز پیامبر صلی الله علیه وسلم نپذیرفت و فرمود: خیر. سعد گفت: در مورد یک سوم آن وصیت می‌کنم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (الثلث. والثلث کثیر) یعنی: «وصیت باید یک سوم باشد، و یک سوم هم زیاد است.» سپس آن حضرت صلی الله علیه وسلم دستش را بر صورت و شکم او نهاد و فرمود: (اللَّهُمَّ اشْفِ سَعْدًا) یعنی: «بار خدایا سعد را درمان ده!» [متفق علیه]

عیادت بیمار یکی از حقوق فرد بر دوستانش می‌باشد و فرد عیادت کننده نزد خداوند سبحان پاداش عظیمی را خواهد داشت. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (من عاد مریضًا نادى منادٍ من السماء: طِبَّتْ وطاب ممشاك، وتبوات من الجنة منزلا) یعنی: «آنکه مریضی را عیادت کند، یا برادری از برادرانش را برای خدا دیدار نماید، منادیی از ملائکه

اعلان می‌کند، که خوش بحالت و نیکو است رفتنت و چه جایگاه زیبایی را که در بهشت برای خود مهیا نمودی.» [ترمذی و ابن ماجه]
تعدادای از آداب عیادت بیمار که لازم است مراعات شوند:

اخلاص و پاکی نیت:

مسلمان نیتش را برای خداوند رب العالمین خالص می‌کند تا آنکه دیدارش مستحق اجر و پاداش از جانب خداوند گردد.

انتخاب وقت مناسب:

هنگامی که خبردار شد که دوستش بیمار است به عیادت او می‌رود. سعی می‌شود در زمان مناسبی این کار انجام شده و فرد بیمار اجازه داشته باشد که مهمانان به عیادتش بروند.

دعای شفا برای بیمار:

وقتی که فرد مسلمان از بیماری عیادت می‌کند از خداوند می‌خواهد تا او را شفا دهد و از این که خداوند وی را از آن بیماری دور ساخته است، خداوند را سپاس گفته و مژده‌ی شفا و معالجه به فرد بیمار داده و به او دلداری و امید بدهد. سپس با این دعای پیامبر صلی الله علیه وسلم برایش دعا نماید: (أذهب البأس، ربَّ الناس، اشف وأنت الشافی، لا شفاء إلا شفاؤك، شفاء لا یغادر سَقَمًا) یعنی: «سختی را بر طرف کن، خدایا پروردگار مردم، شفا ده که تو شفا دهنده‌ای و شفایی جز شفایت نیست، شفائی که بیماری نگذارد.» [متفق علیه]

عیادت مختصر:

بهتر است که عیادت مختصر و با رعایت آرامش و سکوت بوده و از سخن زیاد پرهیز شود.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب سفر

سعید بن یسار با حضرت عبد الله بن عمر -رضی الله عنهما- در یک سفر بسوی مکه همراه بود. آنان شب را در راه بودند. وقتی کم کم صبح نزدیک می شد، سعید از شترش پیاده شد و نماز وترش را بجا آورد و سپس سوار شتر شد و خودش را به ابن عمر رساند. ابن عمر از او پرسید: کجا بودی؟ گفت: ترسیدم صبح برسد، پیاده شده و نماز وتر را بجای آوردم. ابن عمر گفت: مگر رسول خدا صلی الله علیه وسلم را سرمشق خود قرار نداده‌ای؟ گفت: قسم به خدا که قرار داده‌ام. ابن عمر گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم بر روی مرکبش نماز وتر را می‌گزارد. [مسلم]

خداوند عزوجل به گشتن در زمین و مشاهده و عبرت گیری از نشانه‌ها و تأمل در صنع او و تدبیر در آثار بجا مانده از پیشینیان امر کرده و می‌فرماید: ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾ [العنكبوت: ۲۰] یعنی: «بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است سپس [باز] خداست که نشاء آخرت را پدید می‌آورد خداست که بر هر چیزی تواناست» و می‌فرماید: ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ [الأنعام: ۱۱] یعنی: «بگو در زمین بگردید آنگاه بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.» همچنین می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَآلِيهِ النَّشُورُ﴾ [الملك: ۱۵] یعنی: «اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سوی اوست.» از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل است که فرمودند: (سافروا تصحوا، واغزوا تستغنوا) یعنی: «سفر کنید تا تندرست باشید. پیکار کنید تا بی‌نیاز باشید.» [احمد]

سفر فواید بسیاری دارد که امام شافعی به زیبایی آن‌ها را چنین برمی‌شمارد:

تَفَرَّبْ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ وَسَافِرْ فِي الْأَسْفَارِ خَمْسَ فَوَائِدَ
تَفَرُّجٌ هَمٌّ، وَاِكْتِسَابٌ مَعِيشَةٌ وَعِلْمٌ، وَآدَابٌ، وَصَحْبَةٌ مَاجِدٌ

معنی شعر:

«دل برکن از خانه و کاشانه چو خواهی تو بلندی

در راه سفر شو که سفر پنج فایده دارد

یکی رانش اندوه و دگر کسب معاشست

سوم دانش و علمست و چهار زینت آداب

پنجم حصه از سود سفر صحبت یاران شریف است.»

می‌توان برای اهداف متفاوتی رنج سفر را بر خود هموار کرد؛ برای حج یا عمره،

کسب علم، گشتن پی رزق و روزی، دیدار دوست و آشنا یا...

از جمله آداب سفر:

نیت صحیح و نیکو:

فرد مسلمان با نیت درست و صحیح سفرش را به عملی در جهت نزدیکی به خداوند مبدل می‌سازد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ) یعنی: «همانا ثواب اعمال به نیت بستگی دارد و هر کس نتیجه‌ی نیت خود را درمی‌یابد، پس کسی که هجرت او بسوی خدا و رسول او است ثواب هجرت بسوی خدا و رسولش را در می‌یابد و کسی که هجرتش بسوی دنیا باشد به همان می‌رسد یا هجرت او برای ازدواج با زنی باشد، پس هجرت او بسوی چیزبست که برای رسیدن به آن هجرت نموده است.» [متفق علیه]

مسافرت برای چیزی باشد که موجب خوشنودی خداوند باشد:

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (ما من خارج من بيته إلا ببابه رايتان؛ رایة بيد ملك، وراية بيد شيطان، فإن خرج لما يحب الله اتبعه الملك برأيته، فلم يزل تحت رایة الملك حتى يرجع إلى بيته. وإن خرج لما يسخط الله اتبعه الشيطان برأيته، فلم يزل تحت رایة الشيطان حتى يرجع إلى بيته) یعنی: «هرکس از خانه خرج می شود بر در خانه اش دو پرچم خواهد بود. یکی به دست یک ملائکه و دیگری در دست شیطان. چنانچه فرد برای آنچه خداوند دوست می دارد بیرون شود، فرشته با پرچمش او را دنبال می کند و او تحت لوای آن فرشته خواهد بود تا وقتی که از سفر بازمی گردد. اما چنانچه بخاطر چیزی که مایه‌ی خشم و ناخشنودی خداوند است خارج گردد، آن شیطان با پرچمش او را دنبال نموده و تا زمانی که برمی گردد زیر پرچم شیطان خواهد بود.» [احمد و طبرانی].

مشورت و استخاره قبل از خروج به قصد مسافرت:

با برادرانش کارهای را که قصد انجامشان را دارد در میان نهاده و با آنان در مورد آن مشورت نماید. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ [الشوری: ۳۸] یعنی: «و کارشان در میانشان مشورت است.» درعین حال به استخاره و طلب خیر از پروردگار روی آورده و سپس کاری را می کند که دلش بدان آرام و قرار گیرد. از پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: (من سعادة ابن آدم استخارته الله. ومن سعادة ابن آدم رضا بما قضی الله له. ومن شقاوة ابن آدم تركه استخارة الله. ومن شقاوة ابن آدم سخطه بما قضی الله له) یعنی: «از نشانه های سعادت آدمی استخاره و طلب خیر او از خداوند است و از نشانه های خوشبختی وی خرسندی اوست به قضا و قدر الهی. از علایم بدبختی بنی آدم رها نمودن استخاره است و از بدبختی های او ناخوشنودی به قضا و قدر خداوند می باشد.» [ترمذی و حاکم]

پرداخت بدهی و برگرداندن امانت ها:

فرد مسلمان قبل از رفتن به مسافرت، بدهی و امانت‌هایی که نزد اوست را بازپس می‌دهد. چنانچه توان بازپس دادن بدهیش را نداشته باشد، از طلبکار خویش اجازه‌ی خروج می‌طلبد و اگر به اجازه داد می‌رود و گرنه برجای خود می‌ماند. زمانیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه هجرت می‌نمود، حضرت علی بن ابی طالب را در مکه گذاشت تا امانت‌های مردم را به آنان بازپس دهد.

وصیت برای خانواده:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (ما حقُّ امرئٍ مسلمٍ له شيءٌ يريد أن يوصي فيه، بيت ليلتين إلا ووصيته مكتوبة عنده) یعنی: «برای مسلمان مناسب نیست، درحالیکه صاحب چیز است که در آن وصیت صورت می‌گیرد و او دو شب می‌گذراند، جز اینکه وصیت او در نزدش نوشته باشد.» [متفق علیه]

انتخاب همسفر:

بہتر است که همسفر خود را از بین اشخاص اهل دیانت و تقوی برگزیند تا او را در طاعت و عبادت مددکار باشد. رسول مکرم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (الرجل علی دین خلیله فلینظر أحدکم من یخالل) یعنی: «هر شخص بر دین دوستش است، پس بنگرد هر کدام تان که با چه کسی دوستی می‌کند.» [ابوداود و ترمذی] و می‌فرماید: (لو یعلم الناس ما فی الوحدة ما أعلم ما سار راکب بلیل وحده) یعنی: «اگر مردم در مورد تنهایی آنچه که من می‌دانم، بدانند، هیچ سواره‌ای در شب تنها نخواهد رفت.» [بخاری] همچنین آن حضرت صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (الراکب شیطان، والراکبان شیطانان، والثلاثة رُکبٌ) یعنی: «یک سوار شیطان است و دو سواره دو شیطان‌اند و سه نفر جماعت بشمار می‌روند.» [ابوداود و ترمذی و احمد] و نیز گفته شده که: یک همسفر برگزین و آنگاه سفر کن.

فراهم ساختن توشه‌ی سفر:

آماده نمودن بار و توشه‌ی سفر و مخارجی که انشاء الله بتواند به سلامت به مقصد خود برسد، برای فرد مسلمان اهمیت بسزائی دارد.

پنج شنبه‌ها برای مسافرت بهتر می‌باشد:

کم تر اتفاق افتاده که رسول الله صلی الله علیه وسلم به جز پنج شنبه در روز دیگری به مسافرت برود. [ابوداود]

رفتن به سفر در اولین ساعات روز:

رسول صلی الله علیه وسلم برای آن‌هایی که کارهایشان را در باز روز انجام می‌دهند دعای برکت نموده و می‌فرماید: (اللَّهُمَّ بَارِكْ لَأُمَّتِي فِي بَكُورِهَا) یعنی: «بار الها! به صبحگاهان امتم برکت ده!» [ابوداود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه] وقتی آن حضرت صلی الله علیه وسلم سربیه یا لشگری را می‌فرستاد، آن‌ها را در اولین ساعات روز روانه می‌ساخت. [ابوداود]

نماز قبل از سفر:

قبل از سفر فرد مسلمان سعی می‌کند تا دو رکعت نماز را بجا آورد. از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرموده‌اند: (ما خلف عبد علی أهله أفضل من رکعتین یرکعهما عندهم حین یرید سفراً) یعنی: «بنده چیزی را برای خانواده‌اش بهتر از دو رکعت نماز که هنگام سفر نزد آنان می‌خواند، بجا نمی‌گزارد.» [ابن ابی شیبه]

خداحافظی از خانواده و دوستان:

انسان مسلمان موقع مسافرت از خانواده‌اش خداحافظی کرده و آنان را سفارش به نیکی و خیر می‌نماید. حضرت عبدالله ابن عمر -رضی الله عنهما- به مردی که قصد سفر داشت می‌گوید: بیا تا با تو خداحافظی کنم، همانگونه که رسول الله صلی الله علیه وسلم

با وداع می‌نمود: (أستودع الله دينك، وأمانتك، وخواتيم عملك) یعنی: «دین و امانت و انجام اعمال را نزد خداوند به ودیعت می‌گذارم.» [ابوداود]

دعای خانواده و دوستان برای شخص مسافر:

مسلمان برای فرد مسافر آرزوی توفیق و سلامتی می‌کنند. مردی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم رفت و گفت: یا رسول الله، می‌خواهم به مسافرت بروم، مرا توشه‌ای ده. فرمود: (زودك الله التقوی) یعنی: «خداوند تو را توشه‌ی تقوا دهد.» گفت: مرا بیشتر ده. فرمود: (وغفر ذنبك) یعنی: «و گناهت را بیامرزد.» گفت: - پدر و مادرم فدایت - بر من بیفزا. فرمود: (وَيَسِّرْ لَكَ الْخَيْرَ حَيْثَمَا كُنْتَ) یعنی: «و در هر کجائی که هستی، توفیق خیرت دهد.» [ترمذی و حاکم]

طلب دعا از مسافر:

حضرت عمر -رضی الله عنه- تعریف می‌کند: از پیامبر صلی الله علیه وسلم برای حج عمره اجازه خواستم. فرمود: (أَيُّ أَخِي، أَشْرَكْنَا فِي دَعَائِكَ وَلَا تَنْسَنَا) یعنی: «برادرکم ما را در دعای خود شریک گردان.» [ترمذی و ابن ماجه و احمد]

دعای هنگام عزیمت:

هنگام خروج از منزل بگوید: (باسم الله، توكلت على الله. لا حول ولا قوة إلا بالله. رب أعوذ بك أن أضل أو أضلَّ، أو أزل أو أزلَّ، أو أظلم أو أظلم، أو أجهل أو يجهل علي) یعنی: «بنام خدا. توکل نمودم بر خدا، بار خدایا! پناه می‌جویم به تو از اینکه گمراه کنم یا گمراه شوم، لغزش کنم یا دیگری را بلغزانم، ظلم کنم یا بر من ظلم شود، کار جاهلانه‌ای انجام دهم و یا بر من انجام داده شود.» [ابوداود]

وقتی راه افتاد بگوید: (اللَّهُمَّ بِكَ انْتَشِرْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، وَإِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي، وَأَنْتَ رَجَائِي، فَكَفِّنِي مَا أَهْمَنِي وَمَا لَا أَهْتَمُّ بِهِ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ

مَنِي، اللَّهُمَّ زِدْنِي التَّقْوَى، وَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَوَجِّهْنِي لِلْخَيْرِ حَيْثَمَا تَوَجَّهْتُ) یعنی: «بار الها! به قدرت تو پراکنده گشته و بر تو توکل نمودم، و به یاری تو چنگ زده و رو بسوی تو نمودم. بارالها! دلگرمی و امید من تو هستی. پس مرا بسنده کن از آنچه مورد توجه من است و آنچه بدان اعتنا نمی‌نمایم و آنچه که تو بهتر از من از آن آگاهی. الهی! تقوی را توشه‌ی من گردان و گناهم را بیامرز و هر جا که رو کنم، مرا با خیر روبرو گردان.» [ابویعلی]

یک نفر را از میان خود به عنوان راهبر انتخاب نمایند:

عده ای که قصد سفر دارند یکی را از میان خود به عنوان رهبر انتخاب می‌کنند. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إِذَا خَرَجَ ثَلَاثَةٌ فِي سَفَرٍ فَلْيُؤَمِّرُوا أَحَدَهُمْ) یعنی: «هرگاه سه نفر در سفری برآیند، باید یک نفر را بر خود امیر سازند.» [ابوداود و ترمذی]

دعای هنگام سوار شدن بر مرکب:

رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگام سوار شدن بر شتر و خارج شدن بای مسافرت سه بار تکبیر می‌گفت، سپس می‌فرمود: (سَبَّحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَى وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى. اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرِنَا هَذَا، وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمَنْظَرِ، وَسَوْءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ) یعنی: «پاکبست ذاتی را که این را برای ما مسخر ساخته و ما بسوی پروردگار خود رجوع کننده‌ایم. بار خدایا ما در این سفر مان از تو نیکو کاری و تقوی و عملی را که می‌پسندی طلب می‌کنیم. بار خدایا این سفر مان را بر ما آسان کن و دوریش را بر ما کوتاه ساز، بار خدایا تو در سفر همراه و در خانواده سرپرستی. پروردگارا! ما از سختی سفر و منظره‌ی غم انگیز و بدی نظر بد در مال و خانواده و فرزند بتو پناه می‌جوییم.» [مسلم]

رعایت احساسات مسافران ناتوان و ضعیف:

خصوصاً اگر سفر با پای پیاده باشد باید مراعات ضعیفان را نموده و از آنان پیش نیافتد تا احساس ناتوانی ننمایند. گفته‌اند: فرد ناتوان امیر قافله است.

برخورد درست با وسیله‌ی سفر:

چنانچه مسافرت با چهارپا باشد، باید از سختگیری با آن و کارکشیدن زیادی و زدن آن برای شتاب دادن به حرکتش خودداری نماید. لازم است که با حیوانات با دلسوزی و مهربانی رفتار نموده و عجله از شیطان است. از قدیم گفته‌اند: (إِنَّ الْمُنْبِتَّ لَا أَرْضًا قَطْعَ، وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى) یعنی: «سوارکار شتابان نه مقصد رسیده و نه مرکبی برایش می‌ماند.»

مراعات آداب نشستن بر مرکب:

فرد مسلمان پایبند برخی آداب در هنگام سوار شدن بر وسایل حمل و نقل عمومی است، از جمله‌ی آن‌ها:

- نگشودن پنجره یا در، بدون گرفتن اجازه از همسفران مجاور خود.
- اگر غذایی را در جریان مسافرت صرف کند دیگران را نیز به آن دعوت نماید.
- با صدای بلند صحبت شخصی نکند.
- لازم است که جوانان بهترین جایگاه را برای افراد سالمند و بیماران و زنان نگاه دارند.
- باید برای احترام به نظر و مزاج جمع و رعایت بهداشت و نظافت وسیله، از کشیدن سیگار، انداختن آب دهان یا پس مانده‌ی خوراکی‌هایش خودداری کند.
- دعا و ذکر بیشتر: انسان مسلمان در مسافرت برای خود و دوستانش بیشتر دعا می‌کند چون دعای مسافر مستجاب است و بیشتر هم به ذکر خداوند می‌پردازد.
- هرگاه در شهری پیاده شدند، می‌گویند: (سبحان الله) وقتی از سربالایی بالا می‌رود می‌گویند: (الله أكبر) [ابوداود]

- هرگاه شب را دریافتند، بگویند: (یا أرض، ربی وربک الله، أعوذ بالله من شرک، وشر ما فیک، وشر ما خلق فیک، وشر ما یدب علیک، أعوذ بالله من أسدٍ وأسود، ومن الحیة والعقرب، ومن ساکن البلد، ومن والدٍ وما ولد) یعنی: «ای زمین پروردگار من و تو الله است، از شر تو و شر آنچه در تست و شر آنچه در تو آفریده شده و بر روی تو می خزد به خدا پناه می جویم، پناه می برم به خدا از شر شیر و سیاه (هر آنچه به نظر رسیده و هنوز شر از آن می رود) و مار و عقرب و ساکن شهر (جن) و پدر (ابلیس) و آنچه زاده (شیاطین)». [ابوداود و احمد]

- وقتی در منزلی فرود آمدند می گویند: (أعوذ بکلمات الله التامات من شر ما خلق) یعنی: «پناه می جویم به کلمات تامه‌ی خدا از شر آنچه آفریده است». [ترمذی و ابن ماجه]

- وقتی به روستا یا آبادی نزدیک شده و درشرف وارد شدن به آن باشند، می گویند: (اللَّهُمَّ رب السماوات السبع وما أظللن، ورب الأراضین السبع وما أقللن، ورب الشیاطین وما أضللن، ورب الرياح وما ذرین! أسألك خیر هذه القرية، وخیر أهلها، وخیر ما فیها، ونعوذ بك من شرها، وشر أهلها، وشر ما فیها) یعنی: «بارالها! پروردگار آسمان‌های هفتگانه و آنچه زیر آن‌ها قرار دارد، ای پروردگار زمین‌های هفتگانه و آنچه بر روی آن‌ها قرار دارد، و ای پروردگار شیطان‌ها و آنچه باعث گمراهی‌اش می شوند، و ای پروردگار بادها و آنچه آن را حرکت می دهند، ما از تو خیر این آبادی و خیر اهالی‌اش را مسئلت می نمایم و به تو پناه می جویم از بدی آن و بدی اهالی آن و بدی آنچه در آن قرار دارد.» [نسائی]

- اگر در حین سفر به سحر و نزدیکی‌های صبح برخوردند، بگویند: (سمع سامعٌ بحمد الله وحسنِ بلائه علینا، ربنا صَاحِبُنَا وَأَفْضَلُ عَلینَا، عَائِدًا بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ) یعنی: «شنونده شنید که ما حمد خدا را و شکر نعمتش را و لطف او را بر ما بیان کردیم. پروردگارا! تو همراه ما باش و بر ما لطف کن. به خدا پناه می برم از آتش دوزخ.» [مسلم]

تفکر و پندگیری:

مسلمان درباره‌ی چیزهایی که در خلال سفر مشاهده می‌نماید به تفکر می‌پردازد و در خلقت خداوندی و آنچه ایمانش را بیافزاید اندیشه می‌کند.

مراعات عادات و رسوم اهالی شهری که بدان پا می‌گذارد:

وقتی که مسافر به شهری رسید، باید عادات و رسوم آن شهر را مراعات نموده و کاری نکند که با آن مخالف باشد، البته به شرطی که مخالف شرع نباشد.

استفاده از رخصت‌های داده شده در جریان سفر:

رخصت‌هایی در سفر برای مردم فراهم آمده است و مسافر باید در جریان سفرش از آن در دشواری‌ها استفاده نماید، از جمله:

- شکسته خواندن نمازهای چهار رکعتی:

آن‌ها را دو رکعت می‌خواند. مطابق فرمایش خداوند - عز جل - که: ﴿وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ [النساء: ۱۰۱] یعنی: «و چون در زمین سفر کردید اگر بیم داشتید که آنان که کفر ورزیده‌اند به شما آزار برسانند گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید.»
- جمع بین نماز ظهر و عصر (به صورت تقدیم یا تأخیر) و همچنین بین نمازهای مغرب و عشاء.

- در ماه رمضان نیز برای او خوردن روزه مباح بوده و باید در آینده قضای آن را به جا آورد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ [البقرة: ۱۸۴] یعنی: «[ولی] هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد [به همان شماره] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد].»

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (لیس من البر الصیام فی السفر) یعنی: «روزه گرفتن در سفر از طاعت و فرمانبرداری نیست.» [متفق علیه]

- ترک نماز جمعه و به جا آوردن نماز ظهر به جای آن. چون نماز جمعه بر مسافر واجب نیست.

شباب در بازگشت:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم می فرماید: (السفر قطعة من العذاب؛ یمنع أحدکم نومه و طعامه و شرابه، فإذا قضی أحدکم نهمته من وجهة (أي قضی حاجته من المكان الذي كان فيه) فلیعجل إلى أهله) یعنی: «سفر پاره‌ای از عذاب است که یکی از شما را از خوردن و نوشیدن و خواب باز می‌دارد، هرگاه کدام یک از شما مقصودش را از سفرش انجام داد، باید به سوی خانواده‌اش بشتابد.» [مسلم] و مسلمان نباید بعضی چیزها را موقع بازگشت فراموش کند، از جمله:

- بردن بعضی هدایا و سوغاتی‌ها در حد توان هنگام بازگشت.
- دعای بازگشت که همان دعای سفر است، جز آنچه که در آخر آن چنین اضافه شده است: (آیون تائبون عابدون لربنا حامدون) یعنی: «ما بازگشتیم در حالیکه توبه کاران و پرستندگان و برای خدای مان سجده کننده گانیم.» [مسلم]
- دعا هنگام نزدیک شدن به شهر و دیار خویش: (اللهم اجعل لنا به قرارًا ورزقًا حسنًا) یعنی: «الهی! در آن برایمان آرامش و روزی نیکو قرار بده.» [نسائی و طبرانی]
- کسی را پیشاپیش به سوی خانواده‌اش گسیل دارد تا آنان را از آمدنش باخبر سازد تا آنان برای دیدن او آماده گشته و او چیزی را که ناخوش می‌دارد از آنان نبیند.
- از مسجد آغاز نموده و دو رکعت نماز در آن بخواند. پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی از مسافرت بازمی‌گشت از مسجد شروع می‌کرد و در آن دو رکعت نماز می‌گزارد. [متفق علیه].

– استقبال از دیدارکنندگان و پذیرائی از آنان: از کسانی که برای مبارکباد بازگشت با سلامت او نزدش می‌آیند با شادمانی و روی خوش استقبال نموده و تا جائیکه می‌تواند از آنان پذیرائی کند.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب کار و عمل

یک روز مردی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده و از او درخواست پول کرد. آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا در خانه چیزی داری؟ مرد گفت: آری، پلاسی دارم که قسمتی از آن را به تن کرده و قسمتی را می‌گسترانیم و پیاله ای که در آن آب می‌نوشیم.

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: آن‌ها نزد من بیاور! مرد رفت و آن‌ها را آورد. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: چه کسی این دو را می‌خرد؟ مردی پاسخ داد: من آن‌ها را به یک درهم می‌خرم. آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: کسی هست که بیشتر از یک درهم برای آن‌ها بپردازد؟ _ دو یا سه بار تکرار فرمود- مرد دیگری گفت: آن‌ها را به دو درهم می‌خرم. آن‌ها را به او داد و رسول خدا صلی الله علیه وسلم دو درهم را گرفت و به مرد فقیر داد و فرمود: با یکی برای خانواده‌ات غذایی بخر و با دیگری تیشه ای بخر و با آن نزد من برگرد.

آن مرد تیشه ای را خریده و نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم برگشت. آن حضرت صلی الله علیه وسلم دستی بر پشت او نهاد و فرمود: برو و هیزم جمع نما و آن را بفروش و تا پانزده روز دیگر نینمت.

آن مرد رفت و به جمع کردن و فروش هیزم پرداخت و پس از آنکه ده درهم گردآورده و لباس و غذا خرید و برگشت. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (هذا خیر لك من أن تجيء المسألة نُكْتَةً (علامة) في وجهك يوم القيامة، إن المسألة لا تصلح إلا لثلاثة: لذي فقر مُدْفِع (شدید)، أو لذي غُرْمٍ مَفْطَع (كبير)، أو لذي دمٍ مَوْجِع (علیه دية)) یعنی: «این برای تو بهتر از آن است که گدایی بر چهره‌ات نشانی در روز قیامت بگذارد.

درخواست کمک مالی و تکدی جز در سه مورد جایز نیست: برای کسی که دچار فقر شدید باشد، یا صاحب قرض بسیار، و یا کسی که دیه بر عهده‌اش باشد.» [ابوداود]

یک روز صبح صحابه رضی الله عنهم در محضر رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته بودند، مرد تنومندی را دیدند که با شتاب می‌رود و در کارش جهد و کوشش می‌کند. اصحاب از شور و نشاط آن مرد به تعجب افتاده و گفتند: یا رسول الله، یکاش این حال را در راه خدا می‌داشت؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم موضعا لهم أنواع العمل الطيب: (إن كان خرج يسعى على ولده صغارا، فهو في سبيل الله، وإن كان خرج يسعى على أبوين شيخين كبيرين فهو في سبيل الله، وإن كان خرج يسعى رياء ومفاخرة فهو في سبيل الشيطان) یعنی: «چنانچه برای کسب روزی برای فرزندان خردش خارج گشته است در راه خداست، اگر برای پدر و مادر پیرش باشد نیز در راه خداست، بیرون آمده است تا خویشان را (از احتیاج و گدایی کردن) حفظ نماید در راه خداست ولی چنانچه بخاطر ریا و فخرفروشی باشد، در راه شیطان قرار دارد.» [طبرانی]

چنانچه پیداست اسلام دین کار و کوشش است، کار و تلاش برای دنیا و برای آخرت. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾ [القصص: ۷۷] یعنی: «و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن.» پروردگار سبحان به کار و تلاش در زمین و خوردن از روزی حلال خداوند امر نموده و می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾ [الملك: ۱۵] یعنی: «اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سوی اوست.»

رسول خدا صلی الله علیه وسلم بر کار و کوشش تأکید فراوان داشته و می‌فرماید: (اعملوا فکلُّ ميسرٍ لما خُلِقَ له) [متفق علیه] یعنی: «کنید، زیرا برای هر کس آنچه که برای آن آفریده شده آماده گشته.» همه‌ی پیامبران خداوند -علیهم الصلاة والسلام- نمونه‌های عالی کار و تلاش بوده‌اند. تمام پیامبران شبانی کرده‌اند و هرکدام از پیامبران حرفه‌ی خاصی داشتند و بدان مشغول بوده‌اند. رسول بزرگوار اسلام صلی الله علیه وسلم در بسیاری از کارها با صحابه مشارکت فرموده و خود را از آنان جدا نمی‌ساخت. به عنوان مثال در جریان حفر خندق ایشان صلی الله علیه وسلم سنگ و ماسه حمل می‌نمود. کار و تلاش برای کسب روزی آدابی دارد که بهتر است هر مسلمانی بدان آراسته گردد، از جمله‌ی این آداب:

داشتن نیت:

هدف انسان مسلمان از کاری که می‌کند سیر داشتن بدن خویش از روزی حلال و بازداشتن آن از مال حرام و کسب نیرو و توان عبادت و آبادی زمین را جستجو می‌نماید.

عدم تأخیر در کار:

فرد مسلمان کارها را سر وقتشان به انجام رسانیده و تأخیر را جایز نمی‌داند. پیشینیان گفته‌اند: کار امروز را به فردا مسپار!

سحر خیزی:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (اللَّهُمَّ بَارِكْ لَأُمَّتِي فِي بَكُورِهَا) [ترمذی و ابن ماجه و احمد] یعنی: «بار خدایا! به صبحگاهان اتم برکت ده!»

جدیت در کار:

فرد مسلمان با جدیت و شور و نشاط و بدون کسالت و تنبلی سر کار حاضر می‌شود که «بی‌رنج گنج میسر نمی‌شود».

به قول شاعر:

بقدر الكدِّ تُكْتَسَبُ المعالي ومن طلب العُلَا سهر الليالي
ومن طلب العلامن غير كد أضاع العمر في طلب المَحَالِ

معنی شعر:

«قدر تو از کوشش و کارت برآید برفراز، شب نخواهد آنکه میلش سوی بالا رفتن است، آرزوی قدر والا بی تلاش و رنج دست، صرف عمر اندر خیالی واهی است.»

دقت و درستی در کار:

انسان مسلمان در حد توان کارش را به درستی و به خوبی انجام می دهد. پیامبر صلی الله علیه وسلم در این رابطه می فرماید: (إن الله يحب إذا عمل أحدكم عملاً أن يتقنه) [بیهقی] یعنی: «خداوند دوست می دارد که چنانچه کاری کردید در آن دقت و درستی را کاملاً رعایت نمایید.» همچنین آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرموده است: (إن الله كتب الإحسان على كل شيء، فإذا قتلتم فأحسنوا القتلة، وإذا ذبحتم فأحسنوا الذبح، وليحذ أحدكم شفرته؛ فليريح ذبيحته) [مسلم] یعنی: «هر آئینه خداوند احسان و نیکی را بر هر چیز واجب نموده است، پس چون کشتید، نیکو بکشید و چون حیوانی را ذبح نمودید، نیکو ذبح کنید، باید که یکی از شما تیغ خود را تیز کند و ذبیحه خود را راحت نماید.»

تواضع:

الكبر في الأمور كلها مذموم، وقد حذر منه النبي صلى الله عليه وسلم فقال: (لا يدخل الجنة من كان في قلبه مثقال حبة من خردل من كبر) [ابوداود و ترمذی و احمد] یعنی: «آنکه به اندازه یک ذره کبر در دلش باشد، به بهشت داخل نمی گردد.» چه خوب است که هر رئیس و کارفرمایی در برابر زیردستانش فروتنی پیش گیرد و زیردستان در کارها همیار و مددکار رئیس شان باشند. بهترین الگوی ما رسول خدا صلی الله علیه وسلم است

که با اصحاب در کارها مشارکت کرده و در منزل نیز با فروتنی تمام کمک و مساعدت می‌فرمود.

کار و عمل دنیا نباید ما را از عبادت و اطاعت پروردگار بازدارد:

هر مسلمانی برای کسب رزق و روزی حلال و پاک برای خانواده‌اش کار می‌کند و در انجام این کار به تحقق فرمان خداوند ایمان دارد که می‌فرماید: ﴿فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾ [الملک: ۱۵] یعنی: «پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سوی اوست.»

از آنجا که نفس کار و تلاش برای کسب روزی حلال و اجتناب از گدایی عبادت می‌باشد، طبیعتاً ما را از اطاعت از خداوند که به سایر عبادات نیز امر فرموده است باز نخواهد داشت.

دوری از حرام:

کاری که یک مسلمان برای امرار معاش انتخاب می‌کند، با اصول شرعی نباید مخالفتی داشته باشد. مثلاً انسان مسلمان و معتقد هرگز در یک کارگاه شراب سازی و یا چیزی مانند آن کار نمی‌کند.

امانت‌داری:

شخص مسلمان در کارها امانت را رعایت نموده و نیرنگ و خیانت روا نمی‌دارد و تقاضای رشوه نمی‌کند. از اسرار کاری خود محافظت نموده و کارش را به بهترین وجه ممکن انجام می‌دهد. به همین ترتیب صاحب کار هم باید از حقوق کارگزارانش دفاع نموده و آن را محترم بشمارد. مزد آنان را به درستی پرداخت نموده و ظلم ننماید و از آنها بیش از طاقتشان کار نکشد. همچنین نیازهای سلامتی و اجتماعی آنان را فراهم سازد.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام
IslamTape.Com

آداب لباس

یکی از صحابه نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و انگشتر طلا در انگشت داشت. پیامبر صلی الله علیه وسلم دست او را گرفت و انگشتر را از انگشتش بیرون کشیده و بر زمین انداخت و فرمود: (يَعْمَدُ أَحَدَكُمْ إِلَى جَمْرَةٍ مِنْ نَارٍ فَيَجْعَلُهَا فِي يَدِهِ) یعنی: «یکی از شما می‌خواهد که آتش بدست خود کند.» سپس از وی دور شد. برخی به او گفتند: انگشترت را بردار و آن را بفروش. گفت: نه، به خدا سوگند! که آن را پیامبر صلی الله علیه وسلم دور افکنده است.

عرب قبل از اسلام، در حالی که لخت می‌شدند، به دور کعبه طواف می‌نمودند و هدف آنان از این کار برهنه گشتن از همه‌ی لباس‌هایی بود که در آن نافرمانی خداوند متعال را کرده‌اند. وقتی اسلام آمد، تأکید کرد که آنچه مهم است پاکی درون و آراستگی جسم با لباس و زینت شایسته می‌باشد، و خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَبَسُوا لِبَاسًا يَدْرُسُونَ﴾ [الأعراف: ۳۱] یعنی: «ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی برگزید.» [اعراف: ۳۱]

یک روز پیامبر صلی الله علیه وسلم که با یارانش نشسته بود، به آنان سفارش نمود که: «(لا يدخل الجنة من كان في قلبه مثقال ذرة من كبر)». فقال رجل: إن الرجل يحب أن يكون ثوبه حسناً ونعله حسنة. یعنی: «آنکه در دلش به اندازه‌ی ذره ای کبر باشد، داخل بهشت نمی‌شود.

کسی گفت: شخصی دوست می‌دارد که جامه‌اش و کفشش نیکو باشد!

رسول خدا صلی الله علیه وسلم بدینگونه برایش توضیح داد که آراستگی ظاهر و زیبایی لباس در دین اسلام امری پسندیده و نیکو می‌باشد و جزو تکبر محسوب نمی‌شود

و فرمود: (إن الله جميل يحب الجمال. الكبر بطر الحق (إي إنكاره) و غمط الناس (أي احتقارهم)) یعنی: «خداوند زیبا است و زیبایی را دوست می‌دارد. کبر سرکشی در برابر حق و حقیر شمردن مردم است.» [مسلم]

مسلمان می‌داند که لباس‌های وی نعمتی از جانب خداوند متعال می‌باشد تا بواسطه‌ی آن عورت‌های خویش را پوشانده و از گرما و سرما محفوظ بمانند، خداوند می‌فرماید: ﴿وَجَعَلَ لَكُم سَرَيبًا لِّتَحْفَتِكُمُ الْحَرَّ﴾ [النحل: ۸۱] یعنی: «برای شما تن‌پوشهایی مقرر کرده که شما را از گرما [و سرما] حفظ می‌کند.»

همچنین می‌فرماید: ﴿يَبْنِيْ عَادَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُم لِيَاسًا يُؤَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيثًا ط وَلِبَاسٍ أَلْتَقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٢٦﴾﴾ [الأعراف: ۲۶] یعنی: «ای فرزندان آدم در حقیقت ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و [برای شما] زینتی است و [لی] بهترین جامه [لباس] تقوا است این از نشانه‌های [قدرت] خداست باشد که متذکر شوند.»

این آیات به اهمیت لباس، که انسان خویش را بدان می‌پوشاند، رهنمون گشته و بیان می‌دارد که بهترین پوشش برای نفس انسان همان تقوای الهی است. از آن جهت که تقوا فرد را از غذاب و خشم خداوند محفوظ می‌دارد، همانگونه که لباس انسان را از گرما و سرما حفظ می‌کند.

به قول شاعر:

«إِذَا الْمَرْءُ لَمْ يَلْبَسْ ثِيَابًا مِنَ التَّقَى تَقْلِبُ عُرْيَانًا وَإِنْ كَانَ كَاسِيَا
وَخَيْرَ لِبَاسِ الْمَرْءِ طَاعَةَ رَبِّهِ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ كَانَ اللَّهُ عَاصِيَا»

معنی شعر:

«چو جامه‌ی پارسایی بر تن نپوشی

هر چند جامگان فاخر به تن کنی برهنه‌ای

چه جامه‌ای از بندگی پروردگار بهتر است؟
و چه برهنگی از گردنکشی‌اش ناپسندتر؟
یا به قول سعدی رحمه الله:

«تن آدمی شریف است به جان آدمیت
نه همین لباس زیباست نشان آدمیت.»

اکنون می‌رسیم به مجموعه آدابی که مورد اهتمام هر مسلمانی در طرز پوشیدن لباس و پوشاک خود می‌باشد:

عدم فخر فروشی به آن:

مسلمان کاری نمی‌کند که لباس‌هایش به وسیله‌ی مباحات و فخر فروشی او تبدیل گردند. البته تمایل به پوشیدن لباس و جامه‌ی زیبا دلیل بر فخر فروشی فرد نمی‌باشد. عده‌ای از صحابه رضی الله عنهم چنان گمان می‌کردند که این کار نشانه‌ی است بر فخر فروشی و خودپسندی آنان و از این موضوع اندهگین بودند، ولی رسول خدا صلی الله علیه وسلم آنان را با این گفته آسوده خاطر نمود که: (إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ) یعنی: «خداوند زیبا است و زیبایی را دوست می‌دارد.» [مسلم]

میان‌روی:

لزومی ندارد که مبالغه‌نگفتی برای خرید لباس هزینه شود، چون اینکار اسراف به حساب می‌آید، و البته بهتر است که زیاد هم ارزان قیمت نبوده و در حد متوسط باشد. میان‌روی در هرکاری پسندیده و مطلوب می‌باشد.

پوشش مناسب فرد:

نباید زنان لباس مردانه بپوشند و همچنین برای مردان نیز درست نیست که البسه‌ی زنانه به تن نمایند. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده است: (لَعْنُ رَسُولِ اللَّهِ

صلى الله عليه وسلم الرجل يلبس لبسة المرأة، والمرأة تلبس لبسة الرجل) یعنی: «رسول الله صلى الله عليه وسلم مردی را که لباس زنانه بپوشد و زنی را که لباس مردانه بپوشد، لعنت نمود.» [أبو داود]

مردان از پوشیدن لباس ابریشم و زیور آلات طلا خودداری نمایند:

آن حضرت صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (حُرِّمَ لِبَاسُ الْحَرِيرِ وَالذَّهَبِ عَلَى ذَكَورِ أُمَّتِي، وَأَحْلَى لِإِنَاثِهِمْ) یعنی: «لباس ابریشمین و طلا بر مردان اتم حرام گردانیده شده و برای زن‌های شان حلال ساخته شده است.» [احمد و ترمذی]

زیبایی و تناسب لباس:

تناسب و اندازه‌ی مناسب لباس نیز اهمیت زیادی دارد. کسی با قامت کوچک لباس‌های بزرگ و یک فرد هیکلی لباس‌های کوچک را نپوشد تا موجب استهزاء نگشته و همچنین رنگ آن نیز متناسب با سن و سال افراد باشد.

بخشیدن لباس‌ها:

مسلمان گاهی لباس خویش را برای تقرب به خداوند متعال به نیازمندان می‌بخشد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (ما من مسلم كسا مسلماً ثوباً إلا كان في حفظ من الله ما دام منه عليه) یعنی: «مسلمانی نیست که مسلمان دیگری را لباس بپوشاند مگر آنکه تا زمانیکه لباس بر تن اوست در حفظ خداوند است.» [ترمذی]

پوشیدن لباس‌های سفید رنگ:

پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (البسوا من ثيابكم البياض؛ فإنها أطهر وأطيب، وكفّنوا فيها موتاكم) یعنی: «لباس‌های سفید خود را بپوشد که آن از بهترین جامه‌های شما است و مرده‌های خود را در آن کفن کنید.» [نسائی] این فرمان بر سبیل

استحباب و پسندیده بودن نمی‌باشد و نه برای الزام و اجبار. در نتیجه منعی ندارد که انسان دیگر رنگ‌های مناسب خود را نیز بپوشد.

تشکر و سپاس از خداوند به خاطر لباس تازه:

رسول الله صلی الله علیه وسلم وقتی لباس جدیدی می‌پوشید، آن را با نامش؛ پیراهن، جامه یا عمامه، صدا نموده و می‌فرمود: (اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ. أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا صُنِعَ لَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ) یعنی: «بار خدایا! سپاس تو را. تو آن را بمن پوشانیدی از تو خیر آن و خیر آنچه را که برای آن ساخته شده می‌طلبم و به تو از شر آن و شر آنچه که برای آن ساخته شده پناه می‌برم.» [ابوداود و ترمذی]

مسلمان پروردگارش را بخاطر نعمت لباس و پوشاک خویش سپاس گفته و این دعا را می‌خواند: (الحمد لله الذي كساني ما أواني به عورتی وأجمل به في الناس) یعنی: «سپاس خدایی راست که به من لباسی پوشانیده که بوسیله‌ی آن اعضای خود را مستور دارم و در میان مردم زیبایی حاصل کنم.» [ترمذی]

اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی لباس تازه ای می‌پوشید، به او می‌گفتند: کهنه‌اش کنی و خداوند دوباره‌ات عطا نماید. رسول خدا صلی الله علیه وسلم عمر بن خطاب -رضی الله عنه- را دید که لباسی نو بر تن کرده است، به او فرمود: (اللبس جدیداً، وعش حميداً، ومت شهيداً) یعنی: «لباس نو بپوشی، و خوشنام و عاقبت بخیر بزی، و مردنت با شهادت باشد.» [ابن ماجه و احمد و ابن سنی]

نخست از سمت راست برتن نمودن لباس:

مسلمان لازم است که برای خیر و برکت بیشتر، هنگام پوشیدن لباس نخست، آن را از سمت راست برتن نماید. پیامبر صلی الله علیه وسلم در هر کاری به سمت راست التفات بیشتری داشت. [متفق علیه] و زمانی که خواست آن را از تن بیرون کند، از سمت چپ آغاز نماید.

ذکرهای هنگام در آوردن لباس:

هنگام بیرون آوردن لباس:

«باسم الله الذي لا إله إلا هو». پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (سَتَرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْحَيِّ وَعَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ إِذَا وَضَعَ أَحَدُهُمْ ثَوْبَهُ أَنْ يَقُولَ: بِاسْمِ اللَّهِ) یعنی: «پرده‌ی میان دیدگان اجنه و عورت آدمیان آنست که گفته شود: به نام خدا.» [طبرانی]

نظافت پوشاک:

مسلمان سعی می‌کند که لباس‌هایش زیبا و پاک باشند و آن‌ها را اتو می‌کند. پاکی لباس به فرد احترام و وقار لازم را در جمع می‌بخشد.

عطر و خوشبویی:

هرگاه کسی عطر یا خوشبویی را به پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌داد، آن حضرت صلی الله علیه وسلم آن را رد نمی‌کرد. آن حضرت صلی الله علیه وسلم بوی خوش را دوست داشت و می‌فرمود: (حُبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا النِّسَاءِ وَالطِّيبِ) یعنی: «از دنیا زن و بوی خوش را دوست می‌دارم.» [نسائی]

پوشش زنان:

زن مسلمان پایبند به پوشش اسلامی بوده و لباسی را به تن می‌کند که عورت و بدنش را بپوشاند و از پوشیدن لباس‌های کوتاه یا نازک یا تنگ که باعث فتنه و افروختن آتش شهوت می‌شوند اجتناب می‌کند.

پوشیدن لباس‌ها در روزهای جمعه و عیدین:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (مَنْ اغْتَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَحْسَنَ طَهْرَهُ، وَلَبَسَ مِنْ أَحْسَنِ ثِيَابِهِ، وَمَسَّ مَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنْ طَيِّبِ أَهْلِهِ، ثُمَّ أَتَى الْجُمُعَةَ، وَلَمْ يَلْغُ (لم

يُخْطِئُ وَلَمْ يَقْلُ قَوْلًا بَاطِلًا) وَلَمْ يَفْرُقْ بَيْنَ اثْنَيْنِ: غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الْآخِرَى) یعنی: «هیچ مردی نیست که در روز جمعه غسل نموده و به قدر توانائی خویش پاکی کند و از روغنش روغن مالی نموده یا از خوشبویی موجود در خانه‌اش استفاده کند، سپس به نماز جمعه آمده و لغو (اشتباه و سخن باطل) نکند و بین دو نفر جدائی نیافکند، مگر اینکه گناهِش از این جمعه تا جمعه‌ی دیگر بخشیده می‌شود.» [ابوداود و ابن ماجه و احمد]

حضرت حسن -رضی الله عنه- می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه وسلم به ما می‌فرمود تا در روزهای عید بهترین لباس‌هایی را که داشتیم را پوشیده و بهترین عطرهایمان را استعمال نموده و گرانبهارترین قربانی‌های ممکن را قربانی کنیم. [حاکم]

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب شوخی و مزاح

رسول الله صلی الله علیه وسلم از کنار چند نفر از اصحاب گذشت که مشغول مسابقه‌ی تیراندازی بودند و فرمود: (ارموا بني إسماعيل فإن أباكم كان رامياً، ارموا وأنا مع بني فلان) یعنی: «ای فرزندان اسماعیل تیراندازید، زیرا پدر شما تیر انداز بود. تیراندازید و من هم با بنی فلان هستم.» در این زمان یکی از دو دسته دست از تیرانداختن کشید. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (ما لكم لا ترمون؟) یعنی: «چه شده که تیراندازی نمی‌کنید؟» گفتند: چگونه تیراندازیم و شما با آنان هستید؟ آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: (ارموا، فأنا معكم كلکم) یعنی: «تیراندازید و من با همه‌ی شما هستم.» [بخاری]

عده‌ای از سیاهان حبشی در حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم درحالی‌که ایشان در مسجد بودند شادی و بازی می‌کردند و با نیزه‌هایشان می‌رقصیدند. در این هنگام حضرت عمر -رضی الله عنه- وارد مسجد شد و مثنی سنگریزه برداشت و شروع کرد به زدن آنها، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (دعهم یا عمر) یعنی: «آنها را به حال خود بگذار ای عمر.» [بخاری]

روزی مردی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و عرض کرد: یا رسول الله، مرا مرکبی بده. (شتری برای سوار شدن می‌خواست) پیامبر صلی الله علیه وسلم به شوخی فرمود: (إنا حاملوك علی ولد ناقة) یعنی: «ترا بر بچه‌ی یک ناقه (ماده شتر) سوار خواهیم کرد.» آن مرد گمان کرد که منظور از بچه‌ی شتر، شتری کم سن و ضعیف می‌باشد و توان حمل او را ندارد و گفت: ولی من بچه شتر را چه کار کنم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

(وهل تلد الإبل إلا النوق) یعنی: «مگر شتر جز از ناقه (شتر ماده) متولد می‌شود؟» [ابوداود و ترمذی]

اسلام بازی و سرگرمی مباح را منع نمی‌کند. پیامبر صلی الله علیه وسلم با یارانش شوخی می‌نمود ولی جز راست چیزی نمی‌گفت. برخی آداب که هنگام شوخی و مزاح باید رعایت نمود، موارد زیر می‌باشند:

راستگویی در شوخی و مزاح:

مسلمان در همه حال و در شوخی‌هایش نیز از دروغ گفتن دوری می‌نماید. پیامبر صلی الله علیه وسلم از گفتن دروغ به عنوان شوخی بسیار برحذر داشته و می‌فرماید: (لا يؤمن العبد الإیمان کله حتی یتَرَکَ الکذب فی المزاحة والمراء) یعنی: «بنده کاملاً ایمان ندارد تا آنکه از دروغ گفتن در شوخی و دعوا دوری ننماید.» [احمد و طبرانی]

اعتدال در شوخی:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرمودند: (لا تكثر الضحك، فإن كثرة الضحك تمیت القلب) یعنی: «بسیار بخند، که خنده‌ی بسیار قلب را می‌میراند.» [ترمذی] همچنین زمان برای انسان مسلمان حائز اهمیت فراوان است و زمان زیادی را صرف شوخی و بازی نمی‌نماید که منجر به کوتاهی او در انجام وظایف و کارهایش می‌گردد.

بدور ماندن از مسخره کردن دیگران:

در شوخی و بازی‌هایمان مراقب باشیم که کار به استهزاء و مسخره کردن دیگری و تحقیر آنان نکشیده و از بیان عیب‌های دیگران و خندیدن به آن پرهیز نماییم.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَبِّ بِنِسِّ الْأَسْمِ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

﴿۱۱﴾ [الحجرات: ۱۱] یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند] شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند.»

نیت خوب در شوخی:

مثلاً برای انس گرفتن دوستان باهم و ایجاد دوستی بین آنان و خوش مشربی و جلوگیری از خستگی و بیزاری آن‌ها.

انتخاب وقت و مکان مناسب:

در بعضی اوقات و برخی جاها شوخی و خنده و تفریح جایز نیست، مانند: اوقات نماز، موقع زیارت قبرستان، هنگام یاد مرگ، موقع قرائت قرآن، هنگام رویارویی با دشمنان و در اماکن علمی.

شوخی در ازدواج و طلاق و رجوع جایز نیست:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از شوخی و مزاح در این سه موضوع نهی فرموده و بیان نموده است که در این موارد شوخی و جدی هر دو جدی بشمار می‌آیند و چنانچه کسی به شوخی زنش را طلاق دهد، طلاق بطور واقعی اتفاق می‌افتد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (ثلاث جدهن جد وهزلهن جد: النکاح والطلاق والرجعة (أي أن يراجع الرجل امرأته بعد أن يطلقها)) یعنی: «سه چیز جدی و شوخی شان جدی محسوب می‌شود: نکاح و طلاق و رجوع (یعنی مرد همسرش را پس از طلاق بازگرداند).» [ابوداود]

شوخی با سلاح:

ترساندن دیگران و نشانه گرفتن اسلحه بر آنان حتی به عنوان شوخی برای یک مسلمان جایز نیست و ممکن است شیطان فرد را وسوسه نموده و او را به آسیب رساندن به دوستش ترغیب کند. پیامبر صلی الله علیه وسلم در این باره می‌فرماید: (من حمل علینا السلاح فلیس منا) یعنی: «آنکه بر (کسی از) ما اسلحه بکشد، از ما نیست.» [مسلم]

مسلمان بر برادرش دست بلند ننموده و شوخی دستی نمی‌کند؛ چرا که این عمل از احترام میان آنان کاسته و احتمال دارد به دشمنی و دلخوری بیانجامد.

شوخی در مورد مسائل دینی:

مسلمان دینش را محترم شمرده و شعائر آن را گرامی می‌دارد و در نتیجه از بازی و مزاحی که احتمال وجود استهزاء به خداوند عزوجل، ملائکه، پیامبران و سایر شعائر اسلامی باشد بشدت دوری می‌جوید.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب مساجد

پیامبر صلی الله علیه وسلم از کنار قبری گذشت که به تازگی مرده ای را در آن دفن کرده بودند. از اصحابش در مورد صاحب قبر سؤال فرمود و آنان پاسخ دادند که از آن ام محجن می‌باشد. ام محجن زنی بود که مسجد را نظافت می‌نمود. پیامبر صلی الله علیه وسلم آنان را ملامت کرد که چرا او را از فوت وی باخبر نساخته‌اند تا بر وی نماز جنازه بخواند و فرمود: (أَفَلَا أَذْنَمُونِي؟) یعنی: «چرا مرا آگاه نکردید؟» گفتند: شما خوابیده بودید و نخواستیم بیدارتان کنیم. سپس آن حضرت صلی الله علیه وسلم بر او نماز گزارد. [مسلم].

یکی از بادیه نشینان شتری قرمز رنگ داشت و آن را بسیار دوست می‌داشت. یک روز شترش گم شد و همه‌ی شب را بدنبال آن گشت و نیافت. هنگام نماز صبح در مسجد ایستاد و بانگ می‌زد و از مردم درباره‌ی شترش سؤال می‌کرد. وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم سر و صدایش را شنید از اینکه شترش را در مسجد می‌جوید، به خشم آمد و فرمود: (لَا وَجَدْتُمْ إِنَّمَا بُنِيَتْ الْمَسَاجِدُ لِمَا بَنِيَتْ لَهُ) یعنی: «او را نیابی، مساجد برای چیزی که برای آن بناء گردیده، ساخته شده است.» [مسلم].

آن حضرت صلی الله علیه وسلم به یارانش سفرش کرده بود که در صورت دیدن شخصی که مالش را گم کرده و در مسجد از آن می‌پرسد به او بگویند: (لَا رَدَّهَا اللَّهُ عَلَيْكَ، فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لَمْ تُبْنَ لَهُذَا) یعنی: «خداوند آن را به تو باز نگرداند. مساجد برای این ساخته نشده‌اند.» [مسلم].

مساجد خانه‌هایی برای عبادت مسلمانان می‌باشند. مسلمان جهت بجای آوردن نماز در مسجد، بخاطر اجر و پاداش بسیاری که دارد، برای رفتن به مسجد اشتیاق دارد. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (من غدا إلى المسجد أوراخ، أعد الله له نُزُلًا من الجنة كلما غدا أوراخ) [متفق علیه] یعنی: «کسی که اول روز یا اول شب بسوی مسجد رود در هر صبح و یا هر شامی که می‌رود، خداوند برایش در بهشت مهمانسرای آماده می‌سازد.» همچنین می‌فرماید: (من تطهر في بيته ثم مشي إلى بيت من بيوت الله ليقيضي- فريضة من فرائض الله كانت خطواته إحداها تحط خطيئة، والأخرى ترفع درجة) [مسلم] یعنی: «کسیکه در خانه‌ی خود طهارت نموده و سپس بخانه‌ی از خانه‌های خدا (مسجد) برود تا فرضی از فرائض خدا را ادا کند، هر یکی از گام‌هایش گناهی را کم نموده و گام دیگر مرتبه‌ی او را بالا می‌برد.» و کسی که بر آبادانی مساجد و گزاردن نماز در آن کوشا بوده و قلبش در پیوند با آن باشد جزو هفت دسته‌ی است که خداوند در روز قیامت در سایه‌ی خویش پناهشان می‌دهد.

در ارتباط با مساجد رعایت برخی آداب ضروری است، از جمله:

طهارت و پاکی:

افراد جنب، نفساء یا حائض نباید داخل مسجد شوند، مگر آنکه از آن عبور نمایند. برای آنکه مسلمانان به اجر و پاداشی والا دست یابند.

خوشبویی و پوشیدن زیباترین لباس‌ها: خداوند می‌فرماید: ﴿يَبْتِغِي آدَمَ خُدُوًا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾ [الأعراف: ۳۱] یعنی: «ای فرزندان آدم جامه و زینت خود را در هر مسجدی برگزید.»

هنگام آمدن به مسجد نباید غذا و خوراکی‌هایی را که بوی نامطبوعی دارند مانند سیر و پیاز و... میل نمایند. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (من أكل ثومًا أو بصلاً

فليعتزلنا، أو فليعتزل مسجدنا، وليقعد في بيته) [متفق عليه] یعنی: «کسی که پیاز، یا سیر بخورد باید از ما دوری جوید، یا باید از ما یا مسجد ما دوری جسته و در منزل بماند.»

زیاد رفتن به مسجد:

دین اسلام بر بسیار رفتن به مساجد و نشستن در آن‌ها تاکید می‌نماید. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (ألا أدلكم على ما يمحو الله به الخطايا، ويرفع به الدرجات؟). قالوا: بلى يا رسول الله. قال: إسباغُ الوضوء على المكاره، وكثرة الخطى إلى المساجد، وانتظار الصلاة بعد الصلاة، فذلكم الرباط، فذلكم الرباط، فذلكم الرباط) [مسلم] یعنی: «آیا شما را بچیزی رهنمایی نکنم که با آن گناهان محو گشته و درجات بلند شود؟ گفتند: آری یا رسول الله!

فرمود: کامل ساختن وضوء در سختی‌ها و قدم زدن زیاد بسوی مساجد و منتظر ماندن برای نماز، بعد از ادای نماز، پس این سنگر را محکم گیرید.»

خواندن دعاء هنگام حرکت بسوی آن:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در راه خویش بسوی مسجد می‌فرمود: (اللَّهُمَّ اجعل في قلبي نوراً، وفي سمعي نوراً، وفي بصري نوراً، وعن يميني نوراً، وعن شمالي نوراً، وأمّامي نوراً، وخلفي نوراً، وفوقي نوراً، وتحتي نوراً واجعل لي نوراً) [مسلم] یعنی: «الهی! در قلب من و شنوائی و بینائی من نور قرار ده. الاهی طرف راست و چپ و پشت سر و جلوی مرا منور گردان و از بالا و پائین به من نور عنایت فرما و مرا نور عطا فرما.»

آرامش و شتاب نمودن در موقع حرکت به سوی مسجد:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إذا سمعتم الإقامة فامشوا إلى الصلاة وعليكم بالسكينة والوقار، ولا تسرعوا، فما أدركتم فصلوا، وما فاتكم فأتموا) [متفق عليه] یعنی: «چون صدای اقامه را شنیدید بسمت نماز راه افتاده و بسوی آن با آرامش و وقار بروید، و

با شتاب بسوی آن می‌آیید. پس آنچه را که دریافتید، بگزارید و آنچه که از نزد شما فوت شده تمامش کنید.»

ورود با پای راست و خواندن دعاء:

مسلمانان ابتدا پای راست را هنگام ورود به مسجد در آن نهاده و می‌گویند: (بسم الله، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وافتح لي أبواب رحمتك.) - [مسلم] یعنی: «با نام خدا وارد می‌شوم، درود بر رسول اکرم صلی الله علیه و سلم. پروردگارا گناهان مرا بیامرز و درهای رحمت خود را بر روی من بگشا.»

دو رکعت نماز تحية المسجد:

رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: (إذا دخل أحدكم المسجد فليركع ركعتين قبل أن يجلس) [مسلم] یعنی: «هرگاه وارد مسجد شدید باید دو رکعت نماز بگزارید پیش از آنکه بنشینید.»

خارج نشدن از مسجد بعد بانگ اذان:

چنانچه در مسجد بودید و برای نماز اذان گفته شد، تا بعد از بجای آوردن نماز از آن خارج نشوید. آن حضرت صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: (إذا كنتم في المسجد فنودي بالصلاة فلا يخرج أحدكم حتى يصلي) [احمد] یعنی: «هرگاه در مسجد بودید و بانگ نماز برآورده شد، تا نماز نگزارید خارج نشوید.» البته در صورت ضرورت می‌تواند بیرون برود.

پایبندی به ذکر و یاد خداوند:

مسلمان علاقه‌ی شدیدی به ذکر و یاد خداوند متعال و تلاوت قرآن کریم دارد و از سرگرم شدن با مسائل دنیا درحالیکه در مسجد حضور دارد خودداری می‌نماید. پیامبر

صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (... إِنَّمَا جُعِلَتِ الْمَسَاجِدُ لِذِكْرِ اللَّهِ وَلِلصَّلَاةِ وَلِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ) [متفق علیه] یعنی: «... مساجد برای ذکر خدا و نماز و خواندن قرآن است.»

خودداری از گذشتن از مقابل نماز گزاران:

انسان مسلمان از جلوی نمازگزاران نمی‌گذرد. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (لو يعلم المارء بین یدی المصلی ماذا علیه، لکان أن یقف أربعین، خیراً له من أن یمر بین یدیه) [مسلم] یعنی: «اگر مرور کننده از پیش روی نماز گزار، بداند که چقدر گناه دارد، همانا اگر چهل بایستد برای او بهتر است از اینکه از پیش روی او بگذرد.»

در نماز جماعت امام جماعت حجاب و ستر مأمومین است، اما چنانچه بصورت منفرد نماز بگذارد کسی نباید از جلوی او بگذرد جز پس از گذاردن یک ستره و مانع.

آباد ساختن مساجد:

فرد مسلمان مساجد را آباد ساخته و پایبند نمازهایش در آن می‌باشد و قلبش هر زمان در پیوند و علاقه‌ی با مساجد است. هرگز مسجد را کنار نمی‌گذارد. مسجد خانه‌ی تقوا و پرهیزگاری است و خانه‌های خداوند بر روی زمین همین مساجد می‌باشند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنَ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا لِلَّهِ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾ [التوبة: ۱۸] یعنی: «مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و جز از خدا نترسیده‌اند پس امید است که اینان از راه‌یافتگان باشند.»

وروي أن النبي صلی الله علیه وسلم قال: (إذا رأيتم الرجل يعتاد المساجد فاشهدوا له بالإيمان) [احمد و ترمذی و ابن ماجه] یعنی: «چون شخص را دیدید که به مساجد پیوسته می‌آید، به ایمان داشتن او گواهی دهید.» (این حدیث ضعیف هست)

خودداری از بلند کردن صدا و جنگ و دعوا در مسجد:

مسلمان هنگام ورود به مسجد پایبند وقار و آرامش و سکوت می‌ماند. {ذات یوم دخل عمر بن الخطاب -رضي الله عنه- المسجد، فوجد رجلين يتخاصمان ويرفعان صوتيهما، فقال لأحد الصحابة: اذهب فأتني بهذين، فلما جاءه الرجلان قال: من أين أنتما؟ قالاً: من أهل الطائف. فقال عمر -رضي الله عنه-: لو كنتما من أهل البلد لأوجعتكما ضرباً، ترفعان أصواتكما في مسجد رسول الله صلى الله عليه وسلم} [بخاری] یعنی: «روزی حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه وارد مسجد شد و دید دو نفر دعوا نموده و صدایشان را بلند کرده‌اند. به یکی از صحابه گفت: برو و این دو نفر را نزد من بیاور! وقتی آن دو نزدش آمدند» گفت: «شما دو نفر از کجائید؟ گفتند: از مردم طائف.

پس گفت: اگر شما از مردم این شهر می‌بودید، شما را دردناک می‌ساختم، صداهای تان را در مسجد رسول الله صلی الله علیه وسلم بلند می‌کنید؟ انسان مسلمان در مسجد نماز دیگران را، اگرچه با قرائت قرآن، آشفته نمی‌سازد.

کوشا بودن در نظافت و پاک نگاه داشتن مسجد:

رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (البصاق في المسجد خطيئة، وكفارتها دفنه) [متفق علیه] یعنی: «آب دهان انداختن در مسجد گناه است و کفاره‌ی آن دفن کردن است.»

دعاء هنگام خروج از مسجد:

انسان مسلمان با پای چپ از مسجد خارج شده و می‌گوید: (بسم الله. اللهم صلّ علی محمد. اللهم إني أسألك من فضلك) [مسلم] یعنی: «به نام خدا. درود خدا بر محمد صلی الله علیه و سلم. الهی! درهای فضل خود را بر من بگشا.»

درنگ نمودن افراد جنب و حائض در آن:

این افراد می‌توانند برای ضرورت از مسجد عبور نمایند. خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا﴾ [النساء: ۴۳] یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می‌گویید و [نیز] در حال جنابت [وارد نماز نشوید] مگر اینکه راهگذر باشید تا غسل کنید...»

عدم ساختن مساجد بر روی قبور:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (لعن الله اليهود اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد) [متفق علیه] یعنی: «الله تعالی یهود را لعنت کند که قبرهای پیامبرانشان را مسجد ساختند.»

میانه روی در بناء مساجد و عدم زینت دادن و آراستن آن:

رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (ما أُمرْتُ بتشديد المساجد) [ابوداود] یعنی: «من به برافراشته سازی مساجد فرمان داده نشده‌ام.» منظور از تشدید یا برافراشته سازی: مبالغه و زیاده روی در آراستن مساجد می‌باشد. یکبار حضرت عمر بن خطاب -رضی الله عنه- دستور بناء مسجدی را داد، و به مسئول بنای مسجد فرمود: (إياك أن تحمّر أو تُصفر فتفتن الناس) یعنی: «از قرمز و زرد کردن آن بپرهیز تا مردمان را گمراه نسازد.» [بخاری]

بناء مساجد تنها به نیت کسب رضایت خداوند:

در انجام چنین کاری فرد مسلمان پاداش و اجری بس بزرگ از جانب خداوند متعال دریافت می‌نماید. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (من بنى مسجداً يبتغي به وجه الله؛ بنى الله له مثله في الجنة) [متفق علیه] یعنی: «آنکه مسجدی را بنا نهد و هدف او رضایت خداوند باشد، خداوند برایش در بهشت خانه ای مانند آن می‌سازد.»

در مسجد خرید و فروش نمی‌شود:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إذا رأيتم من يبيع أو يبتاع في المسجد فقولوا: لا أربح الله لك. وإذا رأيتم من يئخذ ضالة فقولوا: لا ردها الله عليك) [ترمذی و نسائی] یعنی: «هرگاه دیدید کسی را که در مسجد خرید و فروش می‌کند، به او بگوئید، خداوند بر تجارتت فایده‌ای مرتب نسازد و هرگاه کسی را دیدید که گم شده‌ای را در مسجد جستجو می‌کند، به وی بگوئید خداوند آن را به تو باز نگرداند.»

اعتکاف در مسجد:

به معنی نشستن در مسجد و اقامت در آن به نیت تقرب به خداوند متعال و انجام کارهای خیر و نیکو مانند: نماز، ذکر و تسبیح و دعاء می‌باشد. فرد مسلمان می‌تواند است در مسجد تا هر مدتی که می‌خواهد اعتکاف نموده و هرگاه که بخواهد از اعتکاف بیرون آید. پیامبر صلی الله علیه وسلم در ده روز آخر رمضان اعتکاف می‌نمود و در مسجد ماندگار گشته و از تا هنگام نماز عید از آن بیرون نمی‌آمد.

خوابیدن در مسجد:

خوابیدن در مسجد اشکالی ندارد. پیامبر صلی الله علیه وسلم در مسجد می‌خوابید، و صحابه کرام -رضوان الله علیهم- نیز در مسجد می‌خوابیدند. لیکن باید مراقب نظافت و نظم و ترتیب مسجد بود.

مرتب بودن صف‌های نماز:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم صف‌های نماز را مرتب می‌ساخت، بگونه‌ای که مردان در صف‌های نخست می‌ایستادند و سپس کودکان و بچه‌ها و آنگاه زنان در آخر مسجد صف می‌بستند. پیامبر صلی الله علیه وسلم صف‌ها را راست نموده و می‌فرمود: (استووا، ولا تختلفوا، فتختلف قلوبكم، ليلني منكم أولو الأحلام والنهي) [مسلم]

یعنی: «برابر بایستید و اختلاف نکنید، تا دل‌های شما مختلف نشود، و باید عاقلان و بالغان به من نزدیک شوند.»

همچنین آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: (سَوُّوا صَفُوفَكُمْ، فَإِنْ تَسْوِيَةَ الصَّفِّ مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ) [مسلم] یعنی: «صف‌های خود را برابر کنید، زیرا برابر کردن صف‌ها از جمله کمال نماز است.»

آداب مسجد الحرام:

با رؤیت مسجد الحرام قلب مسلمان پر از خشیت و خشوع می‌گردد و دستانش را بلند کرده و بر زبان جاری می‌سازد که: (اللَّهُمَّ زِدْ هَذَا الْبَيْتَ تَشْرِيفًا وَتَعْظِيمًا وَتَكْرِيمًا وَمَهَابَةً، وَزِدْ مَنْ شَرَّفَهُ وَكَرَّمَهُ مِنْ حَجَّةٍ أَوْ اعْتَمَرَةٍ تَشْرِيفًا وَتَكْرِيمًا وَتَعْظِيمًا وَبِرًّا) [امام شافعی] یعنی: «بار الها! بر ارجمندی و بزرگداشت و احترام و هیبت این خانه بیافزای و بر آنکس از حج گزاران یا عمره گزارانش که آن را ارج نهاده و حرمت نگاه دارند شرف و حرمت و بزرگی و طاعت افزون نما.»

سپس به سوی حجر الأسود روی کرده و آن را ببوسد، چنانچه نتوانست با دست بدان اشاره نماید. آنگاه در امتداد آن ایستاده و طواف به دور خانه‌ی کعبه را آغاز نماید. در مسجد الحرام تحیة المسجد نخوان، زیرا تحیة المسجد در آن همان طواف بیت الله می‌باشد.

آداب مسجد نبوی:

هر مسلمانی در هنگام وارد شدن به مسجد نبوی با آرامش و وقار رفتار نموده و بهتر است که خویش را خوشبو سازد و لباس زیبا بپوشد و در هنگام وارد شدن به مسجد دعای ورود به مسجد را بخواند و دو رکعت نماز تحیة المسجد را در روضه‌ی شریفه (مکانی است مابین بیت رسول الله صلی الله علیه وسلم و منبر) بجا آورد. سپس قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم را زیارت کرده و به سمت راست آن رفته و بر حضرت ابوبکر -

رضی الله عنه - درود بفرستد و کمی مکث کرده و بر حضرت عمر - رضی الله عنه - نیز درود و سلام بفرستد. آنگاه رو بسوی قبله کرده و هرچه می خواهد دعا نماید. انسان مسلمان باید از دست کشیدن بر حجره‌ی شریفه یا بوسیدن آن خودداری نماید، چون می داند که این عمل او باعث رنجش و اندوه رسول الله صلی الله علیه وسلم خواهد گشت که از تعظیم آرامگاه خویش نهی کرده و می فرماید: (لا تجعلوا قبری عیداً) [ابوداود] یعنی: «قبر مرا عید (طوافگاه) نگردانید.»

آداب مسجد در روز جمعه:

آداب خاص متعلق به رفتن به مسجد در روز جمعه به قرار زیر می باشند:

غسل و آراستگی و خوشبویی:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: (لا یغتسل رجل یوم الجمعة ویتطهر بما استطاع من الطهر، ویدهن من دهنه، أو یمس من طیب بینه، ثم یروح إلى المسجد ولا یفرق بین اثین، ثم یصلي ما کُتب له، ثم ینصت للإمام إذا تکلم إلا عُفِرَ له من الجمعة إلى الجمعة الأخری) [بخاری و احمد] یعنی: «هیچ مردی نیست که در روز جمعه غسل نموده و به قدر توانائی خویش پاکی کند و از روغنش روغن مالی نموده یا از خوشبویی موجود در خانه اش استفاده کند، سپس بیرون آمده بین دو نفر جدائی نیفکنده و بعد نماز فریضه را اداء کند و چون امام سخن گوید، سکوت نماید، مگر اینکه گناهِش از این جمعه تا جمعهء دیگر بخشیده می شود.»

رفتن به مسجد در اول وقت:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم می فرماید: (من اغتسل یوم الجمعة غُسل الجنابة ثم راح (أي ذهب إلى المسجد) في الساعة الأولى فکأنما قَرَّبَ بَدَنَهُ (جملاً) ومن راح في الساعة الثانية فکأنما قرب بقرة، ومن راح في الساعة الثالثة فکأنما قرب كبشاً أقرن،

ومن راح في الساعة الرابعة فكأنما قرب دجاجة ومن راح في الساعة الخامسة فكأنما قرب بيضة، فإذا خرج الإمام حضرت الملائكة يستمعون الذكر [متفق عليه] یعنی: «آنکه در روز جمعه مانند غسل جنابت، غسل نماید و سپس در ساعت اولی برود، مثل آنست که شتری را صدقه کرده باشد و آنکه در ساعت دوم برود، مانند آنست که گاوی را صدقه کرده باشد و آنکه در ساعت سوم برود، مانند آنست که گوسفند شاختاری را صدقه کرده است و آنکه در ساعت چهارم برود، مثل آنست که مرغی را صدقه کرده باشد و آنکه در ساعت پنجم برود، مثل آنست که تخم مرغی را صدقه کرده باشد و چون امام براید، فرشتگان برای شنیدن خطبه حاضر می‌شوند.»

از میان سر و گردن مردم راه را بسوی صف‌های جلوتر نگشودن:

مردی برای نماز جمعه با پیامبر صلی الله علیه وسلم به مسجد آمد و از سر و گردن‌های مردم راه خود را بسوی جلوتر باز نمود. پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز که بر منبر در حال خواندن خطبه بود، به او فرمود: (اجلس فقد آذیت وآنیت (أي أبطأت وتأخرت)) [ابوداود و نسائی و احمد] یعنی: «بنشین که (دیگران را) آزار دادی و نزدیک آمدی.»

سکوت در هنگام خطبه:

فرد مسلمان هنگام خواندن خطبه توسط امام سکوت نموده و به گفته‌های او و موعظه و راهنمایی‌هایش گوش فرا می‌دهد تا از آن بهره بگیرد. در موقع خطبه با بغل دستی‌هایش گفتگو نمی‌کنند. از ابوهریره -رضی الله عنه- روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (إذا قلت لصاحبك يوم الجمعة، والإمام يخطب أنصت فقد لغوت) [رواه الجماعة] یعنی: «هرگاه در حین خطبه‌ی نماز جمعه به دوستت بگویی ساکت باش، نماز جمععات را لغو و باطل ساخته‌ای.»

همچنین آن حضرت صلی الله علیه وسلم می فرماید: (من تکلم يوم الجمعة والإمام یخطب فهو كالحمار یحمل أسفاراً، والذي یقول له أنصت لا جمعة له) [احمد و بزار و طبرانی] یعنی: «آنکه روز جمعه سخن بگوید و امام در حال خواندن خطبه باشد، مانند الاغی است که اسفار و کتاب بر خود حمل می کند و آنکه به او بگوید ساکت باش نیز جمعه اش باطل است.»

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب نصیحت

تعریف می‌کنند که حضرت حسن و حسین رضی الله عنهما از کنار پیرمردی می‌گذشتند که در حال وضو گرفتن بود ولی وضویش را درست انجام نمی‌داد، تصمیم گرفتند که مرد را نصیحت کرده و به او یاد بدهند که چگونه وضو بگیرد، در کنارش ایستادند و به او گفتند: ای عمو، نگاه کنید که کدام یک از ما درست وضو می‌گیرد، سپس همه‌ی آنچه را که بود به او نشان دادند، هنگامی که مرد وضو درست آن‌ها را دید، فهمید که وضو خودش درست نیست، و به خاطر اینکه بدون اینکه وی را ناراحت کنند او را نصیحت کردند، از آن‌ها تشکر کرد.

نصیحت یکی استوانه‌های اسلام است، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالْعَصْرِ ۝۱ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۝۲ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ ۝۳﴾ [العصر] یعنی: «سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل]، که واقعا انسان دستخوش زیان است، مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.»

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: { (الدين النصيحة). قالوا: لمن يا رسول الله؟ قال: (لله ولكتابه ولرسوله ولأئمة المسلمين وعامتهم) } یعنی: «دین عبارت از نصیحت و خیر اندیشی است.»

گفتند: برای چه کسی؟

فرمود: برای خدا و برای کتابش و رسولش و برای پیشوایان مسلمان‌ها، و برای همه‌ی مسلمین. [متفق علیه]

از جریر بن عبد الله -رضی الله عنه- روایت شده که می‌گوید: {بایعُتُ رسول الله صلی الله علیه وسلم علی إقام الصلاة، وإيتاء الزكاة، والنصح لكل مسلم.} یعنی: «با رسول الله

صلی الله علیه وسلم بر ادای نماز و دادن زکات و نصیحت برای هر مسلمان بیعت نمود.» [متفق علیه].

از جمله آداب نصیحت مواردی بیان می‌شود که بعضی از آنها مربوط به نصیحت کننده و بعضی دیگر مربوط به نصیحت شونده می‌باشد:

آداب مربوط به فرد نصیحت کننده:

اخلاص:

فرد ناصح نباید از نصیحت کردن هدف ابراز برتری علمی خود و یا شکست دادن فرد نصیحت شونده را داشته و طرف مقابل را رسوا سازد، بلکه هدفش از نصیحت کردن باید اصلاح دیگران و جلب رضایت خداوند متعال باشد.

توجه به حکمت و موعظه و نیکو و ملایم:

سخن نیک کلید قلب‌ها است، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ [النحل: ۱۲۵] یعنی: «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای.»

عدم کتمان نصیحت:

فرد مسلمان می‌داند که نصیحت یکی از حقوقی است که باید آن را درباره‌ی برادر مسلمانش بجای آورد. مؤمن آینده‌ی برادرش است و او را نصیحت کرده، وی را از عیب‌هایش آگاه ساخته و روا نیست که آن‌ها را از وی پنهان دارد. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (حق المسلم علی المسلم ست)

قیل: ما هن یا رسول الله؟ قال: (إذا لقیته فسلم علیہ، وإذا دعاک فأجبہ، وإذا استنصحتک فانصحن له، وإذا عطس فحمد فشمته، وإذا مرض فعده (فزره) وإذا مات فاتبعه

(أَيُّ سِرِّ فِي جَنَازَتِهِ) یعنی: «(حق مسلمان بر مسلمان شش چیز است). پرسیدند: آن‌ها کدامند یا رسول الله؟ فرمود: (هرگاه با او روبرو شدی سلام بگو، چون تو را دعوت کند، اجابتش کن، چون از تو پند خواهد، به او پند ده، چون عطسه زند و الحمد لله بگوید، بر او دعا کن، چون او مریض شد به عیادت او برو، چون بمیرد، به دنبال جنازه‌اش برو).» [مسلم]

نصیحت بطور پنهان صورت گیرد:

مسلمان فرد نصیحت شده را رسوا نمی‌سازد و او را با سخنان خود ناراحت نمی‌کند، چنانکه می‌گویند نصیحت کردن در ملاء عام بی‌آبرویی و پرده برداری از عیب دیگران است.

چه زیباست سخنان امام شافعی که می‌گوید:

تَغَمَّدَنِي بِنُصْحِكَ فِي انْفِرَادِي وَجَبَّئَنِي النُّصِيحَةَ فِي الْجَمَاعَةِ
فَإِنَّ النُّصْحَ بَيْنَ النَّاسِ نَوْعٌ مِنَ التَّوْبِيخِ لَا أَرْضَى اسْتِمَاعَهُ

معنی شعر:

«مرا با نصیحت خویش در تنهاییم بیوشان
و از نصیحت کردنم در بین مردم برحذر باش
نصیحت در میان جمع مردم یک نوع
ملامت باشد و من نمی‌خواهم بشنوم آن را.»

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌خواست یکی از حاضرین را نصیحت کند، می‌فرمود: این مردم را چه شده است که اینچنین می‌کنند، یا یکی از شما را چه شده که چنین کرده است. گویند: نصیحت خود گران است و آن به کوهی تبدیل نکنید و آن را به عنوان مجادله بیان نکنید و سخن حق تلخ است برای گفتن آن از سبکی بیان کمک بگیرید.

امانت در نصیحت:

موقع نصیحت کردن، فرد نصیحت شونده را فریب نداده و تحقیر نمی‌شود. بلکه دعوتگر قبل از نصیحت کردن با تلاش و کوشش از خود مایه گذاشته و نیک اندیشه می‌نماید. ولی در صورتیکه از پوشاندن و امانت داری فسادی حاصل شود باید مسائل را بیان نماید.

آداب فرد نصیحت شده:

با سینه ای گشاده و فراخ، و بدون ناراحتی یا دلخوری یا تکبر، نصیحت را بپذیرد. چنانکه گفته‌اند: نصیحت را هرطور که بود بپذیر ولی به بهترین وجه دیگران را نصیحت کن!

عدم اصرار بر چیزهای بیهوده:

گردن نهادن به حق فضیلت است و چنگ زدن به باطل رذالت و پستی است و فرد مسلمان باید تا حد ممکن از آن دوری کند، خداوند متعال در این باره می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿۲۰۶﴾ [البقرة: ۲۰۶] یعنی: «و چون به او گفته شود از خدا پروا کن نخوت وی را به گناه کشاند، پس جهنم برای او بس است و چه بد بستری است.»

گرفتن نصیحت از مسلمان آگاه:

برای اینکه او را از عقل و حکمت خویش بهره مند می‌سازد. به همان میزان مسلمان از گرفتن نصیحت از بی‌خردان و گمراهان دوری می‌کند زیرا ضرر آن بیشتر از آن است که به حساب بیاید. از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می‌کنند که فرمود: (من أراد أمراً فشاور فيه امرأً مسلماً، وَفَقَهُهُ اللهُ لِأُرْشِدِ أُمُورِهِ) یعنی: «هرکس قصد کاری داشته باشد و

در مورد آن با مرد مسلمانی مشورت نمایید، خداوند او را در راست آمدن کارهایش موفق می‌سازد.» [طبرانی]

تشکر از فرد ناصح:

بر نصیحت شده واجب است که از فرد نصیحت کننده تشکر نمایید، چرا که کسی که از مردم تشکر نکند خداوند را هم شکر نمی‌کند.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب خواب

رسول خدا صلی الله علیه وسلم یک شب تا نیمه‌های شب نزد ام المؤمنین میمونه - رضی الله عنها- خوابیده بود، آنگاه بیدار شده و با دستش صورتش را ملید تا خواب آلودگی را از خود دور نماید، سپس ده آیه‌ی آخر سوره‌ی آل عمران را قرائت فرمود و برخاست و وضوی نیکویی گرفت و آنگاه به نماز ایستاد. [بخاری]

خواب یکی از نعمت‌های خداوند متعال، و نشانه‌ای از نشانه‌های اوست. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِعَاؤُكُمْ مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ﴾ [الروم: ۲۳] یعنی: «و از نشانه‌های [حکمت] او خواب شما در شب و [نیم] روز و جستجوی شما [روزی خود را] از فرون‌بخشی اوست در این [معنی نیز] برای مردمی که می‌شنوند قطعا نشانه‌هایی است.»

برای آنکه مسلمان از خوابیدن خود بهره‌ای برگرفته و آن را نیز به عبادت مبدل سازد باید بعضی آداب را هنگام خواب رعایت کند، از قبیل:

زود خوابیدن:

فرد مسلمان شب‌ها زود می‌خوابد و پس از نماز عشاء، مگر برای کار ضروری مانند مطالعه علمی، مدت زیادی بیدار نمی‌ماند تا بتواند صبح زود از خواب برخاسته و ورزش را با نشاط آغاز نماید.

خوابیدن با وضوء:

رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إِذَا أَتَيْتَ مَضْجِعَكَ فَتَوَضَّأْ وَضُوءَكَ لِلصَّلَاةِ) یعنی: «هرگاه تصمیم گرفتی بخوابی همانند وضویت برای نماز وضوء کن.» [متفق علیه]

خوابیدن در مکان پاک:

مسلم به پاک بودن جای خوابش اهمیت داده و در آن از خوردن و نوشیدن خودداری می‌کند.

خوابیدن در جای امن:

مسلمان می‌کوشد تا در جایی بخوابد که از امنیت کافی برخوردار است و خود را در معرض خطرات قرار نمی‌دهد. به عنوان مثال بر پشت بام بدون نرده و حصار نمی‌خوابد و پیامبر صلی الله علیه وسلم در این رابطه می‌فرماید: (من نام علی سطح بیت لیس له حِجَار (سور) فقد بَرِّئْتُ منه الذمة (أَي لا ذنب لأحد فيما يحدث له)) یعنی: «آنکه بر پشت بام خانه بخوابد که دارای نرده و حفاظ نیست، خودش بر گردن هیچکس نیست.» [بوداود]

دعاء هنگام خواب:

دعا و اذکار روایت شده از پیامبر صلی الله علیه وسلم در دسترس بوده و بجاست که مسلمانان موقع خواب بر استفاده از آنها پایبند باشند، از جمله‌ی این دعاها:

- (باسمك اللهم أموت وأحيا) یعنی: «خداوندا بنامت می‌میرم و زنده می‌شوم.» [بخاری]

- (باسمك ربي وضعت جنبي وبك أرفعه، إن أمسكت نفسي فارحمها، وإن أرسلتها فاحفظها بما تحفظ به عبادك الصالحين) یعنی: «الهی! به نام تو پهلوی خود را بر زمین نهادم، و به کمک تو آن را از زمین بلند می‌کنم، اگر در حالت خواب روح مرا قبض کردی، آن را ببخشای، و اگر دوباره به او اجازه‌ی زندگی دادی، از آن محافظت فرما، همچنان که از بندگان نیکت محافظت کنی.» [بخاری]

- (اللهم أسلمتُ نفسي إليك، ووجهتُ وجهي إليك وفوضتُ أمري إليك، وألجأتُ ظهري إليك، رغبةً ورهبةً إليك، لا ملجأَ ولا منجى منك إلا إليك، آمنتُ بكتابك الذي أنزلتَ، وبنبيك الذي أرسلتَ) یعنی: «بار الها! خودم را بتو تسلیم کردم و کارم را بتو سپردم و بتو اتکاء نمودم از روی تمایل به خیر و ترس از عذابت، پناهگاه و نجاتگاهی از تو جز بسویت، نیست. ایمان آوردم به کتابی که آن را فرستادی و به پیامبرت که مبعوثش کردی.» [بخاری]

- (۳۳) بار: سبحان الله، (۳۳) بار: الحمد لله، (۳۴) بار: الله أكبر. [بخاری]
-قرائت آیت الکرسی و آیات پایانی سوره ی بقره.

خوابیدن بر پهلو راست:

در شروع آغاز خواب باید بر پهلو راستش قرار دراز بکشد و پس از آن اشکالی ندارد که بر پهلو چپش برگردد.

محاسبه ی نفس:

فرد مسلمان خوب می داند که خواب همان مرگ خفیفی است که بیداری ندارد، بنابراین خویش را در مورد آنچه در آن روز انجام داده است مورد محاسبه می نماید و چنانچه خیر بود خداوند را سپاس می گوید و بر افزودن بر آن اراده می کند و در صورتی که شر و ناپسند باشد از خداوند طلب آمرزش و توبه می کند.

حضرت عمر بن خطاب -رضی الله عنه- می فرماید: (حاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا وزنوا أعمالکم قبل أن تورزوا.) یعنی: «خویش را حسابرسی نماید قبل از آنکه مورد محاسبه قرار گیرید و اعمالتان را بسنجید پیش از آنکه سنجیده شوید.»

پایبندی به آداب خواب و رؤیا:

چنانچه خوابی که فرد می‌بیند نیک باشد، باید بدان مژده داده و آن را برای دوستانش تعریف کند. اگر خوابی که می‌بیند اندوهناک باشد، بهتر است که از آن سخنی بر زبان نیاورد و از شر آن به خداوند پناه برد.

شب خیزی:

مسلمان با نماز شب و تهجد رابطه و تعلق خاطر خاصی دارد. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (أفضل الصلاة بعد الفريضة صلاة الليل) یعنی: «بهترین روزه بعد از رمضان ماه محرم خداست و بهترین نماز بعد از فريضة نماز شب است.» [مسلم]

اهمیت دادن به نماز صبح:

مسلمان صبح زود از خواب برخاسته و نماز صبحش را می‌خواند و تا برآمدن آفتاب در خواب نمی‌ماند.

دعای موقع برخاستن از خواب:

موقع برخاستن از خواب این دعا خوانده می‌شود: (الحمد لله الذي أحيانا بعدما أماتنا وإليه النشور). یعنی: «ثنا باد خداوندی را که بعد از میراندن ما را زنده کرد و بازگشت بسوی اوست.» سپس دست‌هایش را شسته و وضوء بگیرد.

کاستن از ساعات خواب:

میانہ روی در هر چیز از نشانه‌های انسان مسلمان می‌باشد؛ و او در خواب هم میانہ روی پیشه می‌نماید، چون خوابیدن بسیار منجر به کسالت و تنبلی می‌گردد.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب زیارت قبور

یک روز پیامبر صلی الله علیه وسلم از قبرستان عبور می‌کرد: {فوجد امرأة تبكي عند قبر، فقال لها: (اتقي الله واصبري). ولم تكن تلك المرأة تعرف النبي صلى الله عليه وسلم، فقالت له: إليك عني (ابتعد عني)، فإنك لم تُصَبِّ بمصیبتی.

فانصرف النبي صلى الله عليه وسلم وتركها، فقيل لها: إنه النبي صلى الله عليه وسلم، فجاءت إليه وقالت: لم أعرفك. فقال لها رسول الله صلى الله عليه وسلم: (إنما الصبر عند الصدمة الأولى)؛ یعنی: «پیامبر صلی الله علیه وسلم از کنار زنی گذشتند که در برابر قبری می‌گریست، فرمودند: ای زن از خدا بترس و صبر کن، آن زن گفت: از من دور شو! زیرا تو به مصیبتم گرفتار نشده‌ای. پیامبر صلی الله علیه وسلم را نشناخت. به او گفته شد که این شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم است. وی نزد آن حضرت صلی الله علیه وسلم آمده و گفت: ببخشید شما را نشناختم. آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: صبر در برابر مصیبت بهتر است.» [متفق علیه]

مصیبت نیازمند صبر می‌باشد، و مسلمان وقتی با حادثه‌ی ناگواری مواجه شد شلیسته است که به شکیبایی و صبر آراسته باشد. پیامبر صلی الله علیه وسلم قبر مادرش را زیارت نموده و می‌فرماید: (استأذنتُ ربي في أن أستغفر لها فلم يؤذن لي، واستأذنته في أن أزور قبرها فأذن لي. فزوروا القبور فإنها تذكركم بالموت) یعنی: «از پروردگام اجازه خواستم تا برای مادرم طلب امرزش نمایم ولی اجازه داده نشد، و از او اجازه خواستم تا به زیارت قبرش بروم و به من اجازه داده شد. پس به زیارت قبور بروید که مرگ را به یاد می‌آورد.» [مسلم و ابوداود]

پیامبر صلی الله علیه وسلم همچنین می‌فرماید: (نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها) یعنی: «شما را از زیارت قبرها نهی کرده بودم، از این بعد آن‌ها را زیارت کنید.» [مسلم]

یکی از بزرگان گفته است که: هرگاه دچار تنگنا و فشار شدی به زیارت قبور برو. چون زیارت قبرها قلب‌ها را نرم می‌کند و آخرت را به یاد می‌آورد. حضرت عثمان - رضی الله عنه - وقتی بهشت یا دوزخ را برایش یاد می‌نمودند می‌گریست. علت آن را پرسیدند، فرمود: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود: (القبر أول منازل الآخرة، فإن ینج منه فما بعده أیسر منه، وإن لم ینج منه فما بعده أشد منه) یعنی: «قبر نخستین منزلگاه از منزلگاه‌های آخرت است. کسی که از آن برهد، بعد از آن برایش آسانتر خواهد بود و چنانچه نرهد، بعد از آن برایش سخت تر خواهد بود.» [احمد]

زیارت قبور آدابی دارد که فرد مسلمان آن را رعایت می‌نماید، از جمله:

به خاطر آوردن نیت:

مسلمان از زیارت خویش خوشنودی خداوند متعال و اصلاح تباهی قلب خویش و سلام کردن بر مردگان و دعای خیر برایشان و... را در نظر دارد.

هنگام ورود به قبرستان ابتدا سلام نماید:

پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی بسوی قبرستان بیرون می‌رفت به یارانش می‌فرمود تا بگویند: (السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین والمسلمین، ویرحم الله المستقدمین منا والمستأخرین، وإنا إن شاء الله بکم لاحقون) یعنی: «سلام بر شما باد، اهل این منزل از مؤمنان و مسلمانان، و خداوند بر گذشتگان شما و آیندگان ما رحم کند و هرگاه خدا بخواهد بشما می‌پیوندیم.» [مسلم]

نشستن و راه نرفتن بر روی قبرها:

مسلمان باید بهوش باشد که بر روی قبرها نشیند، به آنها تکیه نکند و بر آنها راه نرود، چون پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: (لأن یجلس أحدکم علی جمرة فتحرق ثیابه فتخلص إلى جلدہ، خیرٌ له من أن یجلس علی قبر) یعنی: «اگر یکی از شما بالای شعله‌ی آتش بنشیند و جامه‌اش را سوزانیده و به پوستش برسد، برایش بهتر از آن است که بر قبری بنشیند.» [مسلم]

تبرک نگرتن از قبور:

جایز نیست که از قبرها تبرک بجوییم یا آنها را مانند برخی افراد نادان از عوام ببوسیم. بلکه راهنمای هر مسلمانی فرمایش رسول الله صلی الله علیه وسلم است که: (إذا سألت فاسأل الله، وإذا استعنت فاستعن بالله) یعنی: «اگر چیزی می‌خواهی از خدا بخواه، و اگر یاری می‌جویی از خدا بجو!» [ترمذی]

روا نبودن خنده و بازی در قبرستان:

خنده و تفریح در قبرستان نشانه‌ی قساوت قلب بوده و قبرستان حرمتی دارد که مسلمان را از از تفریح و یاوه‌گویی در آن برحذر می‌دارد. قبرستان جای یادآوری مرگ است و مکان عبرت و پندآموزی است.

تمجید از درگذشتگان و بیان نیکی‌ها آنان:

دشنام دادن به مردگان و بیان بدی‌های آنان درحالی‌که بر دین اسلام درگذشته‌اند جایز نیست. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (لا تسبوا الأموات، فإنهم قد أفضوا إلى ما قدّموا) (انتهاوا من أعمالهم فی الدنيا) یعنی: «مردگان را دشنام ندهید، زیرا آنان به آنچه پیش فرستادند، رسیدند (اعمالشان در دنیا به پایان رسیده است)» [بخاری] و همچنین می‌فرماید: (لا تذکروا هلککم) (أمواتکم) (إلا بخیر) یعنی: «مردگان‌تان را جز به نیکی یاد نکنید.» [نسائی]

درست نبودن خواندن نماز در قبرستان یا نماز خواندن رو به قبرها:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از نماز خواندن در قبرستان یا روی نمودن به آن‌ها در نماز نهی کرده است. از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده که می‌گوید: (نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم أن یصلي فی سبع مواطن: فی المزیلة، والمجزرة، والمقبرة، وقارعة الطريق، والحمام، ومعائن الإبل، وفوق الکعبة) یعنی: «رسول خدا صلی الله علیه وسلم در پنج جا از خواندن نماز نهی فرموده است: در زباله دانی، کشتارگاه، گورستان، بر شاهراه‌ها، خوابگاه شتران و بر بام کعبه.» [ابن ماجه]

سلام کردن هنگام ترک آن جا و گرفتن پند و موعظه از آن:

مسلمان در حالی از زیارت قبرستان بازمی‌گردد که قلبی پر از نرمش و ایمان دارد و سعی در اعمال صالح و اطاعت از خداوند سبحان و پایبندی به اوامر او و اجتناب از محرماتش را دارد.

به این ترتیب زیارت قبرستان دیدگاه مسلمان در مورد دنیا را تغییر داده و آن را متعادل تر می‌سازد. انسان با نظر پندگیری و عبرت آموزی به قبرها می‌نگرد و به حال و هوای اهل قبور می‌اندیشد و زندگی و کارهایی که در زندگانی دنیایشان می‌کردند و اکنون هیچ کدام از آن کارها را نمی‌توانند انجام دهند و بخاطر آنچه بیشتر کرده‌اند حسابرسی می‌شوند... به این شکل فرد به خود آمده و در مورد خویش به تفکر می‌پردازد. به زودی او نیز جزو ساکنان این مکان خواهد بود، در نتیجه با خود عهد می‌بندد که در دنیا کردار نیک داشته باشد تا برای آخرت توشه‌ای بیاندوزد. در آخر با قبرستان خداحافظی کرده و آن قدر دل و جانش زلال و شفاف گشته که او را در کردار درست و نیک یاری دهد.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب قضاء حاجت

از حضرت ابوهریره -رضی الله عنه- نقل شده که می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: (نزلت في أهل قُبَاء: ﴿فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾ [التوبة: ١٠٨] كانوا يستنجون بالماء، فنزلت فيهم الآية.) یعنی: «این آیه در مورد اهل قبا نازل گشته است: {در آن مردانی اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می دارد.} آنان با آب استنجا می نمودند و آیهی مذکور در مورد آنان نازل شد.» [ابوداود و ترمذی و ابن ماجه]

به سلمان فارسی -رضی الله عنه- گفتند: پیامبر شما همه چیز را و حتی نحوهی قضای حاجت را به شما آموخته است. [مسلم] آری، این دین چه دین والا و بزرگواری است! کوچکترین مسائل نیز وانگذاشته و مسلمانان را در هر موردی رهنمون ساخته است. از جمله آدابی که هر مسلمانی می کوشد تا در هنگام قضاء حاجت به آن پایبند باشند این موارد هستند:

قضاء حاجت در مکان مخصوص:

مسلمان از قضاء حاجت و ادرار در مجاری آب یا مکان تجمع مردم و سایه ها و راه و کوچه و خیابان ها که در انظار مردم می باشد، خودداری می نماید.

یکبار پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: { (اتقوا اللَّعَّانِينَ). قالوا: وما اللعانان يا رسول الله؟ قال: (الذي يتخلى (يقضي حاجته) في طريق الناس أو في ظلهم.) } یعنی: «از دو کاری که سبب لعنت می شود بپرهیزید. گفتند: یا رسول الله، و این دو کاری که سبب لعنت می شود کدامند؟»

فرمود: کسی که در راه مردم یا سایه شان نجاست می‌کند.» [مسلم]

وارد شدن به دستشویی با پای چپ و خروج از آن با پای راست:

دستشویی جایی است که در آن مکان نجاست وجود دارد، بنابراین مسلمان با پای چپ بدان وارد شده و با پای راست از آن بیرون می‌رود.

دعای قبل از داخل شدن به دستشویی:

(بِسْمِ اللَّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخُبَائِثِ). یعنی: «به نام خدا. الهی! از جن‌های پلید اعم از مرد و زن به تو پناه می‌برم.» [نسائی] یعنی از جنس نر و ماده‌ی شیازمین به خداوند پناه برده و به او امید دارم.

همراه نداشتن چیزی که در آن نام خدا باشد:

مسلمان در حالیکه قرآن یا چیزی که در آن نام خداوند باشد را همراه دارد وارد دستشویی نمی‌شود مگر آنکه از گذاشتن آن در بیرون امنیت خاطر نداشته باشد. پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم خاتمی داشتند که بر آن «محمد رسول الله» نقش بسته بود و هنگام رفتن به دستشویی آن را از دست بیرون می‌نمود. [أبوداود]

صحبت نکردن در اثنای قضای حاجت:

مردی از کنار رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌گذشت و ایشان بول می‌نمود، آن مرد به ایشان سلام کرد ولی آن حضرت صلی الله علیه وسلم جواب سلامش را نداد. [مسلم] مکروه است که دو نفر موقع قضای حاجت جایی باشند و با هم گفتگو نمایند. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند که خداوند این کار را ناپسند می‌دارد.

عجله در خروج بعد از قضای حاجت:

وقتی که قضای حاجت فرد تمام شد، بهتر است که نگذارد ماندنش در آن جا به درازا کشیده و به سرعت بیرون بیاید.

عدم اسراف در آب:

اسراف در هر کاری ناپسند می‌باشد، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ [الأعراف: ۳۱] یعنی: «و[لی] زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد.»

استفاده از دست چپ:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إِذَا بَالَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَأْخُذَنَّ ذِكْرَهُ بِيَمِينِهِ، وَلَا يَسْتَنْجِي بِيَمِينِهِ.) یعنی: «هرگاه یکی از شما بول نماید، باید آلت خود را بدست راست بگیرد و نیز به دست راستش استنجاء نکند.» [متفق علیه]

رو یا پشت نمودن به قبله:

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: (إِذَا أَتَيْتُمُ الْغَائِطَ فَلَا تَسْتَقْبِلُوا الْقِبْلَةَ وَلَا تَسْتَدْبِرُوهَا بِيُولٍ وَلَا غَائِطٍ لَكِنِ اشْرُقُوا أَوْ غَرَبُوا.) یعنی: «وقتی برای قضای حاجت می‌روید، هنگام ادراار یا نجاست، نه رو به قبله کنید و نه پشت به آن نمایید بلکه رو به مشرق یا مغرب کنید.» [مسلم]

ولی اگر در مکانی همچون دستشویی‌های امروزی باشد، برخی از ائمه این کار را جایز دانسته‌اند.

نهان شدن:

وقتی که فرد مسلمان در سفر یا مکانی است که جای مخصوصی برای قضای حاجت وجود ندارد، باید کارش را در جایی دور از چشم مردم و با رعایت پوشانیدن خویش، به

جز آن اندازه از جایی که برای قضای حاجت باید بیرون بماند، انجام دهد. از جابر - رضی الله عنه - نقل شده که می‌گوید: همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم در یک سفر خارج شدیم، و رسول الله صلی الله علیه وسلم برای قضای حاجت نمی‌رفتند مگر آنکه از دید همه مخفی می‌گشت و کسی او را نمی‌دید. [ابن ماجه]

آن حضرت صلی الله علیه وسلم از کنار دو قبر می‌گذشت، فرمود: (إِنَهُمَا لِيُعَذَّبَانِ، وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ: أَمَا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنْ بَوْلِهِ، وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ.) یعنی: «آن دو عذاب می‌شوند و در چیز بزرگی عذاب نمی‌شوند! اما یکی از آنها از بول (ادرار) پرهیز نمی‌کرد و دیگری سخن چینی می‌کرد.» [متفق علیه]

استنجاء:

همان پاک نمودن محل بول یا نجاست با آب یا سنگ می‌باشد. خداوند سبحان اصحاب - رضوان الله عليهم - را، به خاطر آنکه با آب استنجا می‌کردند، مدح نموده و می‌فرماید: ﴿فِيهِ رَجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾ [التوبة: ۱۰۸] یعنی: «در آن مردانی‌اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی‌اند دوست می‌دارد.»

استجمار:

استفاده از سه عدد سنگ برای زدودن نجاست می‌باشد. این عمل برای وقتی است که آب در دسترس نبوده و می‌توان به جای سنگ از کاغذ توالت یا چیزی مانند آن نیز استفاده کرد.

ادرار نمودن در مسیر باد:

تا آنکه نجاست به سویش بازنگردد.

بول نکردن در آب راکد:

رسول الله صلى الله عليه وسلم از بول نمودن در آب راکد نهی فرموده است. [نسائی]

ادرار نمودن در سوراخ‌ها:

تا مبادا حشره یا آسیبی به او برسد.

نشستن موقع ادرار:

نشستن هنگام بول نمودن از ایستادن بهتر است، برای آنکه نجاست به سمتش برنگشته و بدنش نجس نشود. اگر از برنگشتن ادرار به طرف خودش مطمئن باشد می‌تواند به صورت ایستاده نیز ادرار نماید.

شستن دست‌ها و پاکیزه داشتن آن‌ها:

مسلمان همواره سعی می‌کند که دستانش بعد از قضای حاجت را با آب و صابون بشوید.

دعاء هنگام خروج:

پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی از دستشویی خارج می‌شد می‌فرمود: (غفرانک) یعنی: «[الهی! به امید] آمرزش تو!» [ابوداود] و نیز می‌فرمود: (الحمد لله الذي أذهب عني الأذى وعافاني) یعنی: «سپاس خدایی را که از من ناپاکی را دور کرد و به من عافیت بخشید.» [ابن ماجه]

وضوء:

بلال بن رباح -رضی الله عنه- بعد از هر بار قضای حاجت وضوء می‌گرفت و نماز می‌خواند، پیامبر صلی الله علیه وسلم به او فرمود: (یا بلال، حدثني بأرجي عمل عملته في الإسلام، فإني سمعت دَفَّ نعليك بين يدي في الجنة (أي: اذكر لي أفضل عمل عملته؛ لأنني سمعت صوت أقدامك في الجنة في رؤيا رأيتها بالأمس). قال بلال: ما عملت عملاً أرجي

عندي من أني لم أتطهر طهوراً في ساعة من ليل أو نهار إلا صليتُ بذلك الطهور ما كُتِبَ لي أن أصلي.) یعنی: «ای بلال! برای من از امیدوار کننده ترین عملی که در اسلام انجام داده ای را بازگو کن، زیرا من صدای کفش هایت را پیشاپیش خود در بهشت شنیدم. بلال گفت: من عملی انجام نداده ام که امیدوار کننده تر باشد برایم از آنکه هیچ لحظه‌ای از روز یا شب طهارتی نکردم و وضوئی نگرفتم، مگر اینکه با آن طهارت به اندازه‌ای که برایم مقدور شده بود نماز گزاردم.» [متفق علیه]

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب رفتار با حیوانات

پیامبر صلی الله علیه وسلم برای اصحابش تعریف می‌کند که مردی داشت در راهی می‌رفت، سخت تشنه شد و دنبال آب می‌گشت تا بنوشد. و چاهی را دید در آن فرو شد و آب آشامید، و بعد از آن بیرون شد، ناگهان سگی را دید که از شدت تشنگی زبان از کامش برآمده بود، از تشنگی خاک خیس را می‌خورد. با خود گفت: این سگ هم مثل من به سختی تشنه شده، پس به چاه درآمده کفشش را آب کرده آن را بدهن خود گرفت، از چاه بالا آمد و سگ را سیراب کرد، خداوند مزد این عمل را داد و او را آمرزید. صحابه گفتند: یا رسول الله، آیا در کمک کردن به چارپایان پاداش داده می‌شود؟ آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: (في كل ذات كبد رطبة أجر) یعنی: «در (کمک به) هر جگر تازه ای پاداش است.» [متفق علیه]

خداوند انسان را خلق کرد و او را کرامت بخشید و حیوانات را برای خدمت به او در برآوردن نیازهایش به تسخیرش در آورد. انسان از گوشت و شیر آنها تغذیه نموده و لباس هایش را از پشم و پوست آنان می‌سازد و برخی را برای زیبایی و علاقه نگاه می‌دارد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالْأَنْعَمَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٥﴾ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٦﴾ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٧﴾ وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨﴾﴾ [النحل: ٥-٨] یعنی: «و چارپایان را برای شما آفرید در آنها برای شما [وسیله] گرمی و سودهایی است و از آنها می‌خورید * و در آنها برای شما زیبایی است آنگاه که [آنها را] از چراگاه برمی‌گردانید و هنگامی که

[آن‌ها را] به چراگاه می‌برید * و بارهای شما را به شهری می‌برند که جز با مشقت بدن‌ها بدان نمی‌توانستید برسید قطعاً پروردگار شما رئوف و مهربان است * و اسبان و استران و خران را [آفرید] تا بر آن‌ها سوار شوید و [برای شما] تجملی [باشد] و آنچه را نمی‌دانید می‌آفریند.»

از جمله آدابی که باید انسان مسلمان در برخورد با حیوانات رعایت کند، موارد زیر می‌باشند:

شکر خداوند به خاطر این نعمت:

این کار با استفاده و به کار بستن درست و بجای آن حیوان و دادن حق خداوند، زکات و صدقات، که در آن است به انجام می‌رسد.

مهربانی با حیوانات:

مسلمان برای حیوانات غذا، آب و مکان مناسبی را مهیا می‌کند. عرب همواره به اسب اهمیت داده و به تربیت آن همت می‌گمارد و می‌کوشید تا اصالت آن را به خوبی محفوظ دارد. پیامبر صلی الله علیه وسلم با عباى خود صورت اسبش را دست می‌کشید. صحابی جلیل القدر حضرت ابوقتاده رضی الله عنه گربه‌ای را دید که دنبال آب می‌گشت، ظرف آب را برایش مایل نمود تا آنکه آب نوشید و بازگشت.

رسول خدا صلی الله علیه وسلم از زنی که وارد آتش دوزخ شده است بخاطر آنکه گربه‌ای را زندانی کرده و آن را از خوردن و نوشیدن باز داشته است. آن حضرت صلی الله علیه و سلم: (دخلت امرأة النار في هرة ربطتها، فلم تطعمها، ولم تدعها تأكل من خشاش (حشرات) الأرض) یعنی: «زنی وارد دوزخ گشت به خاطر گربه‌ای که آن را بسته و نه طعامش داده و نه گذاشت که از حشرات و گزندگان زمین بخورد.» [متفق علیه]

همچنین آن حضرت صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (ما من مسلم يغرس غرساً أو يزرع زرعاً؛ فيأكل منه طير أو إنسان أو بهيمة إلا كان له به صدقة) یعنی: «مسلمانی نیست

که نهالی را بکارد یا کشتی را زراعت نماید و از آن پرندگان یا انسانی بخورد مگر آنکه برای او بخاطر آن صدقه‌ای نباشد.» [مسلم]

بار بیش از طاقت بر آنان سوار نکنند:

مسلمان با سوار کردن باری بیش از طاقت حیوان بر آن سخت نمی‌گیرد. پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد بستان یکی از مردان انصار گردید و شتری را مشاهده نمود، وقتی شتر رسول خدا صلی الله علیه وسلم را دید نالیدن گرفت و از چشمانش اشک روان شد. پیامبر صلی الله علیه وسلم بسوی آن شتر رفت و پشت گوش‌هایش را نوازش کرد و شتر آرام گرفت. پرسید که صاحب شتر کیست، جوانی از انصار آمده و گفت: من صاحب آن هستم، یا رسول الله - صلی الله علیه وسلم. آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: (أفلا تتقي الله في هذه البهيمة التي ملكك الله إياها؛ فإنه شكا إلى أنك تُجيعه وتُدثبه) (تتعبه وترهقه) یعنی: «آیا در مورد این حیوانی که خدا تو را مالک آن نموده از پروردگار نمی‌ترسی؟ زیرا او بمن شکایت می‌کند که تو او را گرسنه نگه داشته و خسته‌اش می‌کنی.» [ابوداود]

پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرموده است: (إن الله تبارك وتعالى رفيق يحب الرفق، ويرضى به، ويعين عليه ما لا يعين على العنف، فإذا ركبت هذه الدواب العجم (التي لا تتكلم) فأنزلوها منازلها (أريحوها في المواضع التي اعتدتم الاستراحة فيها أثناء السفر) یعنی: «همانا خداوند تبارک و تعالی نرم رفتار است و نرم رفتاری را دوست می‌دارد و بدان خرسند می‌گردد و برای آن چنان یاری می‌رساند که برای بدرفتاری چنان نمی‌کند. پس هرگاه بر این چهارپای زبان بسته سوار شدید، آن را در منزلگاه‌هایش فرود آورید (یعنی آن را در جاهایی که برای استراحت آن‌ها در جریان مسافرت آماده نموده‌اید، استراحت دهید)» [مالک]

آزار و شکنجه ندادن حیوانات:

دین اسلام تأکید فراوان بر مهربانی و دلسوزی دارد. بر همین اساس انسان مسلمان حیوان یا پرنده‌ای را نمی‌آزارد و چه برسد که با آتش آن را عذاب دهد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم لانه‌ی مورچه‌ای را دید که صحابه سوزانده بودند، پرسید: (من حَرَّقَ هذه؟) یعنی: «چه کسی این را سوزانده است؟» گفتند: ما. فرمود: (إنه لا ينبغي أن يعذب بالنار إلا رب النار) یعنی: «همانا نمی‌سزد که جز پروردگار آتش، کسی به آتش عذاب نماید.» [ابوداود].

همچنین یکبار پیامبر صلی الله علیه وسلم بر الاغی گذشت که بر صورتش داغ نهاده بودند. فرمود: (لعن الله الذي وسمه) یعنی: «لعنت بر آنکس باد که آن را داغ کرده است.» [مسلم] و ام المؤمنین عایشه -رضی الله عنها- در سفر همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم بود. همانطور که سوار بر شتر بود، آن را به شدت می‌راند، رسول خدا صلی الله علیه وسلم به او فرمود: (عليك بالرفق) یعنی: «با او به نرمی رفتار کن.» [مسلم]

حیوان را نشانه‌ی تیراندازی قرار ندهید:

مسلمان پرندگان یا حیوانات را هدف تیراندازی خود قرار نمی‌دهد. عبد الله بن عمر رضی الله عنهما بر چند بیچه از قریش گذشت که پرنده‌ای را بر جای بلندی بسته بودند و به او تیر می‌انداختند. وقتی ابن عمر رضی الله عنهما را دیدند فرار کردند. ابن عمر رضی الله عنهما گفت: چه کسی این کار را کرده؟ خداوند لعنت کند کسی را که چنین کرده است. رسول الله صلی الله علیه وسلم کسی را که جاننداری را نشانه‌ی هدف‌گیری خود قرار دهد را لعن نموده است. [مسلم].

انس رضی الله عنه پسربچه‌هایی را دید که مرغی را بسته و به او تیر می‌انداختند، به آنان گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم از اینکه به حیوانات ستم روا داشته شود نهی کرده است. [بخاری]

جدا نساختن پرندگان کوچک و مادرشان از همدیگر:

رسول الله صلی الله علیه وسلم در سفری همراه اصحاب بودند. اصحاب حمزه (نام پرنده‌ای است) را دیدند که دو جوجه‌اش همراهش بود، دو جوجه‌اش را گرفتند و حمزه آمده و چنان بشدت بال بال می‌زد که انگار داشت شکایت می‌کرد. پیامبر صلی الله علیه وسلم مقصود آن پرنده را فهمیده و فرمود: (من فجع هذه بولدها؟ ردوا ولدها إليها) یعنی: «چه کسی این حیوان را برای بچه‌اش به فریاد آورده؟ فرزندش را به او بازگردانید!» [ابوداود]

نرم رفتاری با حیوان در هنگام ذبح:

مسلمان هیچ حیوانی را سربریده یا شکار نمی‌نماید مگر به دلیل شرعی خاصی و در آن حال نیز لازم است که در مرود حیوان با مهربانی و نیکی رفتار کند. پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إن الله كتب الإحسان علی کل شیء؛ فإذا قتلتم فأحسنوا القتلة، وإذا ذبحتم فأحسنوا الذبح، ولئحد أحدکم شفرته ولئیرح ذبیحته) یعنی: «هر آئینه خداوند احسان و نیکی را بر هر چیز واجب نموده است، پس چون کشتید، نیکو بکشید و چون حیوانی را ذبح نمودید، نیکو ذبح کنید، باید که تیغ خود را تیز کرده و ذبیحه‌ی خود را راحت نمایید.» [مسلم].

همچنین می‌فرماید: (من رحم ولو ذبیحة عصفور رحمه الله یوم القيامة) یعنی: «کسی که بر یک ذبیحه اگرچه گنجشکی هم که باشد رحم آورد، خداوند بر او در روز قیامت رحم می‌کند.» [طبرانی]

مثله نمودن حیوانات:

مسلمان حیوانات را با بریدن گوش‌ها یا هر عضو دیگری از اعضای حیوان در حال حیاتش آزار نمی‌رساند. از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرموده‌اند: (من مثَّل ب حیوان فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعین) یعنی: «آنکه حیوانی را مثله کند، لعنت خدا و فرشتگان و همه‌ی مردم بر اوست.» [طبرانی]

جز به ضرورت حیوانی کشته نشود:

بدرفتاری انسان با برخی حیوانات به ایجاد اختلال در تعادل طبیعت می‌انجامد. به عنوان مثال: در بعضی مناطق انسان‌ها روی به کشتن گربه‌ها آوردند ولی در عوض تعداد موش‌ها در آن جا افزوده شده و محصولات کشاورزی را با خطر جدی مواجه ساخت. در نتیجه مجبور به صرف مبالغ بسیاری جهت ساخت سموم و کشنده‌هایی برای رهایی از دست موش‌ها گشتند.

معالجه‌ی حیوان موقعی که بیمار باشد:

انسان مسلمان به مداوای حیوانی که مال اوست همت گمارده و با آن با مهربانی رفتار می‌نماید.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

ادب در رابطه با والدین

ابو هریره -رضی الله عنه- بسیار تمایل داشت تا مادرش به دین اسلام مشرف شود. از خداوند سبحان می‌خواست که سینه‌اش را برای ورود به اسلام باز نماید. روزی او را به سوی اسلام فراخواند و مادرش عصبانی شد، و حرفی زد در آن به پیامبر صلی الله علیه وسلم بی‌احترامی کرد. ابو هریره رضی الله عنه فوراً به سوی پیامبر صلی الله علیه وسلم رفت در حالی که گریه می‌کرد، گفت: یا رسول الله، من مادرم را به سوی دین اسلام دعوت می‌نمودم ولی به من پاسخی نمی‌داد. اما امروز او را به اسلام دعوت کردم و چیز ناخوشایندی از او شنیدم از خداوند بخواهید که مادر ابو هریره را هدایت نماید، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (پروردگارا مادر ابوهریره را هدایت بفرما).

ابوهریره رضی الله عنه، بسیار خوشبین و شادمان از دعای پیامبر صلی الله علیه وسلم از آنجا خارج شد و به سوی مادرش رفت، و دید که در خانه بسته است. صدای ریختن آب را می‌شنید. ظاهراً مادرش داشت غسل می‌گرفت. هنگامی که مادرش صدای قدمهای او را شنید، گفت: ابو هریره، چند لحظه صبر کن. سپس لباسهایش را پوشید و در را باز کرد و گفت: ای ابوهریره، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، ابوهریره -رضی الله عنه- به خاطر اسلام آوردن مادرش بسیار خوشحال شد. خدمت پیامبر صلی الله علیه وسلم رفت و ایشان را از این امر آگاه نمود و شکر خداوند را بجای آورد و نیکو بگفت. [مسلم].

والدین سبب وجود آدمی هستند، و هر دوی آنان برای تربیت فرزندان و آسایش آنان زحمت می‌کشند، خداوند متعال نیکی در حق والدین رابر بندگانش واجب نموده و در این رابطه می‌فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ [الإسراء: ۲۳]

یعنی: «و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را بپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید.»

همچنین می‌فرماید: ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ [النساء: ۳۶] یعنی: «و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید.»

باز خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَفَصَلَّهُ فِي عَمْرَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ﴾ [لقمان: ۱۴] یعنی: «و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش به او باردار شد سستی بر روی سستی و از شیر باز گرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است.»

و نیز: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفَصَلَّهُ وَتَلْتُونَ شَهْرًا﴾ [الأحقاف: ۱۵] یعنی: «و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و باربرداشتن و از شیرگرفتن او سی ماه است.»

تأکید پیامبر صلی الله علیه وسلم بر نیکی با والدین:

ایشان صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: (من سرّه أن یمدّ له فی عمره (أي یبارک له فیهِ) ویزاد فی رزقه؛ فلیبرّ والديه، ولیصل رحمه) [احمد] یعنی: «آنکه خوش دارد که عمرش دراز شود و روزیش بسیار؛ با والدینش نیکی کند و پیوند خویشان بدارد.»

همچنین آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: (رغم أنفه (أي أصابه الذل والحزني) ثم رغم أنفه، ثم رغم أنفه). قيل: من یا رسول الله؟ قال: (من أدرك والديه عند الکبر؛ أحدهما أو كليهما، ثم لم يدخل الجنة) [مسلم] یعنی: «آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: خوار و ذلیل شود، خوار و ذلیل شود، خوار و ذلیل شود.»

پرسیدند چه کسی یا رسول الله صلی الله علیه و سلم؟
فرمود: کسی که والدنش را در وقت پیری دریابد، یکی یا هردو را، ولی وارد بهشت
نشود.»

بنابراین بر هر مسلمانی واجب است که با والدینش نیکی نموده و با آنان خوشرفتار
باشد، و از جمله آداب رفتار با والدین:

دوست داشتن و با شفقت بودن با آنها:

مسلمان باید بداند که والدینش ارج و حمت بسیاری دارند، زیرا در راه آسایش او
زحمت و سختی بسیاری را تحمل نموده‌اند، و او هر چند زحمت و تلاش بسیاری بکشد
نمی‌تواند حتی جزئی از زحمات آنها را جبران کند.

مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آمد و گفت: یا رسول الله، من مادرم را بر روی
شانه ام فرسنگ‌ها در شدت گرما حمل کردم، آیا من شکرانه‌ی زحمات او را بجا
آورده‌ام؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: (لعله أن يكون لطلقه واحدة) (یعنی طلقه
واحدة من آلام الولادة) یعنی: «شاید بتواند پاسخ یکی از دردهای زایمان او باشد.»

همچنین پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: (من أرضى والديه فقد أرضى الله، ومن
أسخط والديه فقد أسخط الله) [بخاری در «الأدب المفرد»] یعنی: «آنکه والدینش را
راضی نماید، خداوند را راضی کرده و آنکه والدینش را ناخشنود سازد، خداوند را
ناخوشنود کرده است.»

اطاعت از آنان:

فرد مسلمان در همه حال مطیع اوامر والدینش می‌باشد، مگر اینکه او را به نافرمانی
خداوند وادار نمایند، که قطعا در این حالت نباید از هیچ مخلوقی در انجام نافرمانی خدا
اطاعت شود.

سرپرستی آنان:

مسلمان نگهداری از والدینش را بر عهده دارد، نفقه‌ی آن‌ها بر عهده‌ی او می‌باشد. به آن‌ها غذا بدهد و لباس بپوشاند، تا از رضای خداوند بهره مند گردد.

اگر فرزند صاحب‌دارایی باشد و والدین به آن احتیاج داشته بر وی واجب است تا برایشان خرج کند. مردی پیش پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم من صاحب مال و اولادی هستم و پدرم می‌خواهد مال مرا از من بگیرد. پیامبر صلی الله علیه وسلم به او فرمود: (أنت ومالك لأبيك) یعنی: «تو و مالت از آن پدرت هستی.» [ابن ماجه]

نیکی کردن به آن‌ها:

مسلمان به نیکی کردن در حق والدین مشتاق است، حتی اگر آن‌ها کافر باشند، اسماء دختر ابو بکر -رضی الله عنها- گفت: (در اسلام آوردن) بر مادرم پیشی گرفتم، در حالی که او -در دوران قریش- مشرک بود. گفتم: یا رسول الله، (در اسلام) بر مادرم پیشی گرفتم، در حالی که او همچنان بر دین خودش است، آیا با مادرم در ارتباط باشم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (نعم، صلی أُمَّكَ) [مسلم] یعنی: «آری، با او پیوند نگه دار.»

هنگامی که سعد بن ابی وقاص مسلمان شد، مادرش از غذا خوردن و آشامیدن امتناع کرد تا شاید سعد از دینش بر گردد. اما او بر ایمان به خدا اصرار داشت. او از اطاعت مادرش در نافرمانی نسبت به خداوند روی گرداند، و به او گفت: ای مادر بدان که به خدا اگر هزار نفس داشته باشی و هرکدام یک یک از وجودت خارج شود از دین خود دست بر نمی‌دارم. اگر خواستی چیزی بخور و اگر نخواستی نخور. خداوند عزوجل در قرآن کریم در این باره فرمود: ﴿وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۖ وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾ [لقمان: ۱۵] یعنی: «و اگر تو را وادارند تا در باره

چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرک ورزی از آنان فرمان مبر و [لی] در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن.»

مراعات احساسات آنان:

فرد مسلمانان هرکاری که موجب بی‌احترامی به والدینش گردد، دوری می‌کند حتی اگر چیز جزئی و ناچیزی باشد، مثلاً گفتن کلمه‌ی «اف = وای بر شما». خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿۲۳﴾ [الإسراء: ۲۳] یعنی: «آنها [حتی] اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی.»

آنان را به اسمشان صدا مکن:

وقتی فرزندی والدینش را صدا می‌زند، می‌گوید: پدر! یا مادرم! آنها را به اسم شان صدا نمی‌زند. حضرت ابوهریره رضی الله عنه دو مرد را با هم دید و از آنان پرسید که با هم چه نسبتی دارند؟ یکی از آنان گفت: او پدرم است. ابوهریره رضی الله عنه گفت: او را به اسمش صدا مکن و جلوتر از او راه مرو و پیش از منشین. [بخاری در «الأدب المفرد»]

هنگام برپا بودن آنان ننشیند، و در راه رفتن از آنان پیش نیفتد:

از ادب بدور است که فرزند بنشیند و والدینش سرپا ایستاده باشند یا پایش را در حالی که مقابل او نشسته‌اند دراز نماید و...

لازم است که در حضور آنها ادب را مراعات نموده و در برابرشان فروتن باشد. خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿۲۴﴾ [الإسراء: ۲۴] یعنی: «و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگارا آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند.»

اجازه داشتن از آنها برای رفتن به جهاد:

اگر جهاد فرض کفایه باشد، چنین اجازه‌ای لازم می‌شود. پیامبر صلی الله علیه وسلم به مردی که می‌خواست به جهاد برود، فرمود: «آیا والدینت در قید حیات هستند؟» پاسخ داد: بلی. آنگاه پیامبر صلی الله علیه وسلم از او پرسید که آن دو بدینکار رخصت داده‌اند یا خیر؟ مرد گفت: خیر. پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: (فارجع فاستأذنهما؛ فإن أذنا لك، وإلا فبرهما) یعنی: «برو و از آن‌ها اجازه بگیر. اگر اجازه‌ات دادند، وگرنه با آنان نیکی گزین.» [احمد] ولی اگر جهاد فرض عین باشد، مانند دشمنی که به سرزمین حمله کرده باشد احتیاج به شرط اجازه‌ی آن‌ها ندارد.

همسر و فرزندانش را بر آن‌ها برتری ندهد:

أخبر پیامبر صلی الله علیه وسلم از سه نفری که در بیابان می‌گشتند برای ما حکایت می‌فرماید که برای سپری کردن شب وارد غاری شدند. وقتی وارد آن شدند، ناگهان صخره‌ی بزرگی از کوه سرازیر گردیده و آستانه‌ی غار بسته شد. هرچقدر سعی کردند تا تخته سنگ را جابجا نمایند نتوانستند. مطمئن شدند که در همانجا هلاک خواهند شد. اندیشه نمودند تا هرکدام خداوند سبحان را بخواند و از خدا بخواهد که به برکت اعمال نیکش، آنان را نجات دهد.

یکی از آنان گفت: بار خدایا من پدر و مادری داشتم که پیرو فرتوت بودند و قبل از ایشان هیچیک از اعضای خانواده، و خدمتگاران را سیراب نمی‌کردم، روزی در جستجوی درخت دور رفتم و زمانی بازگشتم که آن دو بخواب رفته بودند، من سهم شیرشان را دوشیدم، چون دیدم که آن‌ها به خواب رفته‌اند، روا ندانستم که آن‌ها را از خواب بیدار کنم و یا یکی از اعضای خانواده و خدمتگزارانم را شیر بنوشانم، من همچنان صبر کردم که آن‌ها بیدار شوند، و قدح هم در دستم بود تا لحظه‌ای که صبح دمید، در حالیکه کودکانم در پیش پایم از گرسنگی جزع و فزع می‌کردند. پس آن‌ها از خواب بیدار

شده و سهم شیر خود را نوشیدند. خدایا اگر این کار را برایت کردم ما را از این مشکل نجات ده.

سپس هرکدام اعمال نیک خود را بیان داشته و دعا کردند و صخره از دم غار به کنار رفت و آن‌ها به فضل این فرزند نیکوکار و رفتار نیکویی که دوستانش داشته‌اند از غار بیرون آمده و نجات یافتند.» [متفق علیه]

به این ترتیب فرد مسلمان پدرش را بر زن و فرزندان مقدم می‌شمارد، و با این شیوه‌ی رفتار به الگویی برای زن و فرزندانش در نیکی در حق والدین تبدیل می‌گردد. تا اینکه وقتی او و همسرش هر دو پیر شدند، فرزندانشان با آنان نیکو رفتار کنند همچنان که پدرانشان با والدینش نیک رفتار نموده است. روایت می‌شود که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: (برو آباءکم تبرکُم أبناؤکم) [طبرانی] یعنی: «با والدیتان نیکی کنید تا فرزندانتان با شما نیکی کنند.»

دعاء برای آنان در زمان حیات و پس از مردن ایشان:

انسان مسلمان در زمان حیات والدینش و پس از وفات آنان تا می‌تواند برایشان دعا می‌کند. در قرآن کریم درباره‌ی حضرت نوح -علیه السلام- بدینگونه بیان شده است: ﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ﴾ [النوح: ۲۸] یعنی: «پروردگارا بر من و پدر و مادرم و هر مؤمنی که در سرایم درآید و بر مردان و زنان با ایمان ببخشای.»

پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ: إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ) [مسلم] یعنی: «چون انسان بمیرد، عمل او قطع می‌شود، جز در سه چیز:

صدقه‌ای که جاری باشد.

یا عملی که از آن سود برند.

یا فرزند صالحی که برای او دعا کند.»
 انسان مسلمان برای والدینش طلب آمرزش نموده و بدهی و نذرهایشان را از طرف آنان به جا می‌آورد. قرآن می‌خواند و پاداش آن را به آنان هدیه می‌کند و به جای آنها صدقه داده و از دیگر کارهای نیک برای احسان با والدین فرو نمی‌گذارد.

احسان و نیکی با دوستان پدر و مادر پس از وفاتشان:

فرد مسلمان با دوستان والدینش پیوند می‌دارد و به آنان سر می‌زند و به نیکی رفتار می‌نماید، همانطور که والدینش عمل نموده بوده‌اند. رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَصِلَ أَبَاهُ فِي قَبْرِهِ فَلْيَصِلْ إِخْوَانَ أَبِيهِ مِنْ بَعْدِهِ) [ابن حبان و ابو یعلی] یعنی: «آنکه دوست دارد با پدرش در قبر صله و پیوند نگاه دارد، حتماً باید با دوستان پدرش در زمان وفات او پیوند و صله بجای آورد.»

آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرموده است: (إِنَّ أَكْبَرَ الْبِرِّ صَلَاةُ الرَّجُلِ أَهْلَهُ وَوَدَّ أَبِيهِ) [مسلم] یعنی: «از بهترین نیکی‌ها اینست که شخص رابطه‌اش را با دوستان پدرش حفظ نماید.»

با این اوصاف هر مسلمانی می‌کوشد والدینش را خرسند و راضی نگاه دارد و رضایت خداوند عزوجل را در رضایت آن دو می‌بیند.

مترجم: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب مجالس

یک روز پیامبر صلی الله علیه وسلم در مسجد به همراه اصحابش نشستند بود. سه مرد آمده و دو نفر وارد شده و سومین آنان بازگشت. آن دو مرد به مجلس رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحابش نزدیک آمده و یکی از ایشان یک جای خالی در حلقه‌ی نشستگان در مجلس یافت و نشست و دیگری پشت حلقه نشست.

وقتی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم سخنانش را به پایان برد، در مورد حال و وضع آن سه نفر برایشان چنین توضیح داد: (أما أحدهم فأوی إلى الله فأواه (لجأ ورجس لیستمع إلى كلام الله فأنزل الله علیه رحمته) وأما الآخر فاستحيا (لم یزاحم) فاستحيا الله منه وأما الثالث فأعرض (عن مجلس الذکر) فأعرض الله عنه) یعنی: «یکی از آنان به خدا بازگشت نموده (پناه آورد و برای گوش دادن به کلام خدا نشست و خداوند بر او رحمتش را نازل فرمود) و خداوند او را جای داد، و اما دیگر حیاء کرد و الله تعالی از وی حیاء نمود و اما سومی (از مجلس ذکر) اعراض نمود و الله تعالی از وی اعراض کرد.» [بخاری]

از جمله آدابی که ایجاب می‌کند هر مسلمانی آن را در شرکت در مجالس رعایت کند موارد زیر می‌باشند:

همنشینی و مجالست با صالحان:

انسان مسلمان در انتخاب افرادی که با آنان نشست و برخاست و مصاحبت می‌کند به خوبی دقت نموده و آنان را از بین اهل تقوا و صلاح و کسانی که به عبادت و طاعت خداوند شناخته شده‌اند برگزیند. انسان مسلمان همنشینی با کسانی را که نه دین دارند و

نه از ادب و اخلاق برخوردارند را نمی‌گزیند چون همنشین و رفیق تاثیر زیادی بر روی فرد دارد.

همچنین باید کوشید تا از همنشینی و مجالست با افراد بیکار و معتاد و اشخاص منحرف اخلاقی دوری جست تا بتوان از تاثیر مخرب نشستن با آنان و کشیده شدن به راه و روش آنها در امان ماند. حال آنکه هر روز شنیده شده و در روزنامه و مجلات می‌خوانیم که در پشت هر حادثه‌ی تازه‌ای علت انحراف مجرمان همان نشست و برخاست با جوانان معتاد، بیکار، ناهنجار یا منحرف بوده است. بنابراین فرد یارانش را از بین انسان‌های دارای اخلاق نیکو و افراد موفق در درس و تحصیل و کارهایشان انتخاب می‌نماید. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (الرجل علی دین خلیله؛ فلینظر أحدکم من یخالل) یعنی: «هر شخص بر دین دوستش است، پس بنگرد هر کدام تان که با چه کسی دوستی می‌کند.» [ابوداود و ترمذی]

رسول خدا صلی الله علیه وسلم همنشین مناسب و دوست خوب را به حامل عطر و خوشبویی و درعوض همنشین بد را به کسی که در آتش می‌دمد تشبیه نموده و می‌فرماید: (مثل الجلیس الصالح والجلیس السوء کحامل المسک ونافخ الکیر. فحامل المسک إما أن یحذیک (یعطیک من المسک) وإما أن یتباع منه، وإما أن تجد منه ریحاً طیبَةً. ونافخ الکیر إما أن یحرق ثیابک، وإما أن تجد منه ریحاً خبیثَةً) یعنی: «مثال همنشین صالح و همنشین بد، مانند دارنده‌ی مشک، و دمنده‌ی دمه‌ی (وسیله‌ی دمیدن باد) آهنگری است، که دارنده‌ی مشک یا برایت مشک می‌دهد، و یا از وی خریداری می‌کنی و یا از او بوی خوش را می‌یابی، و دمنده‌ی دمه‌ی آهنگر یا لباست را می‌سوزاند و یا از او بوی بد به مشامت می‌رسد.» [متفق علیه]

پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد همنشینی با انسان‌های صالح و درستکار و خداترس تاکید بسیار نموده چنین می‌فرماید: (لا تصاحبُ إلا مؤمناً، ولا یأکل طعامک إلا

تقی) یعنی: «همصحبتی جز با مسلمان مکن و طعامت را کسی جز پرهیزگار نخورد.» [ابوداود و ترمذی]

خداوند متعال ما را از نشستن با کسانی که آیات کلام الله را تحریف نموده و آن را در غیر موضع خود قرار می‌دهند برحذر داشته و می‌فرماید: ﴿وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۶۸﴾ [الأنعام: ۶۸] یعنی: «و چون ببینی کسانی [به قصد تخطئه] در آیات ما فرو می‌روند از ایشان روی برتاب تا در سخنی غیر از آن درآیند و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت پس از توجه [دیگر] با قوم ستمکار منشین!» بنابراین انسان مسلمان می‌کوشد تا پیوسته در مجالس خیر و نیکی حاضر شده و از آن‌ها بهره برگیرد.

سلام کردن و نشستن هر جا که جا شد:

وقتی مسلمانی بر عده‌ای وارد شده و بخواهد با آنان بنشیند به آنان سلام می‌کند. پیامبر صلی الله علیه وسلم ما را به این کار امر نموده و می‌فرماید: (إِذَا أَتَيْتَ أَحَدَكُمْ إِلَىٰ مَجْلَسٍ فَلْيَسَلِّمْ) یعنی: «هرکس از شما به مجلسی رسید سلام کند.» [ترمذی] همینطور فرد باید جایی بنشیند که مجلس خاتمه می‌یابد و حق ندارد کسی را از جایش برخیزاند و جای او بنشیند، حالا هرکس که می‌خواهد باشد. همه انسان‌ها از آدم و آدم از خاک است و همگی یک اصل و طبیعت را دارند و جز به تقوا و کردار صالح فرقی با هم ندارند. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (لَا يَقِيمُ الرَّجُلُ الرَّجُلَ مِنَ الْمَجْلَسِ ثُمَّ يَجْلِسُ فِيهِ) یعنی: «مردی برخیزانده نمی‌شود تا کسی به جای او بنشیند.» [متفق علیه] وسط مجلس نیز نباید نشست که از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده که می‌فرماید: (لُعِنَ مَنْ جَلَسَ وَسَطَ الْحَلَقَةِ) یعنی: «بر کسی که در میان حلقه می‌نشیند، لعنت باشد.» [ابوداود و ترمذی] همچنین جز با اجازه‌ی دو نفر بین آن‌ها ننشیند. پیامبر صلی الله علیه وسلم

می‌فرماید: (لا يُجْلَسُ بَيْنَ رَجُلَيْنِ إِلَّا بِإِذْنِهِمَا) یعنی: «نباید هیچ کس که یعنی میان دو نفر بنشیند مگر به اجازه‌ی آن‌ها.» [ابوداود]

درست و میانه نشستن:

شخص مسلمان با اعتدال و رعایت ادب نشسته و به حاضرین پیرامون خویش خیره ننگریسته و در جایش زیاد حرکت نکرده و جابه‌جا نمی‌شود. از انجام کارهایی که با ذوق سلیم و طبع نیک مخالف باشد پرهیز کرده و وقتی همه نشسته‌اند بر پا نایستاده و وقتی همه برخاسته‌اند نمی‌نشیند. همینطور باید که در نشست و برخاست خویش پایبند وقار و متانت و آرامش و آراستگی ظاهر نیز باشد.

خودداری از نشستن در کوچه و بازار:

فرد مسلمان از نشستن در کوچه و بازار دوری می‌کند تا مزاحم دیگران نشود. پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین می‌فرماید: { (إِيَّاكُمْ وَالْجُلُوسَ عَلَى الطَّرِيقَاتِ) فَقَالُوا: مَا لَنَا بِدِ، إِنَّمَا هِيَ مَجَالِسُنَا نَتَحَدَّثُ فِيهَا. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (فَإِذَا أَبَيْتُمْ إِلَّا الْمَجَالِسَ، فَأَعْطُوا الطَّرِيقَ حَقَّهَا). قَالُوا: وَمَا حَقُّ الطَّرِيقِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (غَضُّ الْبَصْرِ، وَكَفُّ الْأَذَى، وَرَدُّ السَّلَامِ، وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ) } یعنی: «از نشستن در راهها پرهیزید. گفتند: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم ما چاره‌ی از این نشستن‌های مان نداریم که در آن صحبت می‌کنیم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: پس هرگاه ناگزیر از نشستن شده‌اید، حق راه را بدهید. گفتند: حق راه چیست؟ فرمود: پوشیدن چشم، خودداری از اذیت و آزار و جواب دادن سلام و امر به کارهای پسندیده و نهی از کارهای بد.» [بخاری]

دوری از اماکن شبهه‌ناک:

مسلمان جز برای ضرورت در قهوه خانه‌ها ننشسته و همچنین به شدت از قمارخانه و شراب فروشی‌ها دوری کرده و خوب می‌داند که این گونه اماکن دروازه‌های شیطان هستند.

رعایت ادب در گفتگو:

در نشستن خویش باید ادب و وقار را از یاد نبرده و به گفته‌های سخن‌گویان تا وقتی که از گناه و معصیت صحبت نمی‌کنند گوش داده و در حین صحبت افراد میان سخنانش ندویده و در هنگام حرف زدن به ملایمت و به گونه‌ای سخن بگوید که دور و بری‌هایش صدایش را بشنوند ولی صدایش را بلند نکند که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿۱۹﴾ [لقمان: ۱۹]

یعنی: «و صدایت را آهسته‌ساز که بدترین آوازه بانگ خران است!»

وقتی یک مسلمان نظرش را ابراز می‌دارد آن را به آرامی و واضح بیان می‌دارد تا بقیه حرف‌هایش را بفهمند و اگر دید که لازم است برای فهم موضوع باید آن را تکرار کند این کار را بکند. پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی سخنی می‌گفت آن را سه بار تکرار می‌نمود تا شنونده آن را بفهمد. حضرت عایشه -رضی الله عنها- کلام رسول الله صلی الله علیه وسلم را چنین توصیف می‌کند: کلام ایشان با فاصله بود و هر که می‌شنید می‌فهمید.

مسلمان در گفتگوهایش می‌کوشد تا از آنچه نمی‌داند سخنی نگوید که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴿۳۶﴾ [الإسراء: ۳۶] یعنی: «و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد.» و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: (کفی بالمرء کذباً أن یحدث بکل ما سمع) یعنی: «دروغگوئی فرد همین بس که همه‌ی آنچه را می‌شنود، بگوید.» [مسلم] همچنین می‌کوشد تا به دیگران

گوش فرا داده و به نظرات همنشینان خویش احترام بگذارد و آن قدر سخنش را طول ندهد که بقیه از صحبت و نشستن با او خسته و دلزده گردند.

در گوشی دو نفر در حضور نفر سوم:

اگر جایی سه نفر نشسته باشند، درست نیست که دو تایشان با هم جداگانه حرف بزنند. این عمل باعث ناراحتی نفر سوم شده و احساس مضیقه خواهد نمود. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إِذَا كُنْتُمْ ثَلَاثَةً فَلَا يَتَنَاجَى رَجُلَانِ دُونَ الْآخَرِ حَتَّى تَحْتَلِطُوا بِالنَّاسِ، مَنْ أَجَلَ أَنْ ذَلِكَ يَحْزَنُهُ) یعنی: «چون سه نفر بودید، پس دو نفر بدون دیگری با هم نجوا نکنید (درگوشی حرف نزنید) تا اینکه با مردم یکجا شوید، زیرا این کار او را غمگین و پریشان می‌سازد.» [بخاری]

جای باز کردن برای کسی که وارد می‌شود:

چنانچه در جایی عده‌ای نشسته باشند و تعدادی وارد شوند، و جا تنگ باشد، آن‌هایی که نشسته‌اند باید جایی را برای دیگران باز کرده و تا جاییکه می‌توانند برای تازه واردان فراخی ایجاد نمایند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَقَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ﴾ [المجادلة: ۱۱] یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به شما گفته شود در مجالس جای باز کنید پس جای باز کنید تا خدا برای شما گشایش حاصل کند.» و پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز می‌فرماید: (خیر المجالس أوسعها) یعنی: «بهترین مجالس‌ها فراخ‌ترین آن‌ها است.» [ابوداود و احمد]

برنخاستن برای کسی که وارد می‌شود به قصد تکریم فرد:

این عمل از لحاظ شرعی حرام می‌باشد و وقتی این تحریم شدیدتر می‌شود که خود فرد نیز دوست داشته باشد جلوی او برخیزند. رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (لا تقوموا كما يقوم الأعاجم يعظم بعضهم بعضاً) یعنی: «برنخیزید آنگونه که عجم‌ها

برخی برخی دیگر را بزرگ می‌دارند.» [ابوداود و احمد] همچنین آن حضرت صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (من سرّه أن یمثّل له عباد الله قیامًا، فلیتّبوا بیّتا من النار) یعنی: «آنکه از ایستادن بندگان خدا به خدمتش خوشنود شود، باید خانه‌اش را در دوزخ آماده کند.» [بخاری در ادب مفرد]

برخاستن برای والدین، فرد کهنسال، عالم گرانقدر، حاکم، استادی که حقش بر گردن فرد است یا برخاستن به منظور دست دادن، در آغوش گرفتن یا تبریک گفتن ایرادی ندارد، بلکه همگی جزو آداب اسلامی می‌باشند. پیامبر صلی الله علیه وسلم انصار را امر نمود تا برای بزرگ شان حضرت سعد بن معاذ -رضی الله عنه- برخیزند، و فرمود: (قوموا لسیدکم) یعنی: «جلوی آقایان به پاخیزید.» [بخاری]

رعایت ادب در عطسه نمودن یا سرفه کردن و یا انداختن آب دهان:

مسلمان باید از آزردن حاضران اجتناب ورزید. پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی عطسه می‌کرد دست یا لباس خویش را بر دهان می‌گرفت و صدای خویش را بدان می‌کاست. [ابوداود و ترمذی]

مسلمان موقع عطسه زدن می‌گوید: (الحمد لله)؛ و حاضران به او می‌گویند: (یرحمکم الله) و باز فرد به آنان پاسخ می‌دهد: (یهدیکم الله ویصلح بالکم).

سلام نمودن در هنگام ترک مجلس:

وقتی کیس خواست از جایی که با دیگران نشسته است بلند شده و برود از حاضران اجازه خواسته و بر آنان سلام می‌نماید. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إذا انتهى أحدکم إلى المجلس فلیسلّم، فإذا أراد أن یقوم فلیسلّم؛ فلیست الأولى بأحق من الآخرة) یعنی: «هرگاه یکی از شما به مجلسی برسد، باید سلام کند و هرگاه قصد کند که برخیزد، باید سلام کند، زیرا سلام اولی از دومی سزاوارتر نیست.» [ابوداود و ترمذی]

دعای کفاره‌ی مجلس:

انسان مسلمان پیوسته در نشست و برخاست خویش ذکر و یاد پروردگارش را می‌گوید. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (ما من قوم یقومون من مجلس لا یذکرون الله فیہ إلا قاموا عن مثل جيفة حمار، وكان لهم حسرة) یعنی: «هیچ گروهی نیست که از مجلسی بر می‌خیزند که در آن خدا را یاد نمی‌کنند، جز مانند آنکه گوئی از روی نعش الاغی برخاسته‌اند و برای شان حسرت و افسوس می‌ماند.» [ابوداود]

همچنین فرد مسلمان در پایان مجلس آن را با دعای کفاره‌ی مجلس خاتمه می‌دهد. همانطور که پیامبر صلی الله علیه وسلم ما را بدان رهنمون گشته و فرموده‌اند: (كفارة المجالس أن يقول العبد: سبحانك اللهم وبحمدك. أشهد أن لا إله إلا أنت. أستغفرك وأتوب إليك) یعنی: «کفاره‌ی مجلس آن است که بنده بگوید: سبحانک اللهم... یعنی پاک‌یست تو را بار خدایا! و تو را می‌ستایم. بار خدایا مرا بیامرزد.» [احمد]

امانت مجلس:

مسلمان سر مجلسی را که ترک می‌گوید محفوظ نگه داشته و از آنچه گفته شده سخنی بر زبان نمی‌آورد. چرا که سخنان آن مجلس نزد او امانت به شمار می‌روند. پیامبر صلی الله علیه وسلم این موضوع را چنین بیان می‌فرماید: (إذا حدَّث الرجل بحديث، ثم التفت، فهي أمانة) یعنی: «وقتی فرد سخنی بیان نموده و روی برگرداند، دیگر آن سخن امانت است.» [ابوداود و ترمذی و حمد]

پرهیز از داستان سرائی در شب و بعد از نماز عشاء:

نباید در مجالس بعد از نماز عشاء شرکت جست چنانچه سودی برای او یا دیگران در آن نباشد و حاصل آن جز شب‌گذرانی و بیدار ماندن چیزی نباشد. در این حالت بهتر است زود برود و بخوابد تا صبح زود از خواب برخاسته و نماز صبحش را به جای آورده

و کارهایش را صبح زود آغاز کند. خداوند متعال صبح زود را زمانی بابرکت و نیکو قرار داده است. رسول الله صلی الله علیه وسلم از خوابیدن قبل از عشاء و گفتگوی بعد از آن نهی می فرمود. [ابوداود]

ترجمه: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

آداب مهمانی

۱- پذیرفتن دعوت:

احادیث زیادی درباره‌ی قبول کردن دعوت در دست می‌باشد، از جمله اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (حق المسلم علی المسلم خمس: رد السلام، وعیادة المريض واتباع الجنائز وإجابة الدعوة وتشمیت العاطس) یعنی: «حق مسلمان بر مسلمان پنج چیز است: جواب سلام، عیادت مریض، رفتن بدنبال جنازه، قبول کردن دعوت، دعا برای عطسه زنده.» [رواه البخاری و مسلم وأحمد والترمذی والنسائی وأبو داوود وابن ماجه] اکثریت اهل علم در مورد اینکه اجابت نمودن دعوت مستحب می‌باشد به جز دعوت عروسی که واجب است، به خاطر فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و سلم: (شرالطعام طعام الولیمة یُدعى لها الأغنیاء ویُترك الفقراء، ومن ترك الدعوة فقد عصی الله ورسوله) یعنی: «بدترین طعام‌ها طعام عروسی است که منع می‌شود از آن کسی که می‌خواهد در آن حضور یابد، ولی دعوت می‌شود به آن کسی که از آن امتناع می‌ورزد، و کسی که دعوت را قبول نمی‌کند، همانا نافرمانی خدا و رسول او را نموده است.»

شیخ ابن عثیمین رحمه الله درباره‌ی شرایط پذیرفتن دعوت چنین می‌گوید:

۱- دعوت کننده از کسانی باشد که ترک کردن و بی‌اعتنایی به او واجب یا سنت نباشد.

۲- در مکانی که دعوت برگزار می‌شود منکری وجود نداشته باشد، چنانچه در آن جا منکر وجود داشته باشد و وی می‌تواند آن را برطرف نماید حضور وی در آنجا به دو دلیل واجب است: رفع آن منکر و پذیرش دعوت. ولی در صورت عدم توانایی زدودن منکر حضور در آن مکان حرام می‌باشد.

۳- دعوت کننده یک مسلمان باشد، در غیراینصورت قبول دعوت وی واجب نیست.

- ۴- منبع درآمد فرد از راه حرام نباشد.
- ۵- اجابت دعوت مذکور مستلزم کنار نهادن یک واجب دیگر یا چیزی که واجب تر از قبول دعوت است، نباشد و در صورت وجود این استلزام اجابت دعوت حرام خواهد بود.
- ۶- مستلزم ضرری در رفتن و سفر کردن نباشد، مثلاً فرد مجبور باشد برای رفتن به مکان دعوت سفر نموده یا از اهل و خانواده‌اش که به وجود او نیاز دارند جدا شود.

کلامی مفید از کتاب «التوحید» با اندکی دخل و تصرف.

این را هم اضافه می‌کنیم که:

- ۷- فرد دعوت کننده به طور معین و خصوصی شخص را دعوت ننموده باشد و مثلاً در یک مجلس و به طور عام اشخاص را دعوت نماید، در این حالت اجابت دعوت واجب نیست.

مسأله: آیا کارت‌های دعوتی که پخش می‌شوند به منزله‌ی دعوت شفاهی هستند؟
 اگر کارت‌هایی که برای مردم ارسال می‌شوند و به طور عام بوده و مشخص نباشد که به چه کسی داده شده‌اند می‌توان گفت که مشابه دعوت عام بوده و قبول چنین دعوتی واجب نمی‌باشد. لیکن اگر فرد بداند یا گمان غالب چنان باشد که دقیقاً منظور فرستنده‌ی کارت خود آن فرد می‌باشد، شامل حکم دعوت شفاهی خواهد بود.

۲- مهمان نوازی واجب است:

سول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (الضيافة ثلاثة أيام وجائزته يوم وليلة ولا يحل لرجل مسلم أن يقيم عند أخيه حتى يؤثمه) یعنی: «مهمان نوازی تا سه روز است و یک شبانه روز جایزه‌ی اوست و روا نیست برای هیچ مسلمانی که نزد برادرش اقامت

کند، تا حدی که او را گناهکار سازد.» [رواه البخاری و مسلم و أحمد و الترمذی و أبو داوود و ابن ماجه و الدارمی]

نکته: در حدیث فوق از ماندن همان بیش از سه روز نهی شده است تا مهمان دار را چه به صورت حدس و گمان یا بدگویی کردن از وی و مانند آن دچار گناه نکند. ولی در این مورد کسی که مطمئن باشد صاحبخانه از ماندن وی ناخرسند نبوده یا او خود از وی بخواهد که بیشتر در آنجا اقامت نماید از این نهی مستثنی می‌باشد. لیکن در صورت شک و درنگ کردن صاحبخانه بهتر است که بیش از سه روز آن جا نماند.

۳- مستحب بودن خوشامد گویی به مهمان:

از حضرت ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده که می‌گوید: «لما قدم وفد عبد القیس علی النبی صلی الله علیه وسلم قال مرحبا بالوفود الذین جاؤوا غیر خزایا ولا نداما... الحدیث» یعنی: «هنگامی که وفد قبیله‌ی عبدقیس نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «بسیار خوش آمدند این گروهی که آمدند، امیدوارم از آمدنتان ناراحت و پشیمان نشوید...» [رواه البخاری و مسلم] تردیدی نیست که استقبال و خوشامدگویی از مهمانان، شادی و الفت را وارد قلب آن‌ها می‌نماید.

۴- چنانچه کسی که دعوت نشده همراه مهمان راه بیافتد، مهمان به او چه بگوید؟

از حضرت ابومسعود انصاری رضی الله عنه روایت شده که می‌گوید: «کان من الأنصار رجل یقال له أبو شعیب وکان له غلام لحام فقال: اصنع لی طعاما أدعو رسول الله صلی الله علیه وسلم خامس خمسة، فدعا رسول الله صلی الله علیه وسلم خامس خمسة، فتبعهم رجل، فقال النبی صلی الله علیه وسلم: إنك دعوتنا خامس خمسة وهذا رجل قد تبعتنا فإن شئت أذنت له وإن شئت تركته، قال: بل أذنت له». یعنی: «مردی از انصار به نام ابوشعیب، برده ای قصاب داشت. روزی به برده‌اش گفت: برای من غذایی تهیه کن. زیرا

می‌خواهم رسول الله صلی الله علیه وسلم را با چهار نفر دیگر، دعوت نمایم. (او نیز غذایی تهیه کرد). آن مرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم را با چهار نفر دیگر، دعوت نمود. اما شخص دیگری نیز با آنان آمد. نبی اکرم صلی الله علیه وسلم به ابوشعیب گفت: «شما پنج نفر را دعوت نمودید ولی این مرد نیز با ما آمد. پس می‌توانی به او اجازه بدهی و یا اجازه ندهی». ابوشعیب گفت: به او اجازه دادم. [رواه البخاری و مسلم و الترمذی].

در حدیث آمده است که اگر کسی عده‌ای معین را دعوت نموده و آنگاه کسی از جایی دیگر با آنان راه بیافتد و شامل آن دعوت نبوده باشد، صاحب دعوت این اختیار را دارد که وی را رد کند یا بپذیرد. [قاله ابن حجر بتصرف]

۵- تشریفات برای مهمان:

نباید برای مهمان آن قدر تشریفات و تکلف اجرا شود که از حد معقول خارج شود. برای آنکه تشریفات درکل مورد نهی قرار گرفته است. از حضرت ابن عمر رضی الله عنه روایت شده که می‌فرماید: «نهینا عن التکلف». یعنی: «ما از تکلف منع شده‌ایم». برای تشخیص حد و مرز تکلف به عرف رجوع می‌شود...

آماده کردن غذا برای مهمان باید به گونه‌ای باشد که اندازه باشد و از اسراف و بخل ورزی پرهیز گردد. پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (طعام الواحد یکفی الاثنین و طعام الاثنین یکفی الأربعة، و طعام الأربعة یکفی الثمانية). یعنی: «غذای یک نفر برای دو نفر و غذای دو نفر برای چهار نفر و غذای چهار نفر برای هشت نفر کفایت می‌کند». [رواه مسلم و أحمد و الترمذی و ابن ماجه]

رسول خدا صلی الله علیه وسلم از خوردن غذای دو نفر رقابت کننده باهم (متباریان)، که هرکدام چنان عمل می‌نماید تا معلوم شود کدامیک در مهمان نوازی و پذیرایی و زیاده روی در آماده ساختن انواع و اقسام اغذیه بر دیگری برتری می‌یابد، نهی فرموده است. این کار به خاطر ریا و چشم و هم چشمی موجود در آن مکروه دانسته شده و برای آنکه

شامل زمره‌ی (اکل المال بالباطل) خوردن مال بصورت باطلی می‌گردد که خداوند نهی فرموده است.

۶- وارد شدن به خانه با کسب اجازه و بازگشتن به منزل خویش پس از فراغت از صرف غذا:

جزو آدابی است که پروردگار متعال در قرآن کریم برای ما بیان فرموده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَظِيرِينَ إِنَّهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَأَدْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَقْنِسِينَ لِحَدِيثٍ...﴾ [الأحزاب: ۵۳] یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید داخل اتاقهای پیامبر شوید مگر آنکه برای [خوردن] طعامی به شما اجازه داده شود [آن هم] بی‌آنکه در انتظار پخته‌شدن آن باشید ولی هنگامی که دعوت شدید داخل گردید و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید بی‌آنکه سرگرم سخنی گردید.»

خداوند متعال مسلمانان را از وارد شدن به خانه‌های پیامبر صلی الله علیه وسلم بدون اذن و اجازه منع فرموده است و در نتیجه آنان بدون کسب اجازه وارد خانه‌های یکدیگر نیز نمی‌شوند. امام شوکانی می‌گوید: خداوند مسلمانان را از انجام چنین کاری در منزل پیامبر صلی الله علیه وسلم نهی فرمود و به تبع آن منازل سایر مسلمانان نیز داخل این نهی گردید. مردم خود را پایبند آدابی که خداوند آنان را بر آن داشته نمودند و از ورود هم به خانه‌هایشان بدون کسب اجازه در هنگام غذا خوردن و نه قبل از آن و به جهت منتظر ماندن برای پختن غذا ممانعت می‌کردند. سپس برخاسته و آن جا را ترک می‌کردند بدون آنکه سرگرم گفتگو شوند مگر آنکه صاحبخانه خود از آنان بخواهد که بمانند یا عادت آن جماعت چنان باشد و مشکل و ناراحتی با این مسأله نداشته باشند، برای اینکه علتی که باعث وجود این نهی می‌گشته (اذیت و ناراحتی صاحبخانه) منتفی شده است.

۷- مقدم داشتن شخص بزرگ تر بر کوچک تر و مقدم داشتن شخص سمت راست:

صاحب دعوت شایسته است که بزرگ تر عده‌ای را که دعوت نموده است مقدم داشته و به او توجه بیشتری داشته باشد. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (أَرَانِي أَتَسَوَّكُ بِسِوَاكِ، فَجَاءَنِي رَجُلَانِ، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ، فَنَاوَلْتُ السَّوَاكَ الْأَصْغَرَ مِنْهُمَا، فَقِيلَ لِي: كَبِّرْ، فَدَفَعْتُهُ إِلَى الْأَكْبَرِ مِنْهُمَا) یعنی: «در خواب دیدم که مسواک می‌زنم. دو نفر نزد من آمدند. یکی بزرگ تر بود و دیگری کوچک تر. مسواک را به کوچک تر دادم. به من گفته شد: آن را به بزرگ تر بده. آنگاه مسواک را به فرد بزرگ تر دادم.» [رواه البخاری]

از سهل بن سعد نقل شده که می‌گوید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَى بِشْرَابٍ فَشَرِبَ مِنْهُ وَعَنْ يَمِينِهِ غَلَامٌ وَعَنْ يَسَارِهِ الْأَشْيَاحُ فَقَالَ لِلْغَلَامِ: أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أُعْطِيَ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ الْغَلَامُ: وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَا أُثْرُ بِنَصِيْبِي مِنْكَ أَحَدًا قَالَ: فَتَلَّهَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي يَدِهِ». یعنی: «شربت برای رسول الله صلی الله علیه وسلم آورده شد و از آن آشامیدند و بطرف راست شان پسری و در طرف چپ شان پیرمردها بودند. آنحضرت صلی الله علیه وسلم برای پسر فرمودند: آیا بمن اجازه می‌دهی که به ایشان بدهم؟ پسر گفت: نه بخدا یا رسول الله صلی الله علیه وسلم هیچکس را بر نصیبم که از طرف شما بمن رسیده ترجیح نمیدهم، و رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را در دستش گذاشت.» [رواه البخاری و مسلم و أحمد و مالک]

در این حدیث بیان این نکته است که باید به فرد سمت راست برتری داده شود، آن شخص بزرگ باشد یا کوچک و این موضوع با احادیثی که درباره‌ی مقدم داشتن بزرگ ترها سفارش می‌نمایند. به این ترتیب برای آنکه این دو موضوع را باهم گردآوریم، چنین می‌گوییم:

مقدم داشتن سمت راست مربوط است به موقعی که فردی چیزی را نوشیده و چیزی از آن باقی می‌ماند و آن را به کسی می‌دهد که در سمت راستش قرار دارد، ابن عبدالبر

می‌گوید: و در آن - یعنی حدیث سهل - آدابی از مواکلت (به همدیگروا گذاشتن کاری) و آدابی از نحوه‌ی نشست و برخاست وجود دارد آمده است که چنانچه مردی چیزی را بخورد یا بنوشد، باقیمانده‌ی آن را به فردی می‌دهد که در سمت راستش قرار دارد، حال هر که می‌خواهد باشد، و حتی اگر شخص سمت راست مهتر و شخص سمت چپش کهنتر باشد. ولی مقدم داشتن شخص بزرگ‌تر بر کوچک‌تر برای زمانی است که برای بار نخست نوشیدنی یا غذایی تعارف می‌شود و پس از آن شخص باقیمانده را به سمت راستش می‌دهد. این ایده با حدیث ابن عباس رضی الله عنهما تقویت می‌شود که نقل می‌نماید: «کان رسول الله صلی الله علیه وسلم إذا سقی قال: ابدؤوا بالکبیر» یعنی: «رسول خدا صلی الله علیه وسلم چنان که کسی آب می‌نوشانید می‌فرمود: از بزرگ‌تر آغاز کنید.» [فتح الباری أخرجه یحیی وقال الحافظ: سنده قوی]

به این بین صورت ادله‌ی فوق هماهنگی حاصل می‌شود. والله أعلم.

۸- دعایی که مهمان پس از فراغت از خوردن غذا برای صاحبخانه می‌خواند:

از حضرت انس رضی الله عنه روایت شده که نقل می‌نماید: «أن النبی صلی الله علیه وسلم جاء إلى سعد بن عبادة فجاء بخبز وزیت فأکل ثم قال النبی صلی الله علیه وسلم: أفطر عندکم الصائمون وأکل طعامکم الأبرار وصلت علیکم الملائکة». یعنی: «رسول خدا صلی الله علیه وسلم نزد سعد بن عباده رفتند و او نان و روغن آورد. پیامبر صلی الله علیه وسلم غذا را میل نموده و فرمود: «افطر عندکم...» روزه داران بر سفرهایتان افطار کنند و از غذایتان نیکوکاران بخورند و فرشتگان بر شما درود فرستند.» [رواه أبو داوود وأحمد والدارمی وابن ماجه]

بعضی از علما این دعا را تنها به هنگام افطار نمودن اختصاص داده‌اند ولی بیشتر آنان دعا را برای هنگام افطار و غیر آن جایز می‌دانند.

عبد الله ابن بسر روایت کرده که پدرش غذایی را برای پیامبر صلی الله علیه وسلم آماده ساخت و ایشان را دعوت کرده و آنحضرت صلی الله علیه وسلم دعوتش را اجابت فرمود. و وقتی که پیامبر صلی الله علیه وسلم از صرف غذا فارغ شدند چنین فرمودند: (اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُمْ وَارْحَمِهِمْ وَبَارِكْ لَهُمْ فِي مَا رَزَقْتَهُمْ) یعنی: «بارالها! آنان را بیامرزد و بر آنان رحم فرما و در آنچه روزیشان داده‌ای فزونی ده!» [رواه مسلم وأحمد والترمذی وأبو داوود والدارمی]

۹- مستحب بودن بدرقه‌ی مهمان تا در خانه:

سنگ تمام مهمان نوازی و توجه مطلوب به مهمان و همراهی وی تا هنگام ترک منزل، بدرقه‌ی او است. حدیث صحیحی بر این موضوع در دست نیست. تنها سیره‌ی پیشینیان این امت و امامان آن در این رابطه وجود دارد که تنها به بیان نمونه‌ای از آن‌ها بسنده می‌کنیم: ابوعبید القاسم ابن سلام به دیدار امام احمد ابن حنبل رفت... ابوعبید می‌گوید: «وقتی که خواستم برخیزم او نیز با من برخاست. گفتم: نه، چه کار می‌کنی، ای اباعبدالله؟ گفتم: شعبی گفته است که کمال برخوردار با دیدارکننده در آن است که با وی تا در خانه بروی و در رکابش باشی...».

کتاب «الآداب الشرعية».

ترجمه: مسعود

مصدر: سایت نوار اسلام

IslamTape.Com

